

خورشید، بر فراز جنگل

مسعود کوهستانی نژاد

مقاله بخورشید، بر فراز جنگل، اختصاصاً به بررسی مقطعی از تاریخ هیأت اتحاد اسلام دارد که از اول شعبان ۱۳۳۵ ق. آغاز و تا اول ذی‌قلعه ۱۳۳۶ ق. (اول جوزا، شرد، ۱۲۹۶ تا ۱۵ اسد، مرداد، ۱۲۹۷) ادامه می‌یابد. در این دوره، هیأت اتحاد اسلام، با استفاده از عوامل مخفی، توانست ضمن تحکیم نفوذ خود در گیلان، در نقاط اطراف نیز، به بسط نفوذ بپردازد. فعالیتها، اقدامات و دستک‌دهیات مذکور در طول مقطع زمانی مورد بحث، به گونه‌ایست که می‌توان آن را دوره اوج فعالیت هیأت اتحاد اسلام در طول حیات خود قلمداد کرد. در این مقاله، تلاش شده است با استفاده از منابع گوناگون ابعاد مختلف فعالیت هیأت در مقطع فوق، مورد بررسی قرار گیرد.

تشکیل هیأت اتحاد اسلام را، به عنوان یک گروه سیاسی، می‌باید محصول تحولات سیاسی دانست که در سال ۱۳۳۳ ق. (۱۲۹۴ ش.) و به دنبال گسرتن داشته‌های جنگ جهانی اول به ایران، در این کشور به وجود آمد. انحلال دوره سوم مجلس شورای ملی و مهاجرت عده زیادی از رجال ملی و مذهبی، به توحی عربی کشور و تشکیل دولت مهاجر ایران در کرمانشاه، نماندی از مبارزات و فعالیت‌های ایرانیان، بر ضد دولتهای روسیه و انگلستان، در آن زمان بود. علاوه بر آن و به همان انگیزه، جنبش‌های محلی دیگری نیز، در گوشه و کنار کشور به وجود آمد که از جمله آنها می‌توان به قیام تنگستانها در جنوب اشاره کرد. در همین راستا، در گیلان نیز، عده‌ای از آزادی خواهان و مجاهدان صدر مشروطه گرد هم آمده، بتدریج سنگ بنای گروهی سیاسی را تحت عنوان «هیأت اتحاد اسلام» را گذاشتند. مبنای فعالیت این گروه، اندیشه سیاسی ای بود که در دهه‌های قبل از آن، در کشورهای مسلمان (از هندوستان تا مصر) مطرح شده و مورد بحث و بررسی گسترده قرار گرفته بود. اتحاد اسلام، اندیشه‌ای بود که مرعین و مسلمانان را، از هر فرقه و مذهب، بیگانگی و وحدت در مقابل آن چه که سبب تهاجم غرب به ممالک اسلامی خوانده می‌شد، دعوت می‌کرد. از اواخر قرن سیزدهم هجری (نیمه دوم قرن نوزدهم، اندیشمندانی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی و تامل کمال، نمادی این اندیشه بوده و پس از آن نیز، شخصیت‌های زیادی در بیروی از آنها، به بسین اندیشه اتحاد اسلام، پرداختند. بر این مبنای گروه‌هایی نیز، با عنوان اتحاد اسلام، تشکیل شد.

در سالهای ۱۳۳۳ ق. - ۱۲۹۲ ش.، در مقابله با اقدامات روسها و انگلیسها در ایران، اتحاد اسلام، اندیشه سیاسی رایج در ایران بود. در این زمینه رسالات متعددی در معرفی آن، به مردم و مبارزان سیاسی انتشار یافته و مبنای تشکیل جند گروه سیاسی شد. به همین ترتیب، اندیشه مذکور، دستمایه تشکیل گروهی در گیلان شد که بعدها، در فاصله سالهای ۱۳۳۶ ق. - ۱۲۹۷ ش.، تنها تیور عینی شعارها و اصول این اندیشه را در ایران، نوشتند به معرض نمایش بگذازد. این گروه، هیأت اتحاد اسلام بود که در طول مدت فعالیت خود و خصوصاً در سالهای فوق، توانست بازیگر مهمی در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منطقه شمال و شمال غرب ایران باشد.

در خصوص نحوه سازماندهی و تشکیلات هیأت اتحاد اسلام، اطلاعات باقصی وجود دارد و اطلاعات مزبور، نمی‌تواند تصویر کاملی از سازماندهی گروهی ارائه کند که توانست ملی، چندین سال، در بحرانی ترین شرایط بحرانی به حیات خود ادامه دهد. اطلاعات مورد بحث نیز، عمدتاً در خلال خاطرات به جا مانده از اعضا یا نزدیکان تشکیلات مزبور، نقل می‌شود. در همین مورد، چه داده‌ها مرام‌نامه‌ای اشاره شود که به هیأت مزبور، منسوب است، (۱) با توجه به وجود بندهایی همچون: «شعاری زن و مرد، در حقوق مدنی و اجتماعی» و «النفکاک و وحایت»، از امور سیاسی و معاشی، در مرام‌نامه مذکور، شکی باقی نمی‌ماند که آن مرام‌نامه، نمی‌تواند به هیأت اتحاد اسلام، مرتبط باشد. احتمالاً، متن مذکور، متعلق به یکی از چندین گروه سوسیالیستی است که تحت عنوان «اجتماعین»، در فاصله سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۲۹۸ ش. در ایران فعالیت داشتند.

در این خصوص، در یکی از شماره‌های جریده جنگل، ارگان هیأت اتحاد اسلام، در پاسخ به نامه‌ای مرام هیأت اتحاد اسلام، چنین معرفی شده است: «مرام هیأت اتحاد اسلام، حفظ استقلال اسلام و ایران و استقرار مشروطیت و تشکیل

مجلس شورای ملی و پاك كردن مسنكت، از لوث و جود خائنين است. ابتدا منسوب به هيچ حزب و فرقه محصومي نخواهد بود. افراد صانع ايراني را، از هر حزبي باشد، مقدس دانسته، او را با آغوش باز پذيرفته، به اتفاق او، مسئول كار مي شود. بدكار را، از هر فرقه باشد، بد دانسته و رد مي نمايد. (۲)

در حصومي نحوه ساز مائدهي و تشكيلات هيات اتحاد اسلام، و نظامنامه و آئين نامه داخلي، وجود دارد. (سند شماره ۱ و ۲) با توجه به محتوي آنها، احتساباً، نخستين آن دو را متني است كه با عنوان نظامنامه داخلي هيات اتحاد اسلام، ناميده شده است.

اين نظامنامه، از يك مقدمه، شش بخش و سي ماده، تشكيل شده است. بر اساس ماده هاي اول و دوم، در هر هفته، يك مدير، به اكثريت آراء، از بين اعضاي هيات ... منتخب مي شود. بخش اول نظامنامه، به تعيين تكاليف مدير، بخش دوم، به تعيين موقليات متشي، بخش سوم، به تكاليف اعضاي هيات، بخش چهارم، در باب اجنابت و مجازات اعضاي هيات، بخش پنجم، در ترتيب مذكره مطالب، و بالاخره، بخش ششم، در خصوص تعيين شعبه تحقيقي عرايص است. در قياس با تشكيلات احزاب و گروههاي سياسي موجود در ايران در فاصله سالهاي ۱۳۲۴، ۱۳۳۴ ق.، نظامنامه داخلي مورد بحث، به مراتب در سطح پايين تر و به شكل ساده و بسيط تنظيم شده است. انتخاب مدير و متشي، به طور موقت و آن هم به صور هتكني، عدم توجه به تدوين يك سيستم، در خصوص روابط داخلي اعضا با يكديگر، ارزش نهادن به افراد، به جاي محور قرار دادن روابط بين افراد، حاكي از اين است كه متن مزبور، نظامنامه اي براي گروهی در حال شكل گيري بوده كه در آغاز كار، به سر مي برده اند. بدین جهت، مي توان نظامنامه مذکور را، به اوایل دوره شكل گيري هيات اتحاد اسلام، در سالهاي ۲۳ و ۱۳۳۴ ق. (۱۲۹۵، ۹۶ ش. منسب داشت.

آئين نامه داخلي ديگري كه درباره تشكيلات جنگل وجود دارد (سند شماره ۲) با عنوان «حوالمرئف بين القلوب» آغاز مي شود. در ابتدای اين آئين نامه، چنين مي خوانيم: «نظر به تهاجم امرو و پيشامدهاي مهم و رفع سوءفاهيم، لازم گرديد كه اسامي هيات اتحاد اسلام، تجديد نظري در عهد و موثيق سابقه خود نمي يند و به طوري كه در بدو تجمع و تشكيل هيات معاهداتي در بين خود نشان نموده بودند و شرايط و التزاماتي با هم متعهد شده بودند، به تاريخ ذيل، صميمانه و برادرانه، مجدداً حاضر شده اند كه بر طبق قرارداد قديم و معاهدات سابقه، با همديگر در امورات نوعي و مرام هياتي، بر سنابره اهدام نمايند و آنچه را جمع به صلاح نوعي و مقاصد كلي و مرام ملي باشد، به نحو نيادل افكار، در تحت مقرر و آراء آورده چه از رد و بحث و جرح و تعديل آن، به اتفاق آراء و يا به اكثريت رأي قطعي اتخاذ گردد.»

با توجه به مضمون فوق و نظر به اينكه در چند جاي ديگر متن مذکور، به «موثيق قديم» اشاره شده است، مي توان اين احتمال را مطرح كرد كه آئين نامه مورد بحث، متن تجديد نظر شده نظامنامه اوليه هيات اتحاد اسلام بوده است. متاسفانه، متن موجود آئين نامه تجديد نظر شده، ناقص مي باشد و تنها شامل سه فصل اول، در تشكيل هيات، بخش دوم، در تكاليف هيات اتحاد اسلام، و سوم، در خصوص مذاكراتي كه در هيات لازم است، مي باشد.

در خصوص تشكيلات هيات، بر اساس ماده اول، مقرر مي شود: «اعضاي هيات ... در ضمن حدود طاق (زياد از پنج) تشكيل خواهد يافت. تا كنيز بر عدد فردي همان طاق كه در ماده دوم هم، به آن تصريح شده، تسهيل در راي گيري و توجه گيري از مذاكرات هيات است. زيرا، در صورت زوج بودن عدد اعضا، ممكن است آرائي مخالف و موافق، مساوي بوده و بدین ترتيب، نتيجه مذاكرات و راي گيري، مشخص نشود.

بر اساس ماده دوم، «اعضاي هيات ... به حكم اتفاق آراء يا اكثريت، زياد يا كم خواهد شد. آيه تغيير ديگر اعضاي اسامي هيات، نفرايت داخلي خود را معين مي كند و سيستم خاصي، فارغ از نظرات اصلا براي ورود نفرايت اخلاقي، به هيات وجود ندارد. تكليف نفرايت جديد، بر اساس ماده پنجم در فصل سوم، مشخص مي شود.

فصل دوم آئين نامه جديد كه در مورد نحوه تكاليف اعضاي هيات مي باشد، در واقع، تكرار و خلاصه اي از نظامنامه داخلي هيات اتحاد اسلام است.

در فصل سوم، به موضوعاتي برخورد مي كيم كه ميان گسترش حيطه قدرت هيات اتحاد اسلام است. در اين فصل، از «تحصيل بودجه» (ماده ۲)، نحوه اعزام اردو دفاع از دشمن و يا تصرف محلي و يا اعزام نماينده (ماده سوم) و از همه مهمتر، نحوه اعزل و نصب كلي اجزاء صاحب منصبان و مامورين سخن گفته مي شود. تمامی موضوعات فوق، بيانگر وضعيت هيات اتحاد اسلام است. وضعيتي كه در آن، مباحثي همچون اعزام اردو، مبلغ و ... مطرح مي باشد. با توجه به روند حركت هيات اتحاد اسلام، احتمالاً تا گيتيهاي فوق، مربوط به وضعيت هيات، در سالهاي ۱۳۳۶، ۳۵ ق. يا ۹۶ و ۱۲۹۷ ش. است. دوره اي كه آن را، مي بايد اوج فعاليت سياسي، فرهنگي و نظامي هيات مذکور ناميد و بررسی آن، موضوع مقاله حاضر است.



به نظر می‌رسد، اطلاعات دیگر موجود، بتوانند ترسیمی هر چند ناقص، از تشکیلات هیأت اتحاد اسلام در دوره طلایی فعالیتش، ارائه کند. برای اساس، تشکیلات هیأت، علاوه بر اعضای امانا، از کمیته‌ها یا دوایری نیز، تشکیل می‌یافت که وظایف اجرایی را به عهده داشتند. کمیته‌ها و دوایر مزبور، عبارت بودند از: شورای کمسیون جنگ، امور مالی، امور داخلی، تشکیلات قضایی، صحیحہ (۳) و همچنین، امور معارفی و تشکیل مدارس (۴).

کمیته‌ها و دوایر مزبور، اجرای دستورات و خط مشی تعیین شده توسط هیأت امانا را به عهده داشت. (۵) علاوه بر آن، اعزام مبلغین و نمایندگان، به شهرهای اطراف (۶) و تأسیس شعبات، در شهرهای دیگر، از جمله فعالیتها در جهت بسط تشکیلات هیأت اتحاد اسلام، بود که در بخشهای بعدی مقاله، به آن پرداخته خواهد شد.

در مجموع، به نظر می‌رسد، در پایان دوره مورد بررسی این مقاله ۱۲۹۷.۹۶ ش.، تشکیلات جنگل و اتحاد اسلام، در سه رده، قابل شناسایی بوده‌اند. اول یا مرکزیت آن ره، اعضای امانا به عهده داشتند. این گروه اعضا، به مرور زمان، به دلیل شخصیت ویژه میرزا کوچک خان، بر تائید مدارای شخصیت وی گرایش یافتند و عملاً، رهبری میرزا کوچک خان، به نوعی در آن تجلی یافت. (۷)

رده دوم تشکیلات هیأت اتحاد اسلام، کمیته‌های اجرایی و شعبات آن، در دیگر شهرها بود که به مقتضای روند توسعه فعالیتها، به تعداد کمیته‌ها و شعبات مذکور، اضافه یا از تعداد آنها، کم می‌شد.

و بالاخره، رده بعدی فابن تشخیص، «اجرا و مساجد منصبان و مامورین» بودند که مانگیره‌های متفاوت، به تشکیلات جنگل می‌پیوستند. نکته مهم، نحوه ارتباط این افراد، با رده‌های دیگر است که متأسفانه، به دلیل فقدان منابع کافی، نمی‌توان این ارتباط را، به خوبی شناخت و مورد بررسی قرار داد. بر اساس گزارشهای موجود، تعداد آنها، حتی در مقطعی، بالغ بر چندین هزار نفر می‌شد. تازجایی که اطلاعات پاری می‌کنند، این افراد، نظیر افراد دیگر ده‌ها، در قبال انجام وظایف محوله، حقوق دریافت کرده و ملزم به رعایت مقررات جنگل بودند.

شکل‌گیری و فعالیت اصلی تشکیلات هیأت اتحاد اسلام را، می‌باید در سالهای ۱۲۹۷.۹۶ قلمداد کرد. آن‌ها، همان گونه که در صفحات بعدی اشاره خواهد شد، بخشی عمده‌ای از تشکیلات مزبور، که مرتبط با مردم بود. در اواخر سال ۱۲۹۶، منحل شده و تنها بخشهای داخلی تشکیلات هیأت، به فعالیت خود ادامه داد.

از اوایل سال ۱۲۹۶، به دلیل وقوع انقلاب در روسیه، وضعیت سیاسی حاکم بر مناطق تحت نفوذ روسیه در ایران، دچار بحران شده و گروههای محلی، خاتنها و عشایر شمال کشور، آزادی بیشتری به دست آورده و بتدریج، فعالیت خود را گسترش دادند. در آغاز ماه جوزا/خرداد سال ۱۲۹۶، که مقارن با روزهای پایانی کابینه اول و ثوق الدوله بود، گیلان در یک حالت بحرانی قرار داشت. در گزارش نسبتاً جامعی که مقارن با همان زمان، از وضعیت گیلان تهیه شده است (سند شماره ۳)، وضعیت ادارات دولتی و حکومتی گیلان و اوضاع عمومی آن خطه، مورد بررسی قرار گرفته است. گزارشگر بدون نام، شرح مفصّلی از «مضالم رئیس نظمیہ استولیرگ» بیان می‌کند. (۸) بر این اساس، در آن زمان، نه تنها مردم از روسها می‌ترسیدند، بلکه به مراتب از مامورین نظمیہ و حکومتی و خاصه از آنها می‌که خود را مفتش نامینات معرفی می‌نمودند، احتیاط می‌کردند. زیرا بسا بدبختانی از حیث جلب منافع شخصی و برای خوشایند وجه به حکم حاکم و چه از آدم‌نزاری بعضی مامورین مفسد نامینات نظمیہ، به عنوان جنگلی و مقصود پلیسکی گرفتار و حبس و زجر شده و روزها در حبس و ماهها در توقیف می‌گذریدند. اهالی یک، ولایت مطیع و بی‌صدا، سکنه یک شهر، آرام و دوشخواه، نزدیک بود از شدت فشار خودی و بیگانه، متواری شوند. (۹)

پس از وقوع انقلاب در روسیه، وضعیت تغییر کرد و متعاقب آن، استولیرگ از کار برکنار شده و عبدال... خان بهرامی به ریاست نظمیہ گیلان منصوب شد. (۹) (همان سند) دیگر ادارات حکومتی گیلان (مالیه و کارگزاری، انیزه، وضعیت سیاسی ندانسته و اوضاع نامیناتی که ره آورد عدم کفایت حکمران وقت گیلان، مفاخر الدوله بود) (۱۰)، بر «داره حکومتی» آن خطه، حکمفرما بود. (همان سند)

چند روز پس از ارسال گزارش فوق، در تهران، کابینه اول و ثوق الدوله سقوط کرده و علاءالسلطنه در ۸ جوزا/خرداد ۱۲۹۶/۲۷ شعبان ۱۳۳۵ ق.، کابینه خود را معرفی و شروع به کار کرد. برخلاف شخص علاءالسلطنه که گفته می‌شود فردی ضعیف و بیمار بود این کابینه، به دلیل حضور رجال نامدار و وطن پرستی همچون مشیرالدوله و موتمن الملک در آن، یکی از قوی‌ترین دولت‌های عصر مشروطه به شمار می‌رود. خصوصاً اینکه ضعف علاءالسلطنه، با حضور مشاوران چون مستوفی‌الملک، چندان به نظر نمی‌آمد. این کابینه، مواجه با یکی از مهم‌ترین مواقع بحرانی ایران در عصر مشروطه، بود. از سویی ندادن جنگ جهانی اول و سرایت آن به مناطق غربی ایران و از سویی دیگر، وقوع انقلاب در روسیه و بازگشت سیاهیان روسی مستقر در ایران به وطن خویش، هرج و مرج شدیدی را در کشور حاکم گردانیده بود. حضور

نیروهای نظامی و سیاسی انگلیسی، عثمانی و آلمانی را نیز، می‌باید به مجموع فوق، اضافه کرد. در کنار مسائل سیاسی، بحران عمیق اقتصادی نیز، موید پر عنت شدن، خزانه خالی دولت و بروز قحطی و خشکالی مهیب در ایران، توان هرگونه اقدام اقتصادی و از دولت گرفته و چشم‌انداز سیاسی را در آینه ایران، نمایان ساخته بود. دو چنین اوضاعی، وزیر کابینه علاء‌السلطنه، تلاش بسیاری برای بهبود وضعیت کشور، مبذول داشتند. علیرغم این تلاشها، براساس گزارش موجود (سند شماره ۴)، تغییر محسوسی در اوضاع گیلان به وجود نیامد.

در چنین وضعیتی، هیات اتحاد اسلام، بتدریج فعالیت خود را گسترش داد. پس از پیروزی در جنگ لسته (شماره ۱۱)، در اواخر شعبان (خرداد و پیروزی) بر امیدمقنن و متحدان شاهسون او، و متعاقباً عقد اتحاد بین غالبین و مغلوبین، (۱۲) هیات، به عنوان قدرت مهمی در عرصه گیلان مطرح شدند. بر کناری مفاخرالدوله و عدم انصباب حکمران جدید برای گیلان از سوی دولت، ره‌آوردی جز و خامت اوضاع در گیلان نداشت. چنین وضعیتی، هیات اتحاد اسلام را، وادار به ارسال لشکری به دولت کرد. (سند شماره ۵) در این تنگ‌راه، هیات، پس از اظهار اطاعت به اوامر دولت، و تکید بر عدم دخالت و تصرف در اموری که خارج از وظیفه یک ملت مطیع است، درخواست «اعزام یک نفر حاکم صحیح‌العمل خورش سابقه طرف اعتماد ملت و توجه دولت در اکردنا، زاید از این، امر حکومت گیلان و طوائش، مترنون و اهالی بلا تکلیف نمایند».

به نظر می‌رسد، و سخنان اوضاع در گیلان، به حدی بود که علیرغم مفاد تلگراف فوق، هیات اتحاد اسلام، ناچار به مداخله در باره‌ای از امور حکومتی شد. در ۱۷ اسد / مرداد ۱۲۹۶، شیخ علی نقی، رئیس عدلیه گیلان، به دستور هیات، به حرم رشوه‌خواری دستگیر و به کسنا منتقل شد. (سند شماره ۶)

بدین ترتیب، تلاش هیات اتحاد اسلام، برای انتظام امور گیلان در مناطق اطراف آن، آغاز شد. براساس گزارشی در اوایل سنه ۱۲۹۶، آقا میرزا کوچک خان، بعد از معاهده رشیدالممالک سالار خاقان به مالش دو لآب آمده، اهالی از ورود ایشان اظهار خوشوقتی نمودند. صلح‌جیه بر تقاضای اهالی، در طائش دو لآب معین کردند (که بر حسب قانون جاریه مملکتی، به عرض رسیدگی نمایند). پس از سه شب توقف در خانه امیر مقدر، به اسالم آمده، اداره صلح‌جیه هم، در اسالم معین نمودند. اهالی حلخخال هم، دعوت به حلخخال نموده‌اند. میرزا کوچک خان، مخالفت با دولت و قانون جاریه مملکتی ندارد و بلکه متعهدش به جریان قانون و پیشرفت اوامر دولت متوجه می‌باشند. (سند شماره ۷)

تداوم اقدامات مزبور از سوی هیات اتحاد اسلام، انعکاس نامطلوبی در تهران داشت. «به ماخبر می‌دهند که بعضی اشخاص مجهول‌القبوله، جنگلیها را متهم در خوانند، عدم اطاعت هیات اتحاد اسلام را به شاهنشاه حریت پرور تاجدار و دولت ایران، به مردم القاء می‌کنند. بلکه دامنه این نهمت را وسعت داده و می‌گویند که قاندين این جمعیت فداکار حافظ وطن، در خیال استقلالند.» (۱۳)

در پاسخ، هیات اتحاد اسلام، در مقاله مفصلی، تحت عنوان «شمار حیرت‌انگیزه که در حریده جنگل چاپ شد» (۱۵)، شایعات مذکور را، به شدت تکذیب کرد. ولی چند روز پس از چاپ و انتشار مقاله فوق، حادثه اختلاف بین هیات و معاون حکومت گیلان (مخاطب السلطان) پیش آمد. مخاطب السلطان، برادرزاده مفاخرالدوله بود و نظرات و اقداماتی برخلاف جنگلیها داشت. در اواسط میزان (مهر ۱۲۹۶)، اختلافات، اوج گرفت. به نحوی که در تهران، خبر استخراج مخاطب السلطان، از رشت شایعه شد. ولی بلافاصله، او، همراه با چند تن دیگر از مقامات محلی، با ارسال تلگرافی به تهران، ضمن تکذیب خروج از رشت، موفقیت خود را در «استقرار انتظام اعلام کرد» (سند شماره ۹) علیرغم مفاد تلگراف مذکور، طی هفته‌های بعد، دامنه اختلاف بین دو طرف شدت بیشتری یافت. تا اینکه بالاخره در ۲۴ عقرب / آبان ۱۲۹۶، صلح محرم ۱۳۳۶، سبب بروز بحران شدیدی در رشت شد. روایت هیات اتحاد اسلام از این واقعه، چنین است: «مخاطب السلطان، برادرزاده مفاخرالدوله که درس و وطنخواهی و ناموس اخلاقی را، از عم بزرگوار خود تحصیل کرده، بعلاوه، وفائت‌هایی که در حکومت عم و معاونت خود نموده و مدتی هم پس از عزل، با پررویی و سماجتی که مخصوص فامیل محترم ایشان است، دارالحکومه رشت را به لووت و وجودش، ملوث می‌دانست. این اوقات، خواست خیابانهای بی سابقه خود را تکمیل و به متابعت عم گرامی خود... روز جمعه صلح محرم، بی آن که از هیچ سستی نمرفی یا تهدیدی مشاهده نماید، دو نفر صاحب منصب و بیست و پنج نفر سالدات روس را به اسم محافظت خود، به عمارت حکومتی آورد و منزل داد... به فوریت... باغونسلگری و ریاست قشون دولت دموکراسی روسیه، داخل مذاکره گردیده و... بلافاصله صاحب منصب و سالداتهارا، از عمارت حکومتی، امر به اخراج نمودند... مخاطب السلطان بی وجدان، که موفق به این نیت خائنانه خود نشد، ناچار، حرکت را به توقف ترجیح داده و اعزام تهران گردید.» (۱۶)

بر اساس روایت دیگری از این واقعه (سند شماره ۱۰) «امور رشت، در تحت نظر مخاطب السلطان و کار گزار و ریشکار مانده و چند نفر از حزب دموکرات، اداره می‌شده، در بعضی از مسائل فیما بین، اختلاف حاصل شده و دو دستگی می‌شود.



مخاض السلطان و چند نفر دیگر، مخالف و بقیه طرفدار جنگیها می‌شوند. دسته دوم، به جنگل مراجعه و شکایت می‌کنند. از جنگل، اختصار به به مخاطب السلطان می‌رسد که در ظرف بیست و چهار ساعت، از رشت خارج شود.^{۲۵}

همان‌جا بحران فوق، در تهران کابینه علاء‌السلطنه، سقوط کرده و در ۲۸ عقرب ۱۳۰۴ صفر، کابینه عین‌الدوله، بر روی کار آمد. از دیدگاه هیات اتحاد اسلام، کابینه علاء‌السلطنه، کابینه ناقصی محسوب می‌شد که موجودش به از عدم صرف است. (۱۷) ولی روی کار آمدن کابینه عین‌الدوله، با عکس العمل تند و متفی هیات اتحاد اسلام مواجه شد. (۱۸)

کابینه عین‌الدوله، زمانی روی کار آمد که کشور، در اوج بحران سیاسی و اجتماعی خود به سر می‌برد. فلذا بیان شد که به دنبال وقوع انقلاب در روسیه، هرج و مرج شدیدی در آن کشور به وجود آمده و به مرور زمان، این هرج و مرج، به ایران سرایت کرد. نیروهای روسی مستقر در ایران، که در حال جنگ با عثمانیها، در مناطق غربی و مرکزی ایران، متمرکز شده بودند. جنگ را رها کرده و گروه گروه، به سمت روسیه باز می‌گشتند. (۱۹) آنها، به قصد انزلی، به طرف گیلان به راه افتاده و پس از عبور از رشت، ماگتشی به روسیه می‌رفتند. این عده از نظامیان روسی، تابع هیچ مقرراتی نبوده و با از بین رفتن دستبند نظامی، تبدیل به گروههای مسلح خضر تاکی شده بودند که در اغلب مواقع، در شهرها و مناطق مسر عبور، مرتکب جنایات و دزدیهای متعددی شدند. سرتاسر سانهای ۹۶، ۱۲۹۸، آکنده از گزارشهای موجود از تعدیات گسترده سباهیان روس، در مناطق مرکزی، غربی و شمالی ایران است. حضور آنها در گیلان، تأثیر زیادی بر اوضاع داشته و سبب ناامنی شدیدی در آن خطه شد. در چنین اوضاع و احوالی، پس از اخراج مخاطبان سلطان از گیلان، دولت، جانسپینی برای او و حکمرانی برای گیلان، تعیین نکرد و به همین دلیل، اداره حکومتی گیلان، به عهده معتمد السلطنه کارگزار، واگذار شد. (سند شماره ۱۱) ولی او، فاقد ابزار لازم برای انتظام و امنیت منطقه و شهر رشت بود. در چنین اوضاعی، عدم پرداخت حقوق اعضای نظمی، عروج آنها را از خدمت، در پی داشت (سند شماره ۱۸) و این، به معنای اختلاف کامل نظم و امنیت شهر، تلقی می‌شد.

در چنین اوضاعی بود که هیات اتحاد اسلام، برای اعاده امنیت و نظم در رشت، امیر عشایر خلخال را، با تعدادی از سواره‌های شاهسون او، به رشت فرستاد. از اواخر قوس (۱۲۹۶ شیعیه ورود امیر هشار به رشت، قوت گرفت. (سند شماره ۱۱) در روزهای پایانی قوس، امیر عشایر و سایر خواتین شاهسون، وارد کما شده (۲۰) و بالاخره با شروع جدی ۱۵۱ ماه، امیر عشایر، وارد رشت شد. (سند شماره ۱۲) بر اساس گزارشی در این خصوص، «امیر عشایر، که با طائیفهای مسلح در معیت خود، به رشت می‌آمد، میرزا کوچک خان، تا نصف طریق، او را امتیاض نمود. اهالی رشت هم، پیاده و سواره و با موتوریک و از دستام غربی، به استقبال حاضر شدند. میرزا کوچک خان، تعلقی خطاب به اهالی نمود و اظهار امیدواری کرد که در هر موقع اهالی امور رشت را جمع به سعادت و رفاهت ملت با حکومت همراهی خواهند نمود. (سند شماره ۱۴) گزارشهایی از عملکرد میرزا عشایر در گیلان، وجود دارد که در بخش ضمیمه (سند شماره ۱۵ تا ۲۴)، ارائه شده است. همان گونه که انتظار می‌رفت، جهت اصلی فعالیت هیات اتحاد اسلام و نماینده آن، سردار عشایر، برقراری نظم و امنیت در آن خطه بود. بدین لحاظ، رسیدگی به وضعیت نظمی و سامان دادن فعالیتهای آن، مورد توجه قرار گرفت. استعماری شولبرگ، رئیس نظمی رشت، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق از سوی دولت (سند شماره ۲۲) اوضاع را تا اندازه زیادی تری دشوار کرد. متعاقباً، اجرائی نظمی رشت، تصمیم گرفته که تابع اوامر فرمانداران فعلی بوده و از طرف امیر عشایر و هیات، حقوق خفت افتاده آنها، حواله شده و فرار داده‌اند. بعد هم، مرتباً بودجه نظمی آنها را برسانند و یکسند نفر سواره هم، برای نظمی، از طرف امیر عشایر، تعیین شده است. (سند شماره ۲۰)

اقداماتی که توسط نظمی و سواره‌های شاهسون امیر عشایر، انجام شد، برقراری امنیت را به دنبال داشت. امینی که در مقایسه با وضعیت دیگر سبزه‌های مناطق ایران (خصوصاً مناطق شمال غرب و غرب)، بی‌نظیر بوده و موفقیت بزرگی برای اتحاد اسلام به شمار می‌رفت و علاوه بر نظمی، دارت، دیگر حکومتی نیز، در کنترل هیات مزبور قرار گرفت. از جمله این ادارات بخش قضایی و عدلیه بود. فلذا، از دستگیری رئیس عدلیه گیلان توسط هیات اتحاد اسلام و نیز، ایجاد صلحیه توسط آنان در نقاطی از گیلان، سخن گفته شد. اقدام اصلی هیات اتحاد اسلام، «ایجاد محاکم تحقیقاتی در تمام قطعات گیلان و تنکابن و استار او خلخال و طرمان» بود. (سند شماره ۲۵) دوایر مذکور، به رفع و رجوع دعوی قضایی مردم، بیکدیگر می‌پرداختند. (۲۱) همچنین، روسای عدلیه نیز، در ارتباط تنگ‌ناک با هیات اتحاد اسلام بودند. (۲۲) (سند شماره ۲۵) دوایر دیگر دولتی نیز، تحت نظر نمایندگان هیات اتحاد اسلام، به کار خود ادامه می‌داد. (سند شماره ۱۷ و ۲۳ و ۲۴) در خصوص مشی اقتصادی هیات اتحاد اسلام در فاصله زمانی مورد بحث این مقاله، مناسب است جهت درک هر چه بهتر اقدامات مزبور، بررسی مختصری در مورد وضعیت اقتصادی کشور در سال ۱۲۹۶، داشته باشیم.

در سال ۱۲۹۶، ایران، در عمیق‌ترین بحران اقتصادی خود، در طول تاریخ معاصر به سر می‌برد. در آن سال، به دلیل وقوع

جنگ جهانی اول و درگیری تمام عیار دولتهای انگلیس و روس در آذ جنگ، از سوی، دادن قرضه و اعتبار مالی به ایران از طرف دولتهای مذکور، دچار فقه شده و از سوی دیگر، به دلیل کشیده شدن دهنه جنگ به ایران، صادرات اقتصادی شدیدی به ساق در آمد داخلی دولت ایران وارد آمد. این عوامل و عوامل دیگری همچون عدم وصول مالیاتها، عدم وحدت رویه اقتصادی دولت و تغییر بی درمی هبات و وزراء دست به دست هم داده، ایران را در آستانه ورشکستگی کاس مالی قرار داده بودند، آنچه باعث عمیق تر شدن بحران می شد، فحطی و خشکسالی عظمی بود که از سال ۱۲۹۵، در کشور پیش آمد و آثار آن، در سال بعد نمودار گشت. پروت فحطی در نقاط مختلف کشور و خصوصاً در نیمی دوم سال ۱۲۹۶، باز گرانی از مشکلات، بر دوش دولت نهاد. یکی از عوامل فحطی مذکور خشکسالی بود. ولی عامل دیگر آن، در توزیع نامناسب غله، فعالیت محتکرین و بیزه حضور نیروهای خارجی در کشور بود که مجموعه، عوارض و حسی به دنبال داشت. غله زیادی از مردم، بر اثر فحطی، جان خود را از دست دادند. شورشهای مجذوبی، در گوشه و کنار کشور روی داد. این شورشهای کور، بیامدی جز شد بدتر شدن بحران اقتصادی، سیاسی ایران را به همراه نداشت. دولتهای ایران نیز، غیرم تلاش خود، به دلیل فقدان کارایی لازم، نتوانستند از بیس بحران برآیند و تنها روز زمان رسیدن بهیر و تبستان سال ۱۲۹۷ و برداشت محصول غله جدید بود که افزایش جان باخنگان فحطی را مهار کرد.

بازگردیم به موضوع بحث و اقدامات هیات اتحاد اسلام، در مورد مسائل اقتصادی، در فاصله زمانی جوزا / خرداد ۱۲۹۶ تا اسفند / مرداد ۱۲۹۷.

در آغاز این دوره، یعنی عمدتاً در زمان دولت علاءالسلطنه (خرداد تا، پان ۱۲۹۶)، موضوع اصلی در مرتبط با هیات اتحاد اسلام، موضوع اصلی نحوه گردآوری مالیات از منطلق تحت نفوذ هیات بود. این عمل، جز با هماهنگی و اجازه هیات امکان پذیر نبود. بدین لحاظ، مامورین اداره مالیات گیلان، برای عمل ممیزی خود، مکانهایی با هیات و شخص غیر از کوچک خان انجام دادند. در دهم جوزا / خرداد ۱۲۹۶ / ۱۰ شعبان ۱۳۳۵ ق.، مفتش مالیه گیلان، طی نامه ای به عنوان میرزا کجک خان، ضمن معرفی خود، برای تودبول یک، قسمت از مالیات باره ای بلوگت، از قبیل فومن و گنگر و ماسوله و شفت، خواهان مساعدت مجاهدین میسین جنگل شد. (سند شماره ۲۶) در پاسخ هیات اتحاد اسلام، ضمن تاکید بر مقدس شمردن منام اعلای ملوکلنه و امتثال اوامر شاهانه، موافقت خود را با اقدام هیات مالیه اعلام کرد. (سند شماره ۲۷)

به نظر می رسد، پاسخ مذکور، نتیجه ای به همراه نداشت. علل و عوامل عدم نتیجه گیری مناسب از این اقدامات، در مکالمه حضوری تلگرافی رئیس مالیه گیلان، با دکتر مصدق، معاون وقت وزیر مالیه، بیان شده است. (سند شماره ۲۸) در تلگراف مفصلی که متعاقباً از سوی رئیس مالیه گیلان، به عنوان دکتر مصدق به تهران ارسال شد، مفتش مذکور، پس از اشاره به لزوم اعزام حکمران به گیلان، علل مختلفی، در مورد عدم نتیجه گیری از اقدامات خود بیان داشت. کارسکی مفتش مالیه فیلی (یعنی همایون) و اقوام و بستگان او، عدم پرداخت مالیات از سوی برخی مودیان، به بهانه اینکه مالک آنان در کسما واقع و عایدات املاک، به آنها نمی رسد؛ و نیز آشوبهای سیاسی، از جمله عطل بانک ملی او در اقداماتش، بیان شده است. مفتش مالیه گیلان، در بخشی از گزارش تلگرافی خود، می گوید: «... آشوب طبایر - که بزرگ آسخته می خواهند - به نام احزاب با کسبه های غیابی و یا به نام مجاهدین جنگی، مردم را به وسیله مکانیب پست شهری و یا مدتیجا به وسیله بیغامات، تهدید کرده و تقاضای پول، به عنوان اعانه و غیرها می نمایند. در صورتی که احزاب واقعی و مجاهدین جنگل، از سن حرکات برپا بوده و همه روز، تقاضای جبرگیری دارند و چون ادارات دولتی، گمراهی و منکده اصلاً به وظایف خود بروز نکرده و از مقصود بی تقصیر، عموماً تهدید می شوند، قدرتی در آنان باقی نمانده و غالباً از خوف، از خانه بیرون نمی آیند و از طرف اولیای دولتی هم، در انجام مستلحیات آنها، مساعدت قوری نمی شود.» (۳۳)

مکالمه تلگرافی - حضوری فوقی، پیامدی جز پیگیری موضوع حل مشکل از طریق هیات اتحاد اسلام نداشت. سه روز بعد از مکالمه فوقی، بار دیگر، مفتش مالیه، طی مراسله ای با عنوان «هیات محترم اتحاد اسلام»، خواهان ملاقات با هیات جهت وصول و ایصال مالیات شد. (سند شماره ۲۹) جواب مثبت هیات، به فاصله دو روز بعد از آن ابلاغ شد. (سند شماره ۳۰) اعلام سریع موافقت هیات اتحاد اسلام، اداره مالیه گیلان را به فعالیت جهت وصول مالیات انداخت. یک هفته پس از دریافت پاسخ فوقی، اداره مذکور، اعلانی برای استخدام نیرو، جهت انجام ممیزی مالیاتی منتشر ساخت. (سند شماره ۳۱) ولی باز هم، نتیجه ای از این اقدام، گرفته نشد و مشکل، کماکان، به قوت خود باقی ماند. علت اصلی تعویق اخذ مالیات از مناطق تحت نفوذ هیات اتحاد اسلام را، می توان در گزارش روزشمندی که از سوی مدیر مالیه ضولش تهیه شده، جستجو کرد. در این گزارش، که توسط «میرزا علی اصغر خان، مدیر مالیه ضولش»، در دهم منبله / شهریور ۱۲۹۶، خطاب به اداره مالیه گیلان نوشته شد، آمده است: «در آن ایام، خبر ورود آفامیرزا کوچک خان، سردار ملی، به گرگان و منتشر شد.



این بنده، به ملاقاقتان متصرف شدم. در موضوع مالیات، مذاکرات بسیار شد. حضوراً اظهار داشتند: نازمانی که اولیای محترم امور، یا مرام هیأت اتحاد اسلامی، موافقت فرمایند و جواب عریض و تنگنات عذیده‌ای که از طرف هیأت، به تهران مختاره شده، رسید، عمل مالیات صفحه طوالتش، فلج و به حالت معلقه باقی خواهد ماند و هیأت هم، در عمل مالیات، به هیچ وجه مذاخنه نموده و دیناری در هیچ موقع، مانع نخواهند داشت و صریحاً فرمودند که پس از وصول جواب تلگرافات، همه قسم از طرف هیأت، در وصول مالیات مساعدت شده و بدون صرف قوه و مخارج فوق العاده، تمام مالیات خمس طوالتش، وصول و به خزانه دولت عنید خواهد شد. در خاتمه مذاکرات، اظهار داشتند که مأمورین مابنه راه، به رشت مراجعت بدهم و وعده کردند که رتس تحفیفات گرانورده، قرار پرداخت حقوق گذشته و مخارج اداری را داده و تکلیف چنانکه را معوم خواهند نمود. (سند شماره ۳۲)

بدین ترتیب، حل این مشکل اقتصادی، به دست سیاست و سیاستمداران افتاد؛ تا اینکه بالاخره پس از استقرار کابینه مستوفی‌الممالک در ۷ جدی همان سال، مذاکرات به شکل جدی‌تری ادامه یافته و منجر به استقرار شعبه مابنه در صومعه‌سرا و شروع به اخذ مالیات از مناطقی تحت نفوذ هیأت اتحاد اسلام، توسط شعبه مزبور شد. (سند شماره ۳۳) گزارش نسبتاً کاملی از جنگونگی اخذ مالیات، طی ماههای بعد، در ذیل سند شماره ۳۳ وجود دارد.

با شروع پانزدهم سال ۱۲۹۶، اقدامات هیأت اتحاد اسلام، در مورد مسائل اقتصادی، وارد مرحله جدی‌تری شد. (۳۴) در آن زمان، کمبود ارزاق عمومی، شدیداً مردم را تحت فشار قرار داده بود. اقدامات حکام شهرهای مختلف، برای مقابله با عوارض قحطی، تماماً با شکست مواجه شده و همه روزه، گراشهایی از مرگ و میر مردم، در جراید چاپ می شد. ولی در گیلان، اوضاع به گونه‌ای دیگر بود. زیرا، حاصلخیزی زمین و محصول برنج (با کمی نقصان)، کفاف نیاز مردم را می داد. ولی چند عامل، سبب بروز مشکلاتی در این زمینه شد. علت اول، فعالیت مختصران بود که نظر دیگر نقاط کنو، در گیلان هم، به محض مشاهده کمبود و تحطی در دیگر نقاط کشور، اقدام به انبار محصول غله و خصوصاً برنج کردند. پیامد این اقدام، ایجاد محطی مصنوعی و مآلاً، افزایش شدید قیمت غله و برنج، در گیلان بود.

علت دیگر صدور برنج گیلان، به روسیه بود. از قدیم الایام، برنج یکی از اقلام صادراتی گیلان به روسیه، به شمار می آمد. در سال ۱۲۹۶، به دنبال بروز جنگهای داخلی در روسیه، تقاضای برنج گیلان در آن کشور، شدید شد. در همین راستا، صدور برنج به روسیه، افزایش یافت و متقابلاً، برنج کمتری در بازار داخلی عرضه شد.

عین دیگر می مدخل در این امر را، باید قامت افواج روسی، در گیلان دانست. آنها، در مسیر بازگشت به روسیه، مدتی در آن خطه اقامت کرده و مآلاً، از محل ارزاق موجود در گیلان، از تراق می کردند. عامل بسیار مهم دیگر، مهاجرت فقرا و گرسنگان، از نواحی اطراف (نجان، قرین، کردستان و حتی آذربایجان)، به گیلان برای یافتن نسبه نانی، جهت مدح بود. این سبیل گرسنگان، گیلان را محل ابله‌آئی برای فرار از مرگ، تلقی می کردند. (سند شماره ۳۵)

عوامل فوق، دست به دست هم داده و با شروع پانزدهم سال ۱۲۹۶، اوضاع بحرانی و وخیمی در گیلان به وجود آورد. بندر برنج، بر ابعاد بحران اقتصادی و معیشتی، افزوده شد. بنابه گزارش، «اوضاع رشت، به واسطه نبودن حکومت، رضایت بخش نیست. ارزاق، فرو العاده گران‌ان، یک من شاه، یک تومان، برنج صدق، که هر بار، عبارت از بیست من شاه می باشد. بیست و ده تومان و چنان برنج خوراکی، سیزده الی چهارده تومان، فقرای زیادی، از اطراف خمسه و خلخال، به رشت آمده و با یک حالت فلاکی، در گوشه تنگه‌ها بیست می نمایند.» (سند شماره ۳۶) آنکه، تقریباً هر زمان با روی کار آمدن کابینه عین‌الدوله در تهران، اقدامات هیأت اتحاد اسلام، درباره حل بحران ارزاق در گیلان، آغاز شد. بنابه گزارشی در اوایل صفر (آغاز قوس) ۱۲۹۶، به حکم اتحاد اسلام، «کلیه املاک، متعلق به هر کسی بوده باشد، توقف و محصول آن راه ضبط نمودند.» (سند شماره ۳۷) علاوه بر آن، بر حسب تقویب و تصمیم هیأت مقدس اتحاد اسلام، قرار داد در میان اعیان ضمیمه نموده شد که در مدت پنج ماه، متکلف مخارج آنها، از شام و نهار و لباس و غیره باشند. آنها هم، هر یک به میل خودشان، عذای راقبول و به دهانهائی خودشان روانه نموده‌اند. (سند شماره ۳۸)

ضبط محصول برنج املاک و قصبات و قرار (سند شماره ۴۰) در دریافت مالیات از محصول برنج (سند شماره ۴۱) از اقدامات اساسی هیأت اتحاد اسلام بود. علاوه بر آن، سازماندهی کمکرسانی به فقرا و گرسنگان نیز، تا کمال جدیت دنبال می شد. (۳۵) علاوه بر گیلان، در واسط حوت (سند شماره ۱۲۹۶)، هیأت اتحاد اسلام، اقدام به ارسال دو بیست حوز برنج به منور مجلی، برای مصرف اهالی تهران کرد. (سند شماره ۳۲ و ۳۳)

این اقدامات، نتیجه بخش بوده و در شرایطی که در تمامی نقاط کشور، روزانه تعداد زیادی، از گرسنگی می مردند، در رشت، «از توجه عده‌ای غیر خواهان و نوح پرسیان و کمک و مساعدت اهالی و کسبه و هیأت اتحاد اسلام، فقرای مهاجر کردستان، گروس، خمسه و سایر نقاطی که به شهر وارد می شوند، وسایل آسایش و رفاهیت آنها، از هر جنبه فراهم و

بخوبی زندگی و معیشتشان فرهم شده است. الحق، این عمده خدمت بزرگی به عالم انسانیت نموده و جان یک مشت بدبخت گرمسره و غارت شده را که زن و مرد و بچه، قریب به هفت هزار نفر می‌شوند - خریدند، از سرما و گرسنگی، محفوظ دانسته اند. (سند شماره ۱۳) و مدتی بعد، بنا به گزارشی در اواخر نور ۱۲۹۷، دو پن عراق در رشت، قریب به دو هزار و پانصد نفر از فقر راه نگهداری کرده و همه روز، نقری، یک چارک برنج، از طرف هیات اتحاد اسلام داده می‌شود و نهایت توجه را می‌نمایند. (سند شماره ۴۵)

به هر روی، تلاش موفقیت آمیز هیات اتحاد اسلام، در مقابله با بحران معیشتی و قحطی سال ۱۲۹۶ در گیلان، از جمله نقاط مثبت فعالیت این گروه، در دوره مورد بحث مقاله حاضر است.

یکی دیگر از اقدامات هیات اسلام، در طی دوره زمانی مورد نظر، گسترش حیطه نفوذ هیات به نهرهای ماطق طرف بود. در یک حالت کلی، در اوج فعالیت هیات اتحاد اسلام (پاییز و زمستان سال ۱۲۹۶)، شعاع فعالیت آن، در شرق تا سراسر آباد، در غرب تا زنجان، در شمال تا آستارا و اردبیل، در جنوب تا فلارم سفلی گسترش یافته بود. گزارشهای متعددی، از اقدامات هیات اتحاد اسلام، در این زمینه وجود دارد که به عنوان نمونه، برخی از آنان در مجموعه حاضر ارائه شده است. در گزارشی از لشکر و در اواخر قوس ۱۲۹۶، آمده است: «تجیع الدوله - که از طرف جنگل، مأمور حکومت لشکر و است - مشغول رقی و تنق امور، و بر حسب اشاره جنگلها، در روز است که مجلس حصصانی، به عضویت در غراز مأمورین جنگل و یک نفر از علیا لشکر و در اداره حکومتی تشکیل و به امور عازقین رسیدگی می‌نمایند.» (سند شماره ۱۲۶)

پس از شکست امیر بقدر و منحدان شاهسون از جنگلها، و متعاقباً عهد اتحاد بین خوانین شاهسون خلیجانی با هیات اتحاد اسلام، زمینه برای فعالیت هیات، در خلخال فراهم شده و مدت کوتاهی بعد، این ناحیه، به یکی از کانونهای فعال هیات مذکور، تبدیل شد. طبق روای معمول، ایجاد هیات خلیجیه، یکی از اولین اقدامات هیات در خلخال بود. میرزا کوچک خان، طی سخنرانی، که در آن متعلقه (احتمالاً در اواخر ذی قعدة ۱۳۲۵ ق.، او شتر اسد بر داد ۱۲۹۶) کرد - به این موضوع اشاره کرد و شرح مبسوطی در مورد آن، داد. (سند شماره ۳۷) او در سخنرانی دیگری - که در ۱۵ ذی حجه همان سال (۱۰ میزان ۱۳۰۰) در خلخال کرد - اهالی را، نسبت به پرداخت اعانه، برای افتتاح مدرسه تشویق نمود. (سند شماره ۵۰) در تکاب، اقدامات محلی، به عهده محمد نبی خان است. که با یک عمده دو بست و پنجاه نفری، متوقف است. عدلیه موقتی، تشکیل و فعلاً آقا شیخ یحیی، فاضل عدلیه است تا از طرف اتحاد اسلام، فاضل معین شود. (سند شماره ۵۱)

در آستارا، قدمتی همچون انتصاب هزیر السلطان، به نظارت دایره و تصفیه کلبه ادارت، از سوی آقا میرزا کوچک خان، (سند شماره ۵۲) نظارت بر امور مالی (سند شماره ۵۳) و بالاخره، فرستادن هزیر اسمعیل خان، برای رسیدگی به امور گمرکی و تقش در اعمال مأمورین سابق و لاحق (سند شماره ۵۴)، از سوی هیات اتحاد اسلام انجام شد. (۲۶)

در اردبیل، بنا به گزارشی، در اواخر محرم ۱۳۲۶ ق. (اواسط عقرب ۱۲۹۶)، عمده جنگلها، این اوقات، به قدر کفاف زیاد شده است، ولی در میانه خودشان، چیزی برودنی است... از طرف جنگلها، به حکومت اعطاء شده که رشوه و خدمات، باید موقوف شود. (دولت، چهار هزار تومان، به حکومت حقوق می‌دهد و سه هزار تومان، جنگلها، خواهد داد که این اعمال زشت خیانت کارانه، موقوف شود، حکومت قبول نکند. (سند شماره ۵۵) چند ماه بعد، در اواسط سال ۱۳۲۶ ق.، جنگلها، در جنگهای طیفکی بین شاهسونهای اردبیل، داخل شده (سند شماره ۵۶) و از این طریق، نیروی آنها، در آن خطه به تحلیل رفت. (۲۷)

در مجموع، تلاش هیات اتحاد اسلام، برای گسترش دامنه نفوذ خود به نقاط مجاور - که از اواسط سال ۱۲۹۶ آغاز شده و در اواخر همان سال، به اوج خود رسیده بود - و سبب تبدیل یک جنبش محلی، به یک جنبش منطقه‌ای در شمال ایران گردید. عوامل متعددی در این فرآیند مدخل بود. فقدان قدرت حکومت مرکزی، ناشی از سفره سیاسی روسها، تکیه بر شعاع اتحاد اسلام، بهره‌گیری از احساسات ضد انگلیسی و روسی در میان اهالی، استفاده از مواضعی بین‌المللی، مهمترین عواملی است که در فرآیند فوق، نقش داشتند.

یکی دیگر از ابعاد فعالیت هیات اتحاد اسلام، ارتباط با روسیه است. پس از شروع انقلاب در روسیه، کمیته‌هایی، متشکل از افسران و صاحب‌منصبان انقلابی روسی، در شهرهای مختلف ایران تشکیل شد. این کمیته‌ها، عموماً تحت نظر فرماندهی قوای روسیه مستقر در قفقاز بودند.

گزارشهای موجود، حاکیست که نخستین ارتباط بین کمیته روسی مستقر در گیلان با هیات اتحاد اسلام، در ۲۷ رجب ۱۳۳۵ ق. ۲۹ فور ۱۲۹۶، انجام شد. در این ملاقات، آقای حاجی رستم و آقای آغوس، یک و گیتاز جورجاندرو، صاحب‌منصب و وکیل کمیته، از طرف روسها و آقامیرزا کوچک خان با سه نفر دیگر، از طرف هیات اتحاد اسلام، حضور داشتند.





(سند شماره ۵۷) سه نفر دیگر: دکتر حسمت، آقاسید آقایی و آقاخواجه کلاوزانی بودند. (۲۸) مذاکرات، در جو بسیار دوستانه‌ای انجام شد. ولی علیرغم این موضوع، مذاکرات، بی‌مادجانی به دنبال نداشتند، به نحوی که چند هفته بعد، در مقاله‌ای با عنوان «قول و فعل لازم است»، که در نخستین شماره جریده جنگل چاپ شد (۲۹). هیأت اتحاد اسلام، خواهان اقدامات جدی، برای کنترل قوای روسی مستقر در ایران، از سوی دولت انقلابی روسیه و کمیته‌های انقلابی روسی مستقر در ایران شد. دو مین ملاقات، در فاصله ششم تا سیزدهم ذی قعدة ۱۳۳۵ ق. (۲۶ سنبله شهریور ۱۲۹۶)، صورت گرفت. بر اساس گزارش موجود، «یک نماینده محترم دیگر، از صاحب منصبان مقتدر روس، اکتوبر نیکلایوویچ وبردین، به همراه یک نفر مترجم، آقای بیک آقاسیدیم اف، در این روزهای اخیر، به فونم، پس از تحصیل اجازه آمده، برای تحکیم و تثبیت مذاکرات پیش، ۲۹ فوراً شروع به بیانات شد و از جانب هیأت اتحاد اسلام و ایران، فدائیان شهید، آقای حراسی احمد، آقا و آقاخواجه و آقاسید آقایی، نایب‌مختب و به نقضی که محلی ملاقات تعیین شده بود، رفتند. پس از انجام اظهارات شفاهی، که چون واقعه پیش، به مثهادرجه دوستانه بود، مراسم مودت و اتحاد، به عمل آمد. (۳۰)

ولی این ملاقات هم، بی نتیجه ماند، و مشکل - کماکان - به قوت خود باقی ماند. سومین ملاقات، بین نمایندگان هیأت اتحاد اسلام و کمیته انقلابی روسیه، در رشت، در دوم صفر ۱۳۳۶ ق. (۲۶ عقرب / آبان ۱۲۹۶) صورت گرفت. در چیزی که پیرامون این ملاقات، در جریده جنگل چاپ شده، آمده است: «ریاست قشون دموکراسی روسیه مقیم گیلان، ماعده‌ای از صاحب منصبان محترم، روزیکشبه دوم صفر، برای اظهار دوستی و مهربانیت، به بازار جمعه توام ورود نموده، از طرف هیأت اتحاد اسلام، دو فرزند عمیر ایران، آقای میرزا کوچک خان و آقای حاجی احمد، آقا، مأمور پذیرایی گردیده و با احترامات و تشریفات، که در خور این مهمانان محترم بود، پذیرایی کردند. عصر همان روز، پس از ختم مذاکرات دوستانه، معاودت به شهر نمودند. (۳۱)

ملاقات فوق، در شرایطی انجام شد که دستجات روسی، دائماً به سمت گیلان حرکت کرده و در آن منطقه، به طور موقت اقامت می‌کردند. بناب، گزارش می‌دهد در این خصوص، در اوایل صفر ۱۳۳۶ ق.، «عده روسها در رشت، به طور تحقیق، بالغ به شش هزار نفر می‌باشد. که در نقاط مختلف در سزل اعین و رجاء و کسبه و غیره، سکونت دارند. (سند شماره ۵۸) بدیهی است، هنوز این تعداد، مشکلات زیادی را، در گیلان به وجود می‌آورد و افزودن شدن مشکلات، بر بررسی جدی تر آنان راه ضروری می‌ساخت. بدین لحاظ، مذاکرات بین کمیته انقلابی روسیه و هیأت اتحاد اسلام، همچنان ادامه یافت. و اینکه مذاکرات، به نتیجه رسیده و در اوایل ربیع الثانی ۱۳۳۶ ق. (اوایل خرداد ۱۲۹۶)، طرفین، توافق کردند در خصوص نحوه کنترل سربازان روسی در هنگام عبور از گیلان، پروتکلی را امضا نمایند. (۳۲) بر اساس مفاد پروتکل، قرار شد، یک عده پانزده نفری از طرف هیأت اتحاد اسلام، به عنوان کمک، به پلیس ملی روسی، که تشکیل پیدا کرده - به علت کمی عده آنها بدهند... در صورت وقوع اجماعی به اهالی، چه شخصی و چه از حسب مال، باید پروتکلی از طرف پلیس ملی روسی، به اتفاق نماینده هیأت اتحاد اسلام، نوشته شود که تدریجاً حسارت به هر کسی که وارد شده، به عمل آید. (۳۳)

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که راه حل مشکل حضور نیروهای روسی در شمال، پیدا شده و تنها اقدام عملی بر اساس پروتکل امضا شده، می‌توانست امنیت را در گیلان دست‌از نماند، ولی سیر حوادث در عقبه‌های بعد، به گونه‌ای بود که اساساً پروتکل مذکور، راه حل حیرت‌انگیز مسأله نگردد.

از اوایل زمستان ۱۲۹۶، تغییر اوضاع جنگ بین الملل اول، در منطقه شرق، و ضعف گیلان، دیگرگون شد. توجه نیروهای عثمانی و آلمانی به منطقه قفقاز، عامل اصلی این دگرگونی به شمار می‌رود. (۳۴) آلمانیها، به سرعت در حال افزایش نفوذ خود در گرجستان بودند و از سوی دیگر، ارتش عثمانی هم، به ملایف شکستهای پیاپی خود در بین آذربایجان و با توجه به اینکه به علت وقوع جنگهای داخلی در روسیه، مانعی در راه پیشروی آنها در قفقاز وجود نداشت، به قصد تصرف باکو، به سمت قفقاز به راه افتادند. در صورت تحقق چنین ایده‌ای، توتالی عثمانیها، در رخته به شمار ایران و همچنین، آسیای میانه و آذربایجان، افزایش می‌یافت. بدین لحاظ، انگلیسها، در یک اقدام بی‌سنگیرانه، تلاش کردند با حد اکثر سرعت و قبل از رسیدن عثمانیها به باکو، خود را به آنجا رسانند و با تقویت نیروهای موجود در آن شهر، اجازه دسترسی به دریای خزر را به عثمانیها ندهند. (۳۵) سرخترین راه و صورت به باکو، از میان گیلان گذشته و به بندرانژی و از آنجا، از راه دریا، به باکو ختم می‌شد. انگلیسها، که از مدتی پیش در مذاکره اعزام نیرو به باکو بودند، به سرعت، بخشی از قوای خود را، به فرماندهی ژنرال دستر ویل، روانه گیلان کردند. (۳۵) (سند شماره ۶۰ و ۶۱) و بلاخره، در روز ۲۸ دلو ۱۲۹۶ (۶ جمادی الاول ۱۳۳۶ ق.) با نیروی اندکی، وارد گیلان شدند. ماه گزارشی در این خصوص، (ساعت هفت بعد از ظهر ۲۸ دلو، یک نفر ژنرال و ۲۲ صاحب منصب و قریب شصت نفر تأمین، یک اتموبیل جنگی - که دارای یک عراده توپ بود با ۲۴ دستگاه اتموبیل سواری، از رشت وارد و به عارمان رفتند. ژنرال آنها با بعضی صاحب منصبان، در اداره لیانازوف منزل

اقدام انگلیسیها، با واکنش بسیار تند هیأت اتحاد اسلام، مواجه شد. هیأت، تلگراف میسوطی به تهران ارسال کرده و ضمن تذکر اقدامات انگلیسیها، خواستن اقدام «هیئت دولت، در جلوگیری از اقدامات حیثی شکانه انگلیسیها شدند.» (سند شماره ۶۳)

همچنین همزمان با ارسال تلگراف فوق، با انتشار اعلامیه در رشت، «حجاب به نظامیان انگلیسی» به آنها اخطار کردند. «گر در ظرف ۲۴ ساعت، از شهر خارج نشوید، ناچار از اقدامات خواهیم بود.» (سند شماره ۶۴) اخصار مذکور، کارگر افتاده و نیروهای انگلیسی، پس از دو روز توقف، بدون هیچ حادثه، در ساعت هفت تماماً به طرف رشت رهپا شدند. (سند شماره ۶۵) و به طرف فرورین حرکت کردند. (سند شماره ۶۶) چند روز بعد از بازگشت انگلیسیها از گیلان، در ۱۱ حوت (اسفند) قزخانه رشت، توسط فرای اتحاد اسلام، تصرف شد. (سند شماره ۶۷) از این زمان به بعد، وضعیت کاملاً بحرانی شد. دستگیری کنسول انگلیس در گیلان، کاپیتان اوئل در اواخر سال ۱۲۹۶، پاسخی از هیأت اتحاد اسلام، به اقدامات انگلیسیها بود. (۳۶) این اقدام، انعکاس وسیع یافت، در تهران، سفارت انگلیس و هیأت دولت، تلاشهای زیادی را برای آزادی کنسول انگلیس و رئیس شعبه بانک شاهنشاهی در رشت، مبدول کردند. (۳۷) (سند شماره ۶۸، ۷۳) اقدامات مزبور، و فضا می در ندادن کات انگلیسیها، برای حمله به گیلان، ایجاد نکرد. متقابلاً، هیأت اتحاد اسلام نیز، کلیه نیروهای خود را، برای مقابله با آنها، بسیج کرده و خط دفاعی را، در منجیل تشکیل داد. همان زمان، گروهی از صاحب منصبان عثمانی هم، به گیلان وارد شده و به جنگلیها پیوستند. (۳۸) (سند شماره ۴۵) شایعات و اخبار مربوط به نفوذ جنگلیها، تا حوالی فرورین و ورود برخی از دستجات بنسویگر، به شمال ایران (سند شماره ۷۶، ۷۹) عزم انگلیسیها را برای یک نبرد همه جانبه با قوای اتحاد اسلام، جزم نمود.

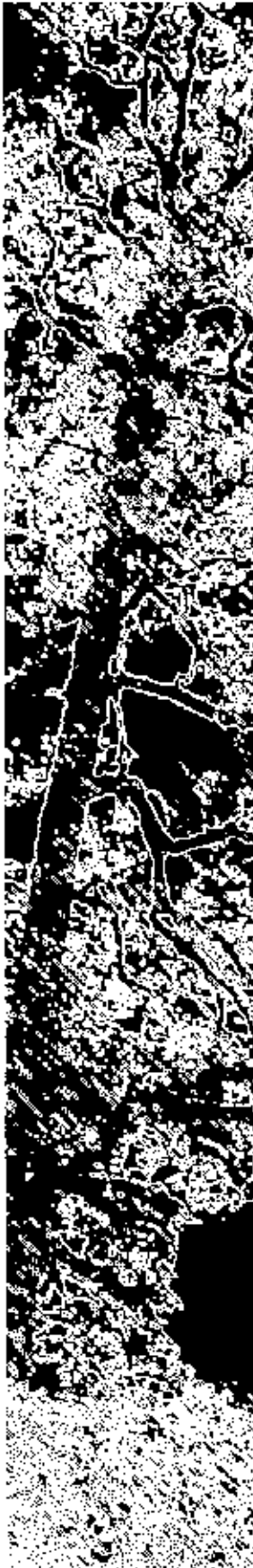
به دلیل اهمیت اوضاع هیأت اتحاد اسلام، که جنگ با انگلیسیها را در قریب الوقوع می دانست - به فوریت در صدد جمع آوری نیروهایش برآمد. بدین لحاظ، ماسدور اعلامیه، شانزده فعالیت دوا بر مربوط به آن هیأت را، که برای رسیدگی به تقاضای مردم ایجاد شده بود - اعلام کرد (۳۹) در همین باره اعلام شد محاکم تحقیقاتی که از طرف هیأت اتحاد اسلام، در تمام قطعات گیلان، تشکیل، استار، خلخال و طرقات دایر بود - با موافقت نظر هیأت، تمام آنها را تابع عدلیه مرکزی رشت قرار داده و مطابق قانون، تبدیل به محاکم بدایت و صلحیه نمودند. (سند شماره ۴۵)

با بحرانی تر شدن اوضاع، امیر عشایر، از رشت خارج شده و امور حکومتی انجاری، به کارگزاری تحویل داد. (۴۰) در گزارشی که از وضعیت رشت و گیلان در آن شرایط وجود دارد (سند شماره ۴۵) به نقل و انتقال متعدد نیروهای جنگی و ارسال نیرو به متجین اشاره شده است و مقابله گزارشهای دیگری نیز، از حرکت نیروهای مختلط انگلیسی و روسی، به سمت فرورین و ندادن، حمله به گیلان به وسیله آنها، و حرد دارد. (۴۱) (سند شماره ۸۰، ۸۳)

در این میان، سقوط کابینه ستونی المانک در ۵ ثور ۱۲۹۷ (۱۶ رجب ۱۳۲۶ ق.)، ضربه اساسی به حسن روابط هیأت اتحاد اسلام و دولت زد. روی کار آمدن کابینه صمصام السطنه، به معنای از دست رفتن یک پشتیبان در تهران، برای جنگلیها بود. کابینه مذکور، به فوریت در صدد انتخاب یک حکمران، برای گیلان برآمد و بالاخره، در اواخر ثور، حکمران گیلان، سردار کل، انتخاب و اقدامات لازم برای او، به گیلان، آغاز شد. (سند شماره ۸۵ و ۸۶) تا اینکه بالاخره، سردار کل، در ۱۸ جوزا (آخر داد اول رمضان) به سمت رشت حرکت کرد. (سند شماره ۸۶)

مقارن با عزیمت حکمران، آخرین مستدمات انگلیسیها برای حمله قطعی به گیلان، در حال انجام بود. از سویی، عدیه زیادی از هم پیمانان روسی و ارمنی آنها، از طریق کتشی، وارد انزلی و آماده حمله به جنگلیها شدند (سند شماره ۸۷) و از سویی دیگر، در جنوب و در فرورین نیز، نیروهای مختلط انگلیسی و روسی، ندادن کات وسیعی برای تکمیل مقدمات حمله، به عمل آورده بودند. تعداد مختلبی نیروی زمینی، که به وسیله چند فروند هواپیما - تقویت می شدند. آماده حمله به گیلان شده بودند. (۴۲) بی نتیجه ماندن مذاکرات فرستاده انگلیسیها (کنل اسوکس) با هیأت اتحاد اسلام، و فوج جنگ رافضی و لاجرم می نمود. (۴۳) (سند شماره ۸۸، ۸۹) اینکه پس از حرکت روسهای متوقف در فرورین - که قبلاً به وسیله مذاکرات و قرار داد بین روسهای آنان یا نمایندگان هیأت اتحاد اسلام از منجیل اجازه عبور یافته بودند - ابتدا در بین رودبار و منجیل توقف کرده و استعکاماتی در آنجا بنامی نمایند، متعاقب آن، دسته دیگری از روسها رسیده، به سجد و وصول آن دسته، از طرف روسها، مبادرت به حمله شده و مصادمه بین آنها و فرای هیأت - که در منجیل توقف داشته شروع گردیده. پس از شروع شدن مصادمه، چهار صد نفر نظامیان انگلیسی، از فرورین قوی حرکت کرده و خود را به منجیل رسانده اند. (سند شماره ۸۸)

در روزهای بعد، جنگ با شدت هر چه تمامتر، بین دو طرف جریان یافت. (۴۴) گزارشی می، از هر دو طرف منتشر شد. (سند





شماره ۹۲ و ۹۱) تا آنکه فوای اتحاد اسلام، شکست خورده و نیروهای آنها، پس از خروج از رشت، به فومن و کسارفتند (سند شماره ۹۰)

طی روزهای بعد، بزهم در گریه‌هایی بین جنگلیها با نیروهای مختلط انگلیسی و روسی، روی داد. (۴۵) این نبردها، همچنان به طور پراکنده ادامه یافت. تا اینکه بالاخره، قرارداد صلحی بین هیات اتحاد اسلام و انگلیسیها، در ۲۷ اسد ۱۲۹۷ برابر ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۶ ق.، به امضا رسید. (۶۶) مفاد قرارداد فوق، به شرح زیر است:

۱. نمایندگان کمیته اتحاد اسلام، متعهد می شوند که فوای مسلحه در راه فومن و تزلوی - که معروف به راه عراق است - و نزدیکهای آن، نگاه ندارند. توضیح اینکه، هرگاه فوای مسلحه دیگر، غیر از نظامیان انگلیس یا نظامیان دولت ایران، عازم گیلان از راه عراق باشند، نمایندگان نظامیان انگلیس، قبول می کنند که در جمل آن، آنها را نگهداشته، تا کمیته اتحاد اسلام، از مقاصد آنها مستحضر شده، در صورتی که بر علیه آنها هستند، حق دارند که در همان راه، با قوه مسلحه، ممانعت نمایند. ۲. نمایندگان اتحاد اسلام، متعهد می شوند که صراحتاً متصرفان خارج راه، اخراج کرده و از دولتهایی که با دولت انگلیس، در حال جنگ هستند، صاحب منصب استخدام نمایند.

۳. نمایندگان کمیته اتحاد اسلام، متعهد می شوند تهیه خوراک لازم برای فوای موجوده انگلیس، در گیلان نمایند و نمایندگان نظامی انگلیس هم، متقبل می شوند که افراد مسلحه، برای جمع آوری آذوقه، به صفحات گیلان اعزام ندارند. ۴. نمایندگان کمیته اتحاد اسلام، متعهد می شوند اسرای دولت انگلیس را - که عبارت از کاپیتان نونل و لیوتان مورس و کلنل شاملف و کاپیتان استریک و صمصام‌الکتاب می باشند - رد کرده، اسرای کمیته اتحاد اسلام را، در هر نقطه که هستند، نحر بن بگیرند.

۵. نمایندگان فنون انگلیسی، متعهد می شوند که در داخل ایران، مداخله نمایند، مگر در صورتی که ایرانیها، با دشمنان انگلیس مساعدت کرده و بر ضد انگلیس، اقدام نمایند. ۶. نمایندگان تشون انگلیس، قول دادند که به هیچ وجه در مقاصد کمیته اتحاد اسلام، مداخله‌ای که مربوط به پیش بردن منافع دشمنان انگلیس نیست، ضدیت نمایند.

۷. از اهالی، دعوت شود که برای حفظ حدود حاکمی، مرتضی‌الکتاب نمایند تا حکومت ایران، نماینده خود را بفرستد. ۸. نمایندگان طرفین، متعهد می شوند که فوای مسلحه آنها، به هیچ وجه داخل شهر نشوند.

دکتر ابو القاسم خان، نماینده اتحاد اسلام کلنل ماتیو، رئیس تشون میرزا رضا، جان نماینده اتحاد اسلام مستر مایر، نماینده سیاسی انگلیس

امضای قرارداد فوق - که نرسماً همزمان با شروع کلبه دوم و توفیق الدوله بود - نقطه اختتامی بزرگ دوره از فعالیت اتحاد اسلام، قرار داد. شاید بتوان این دوره را - که از حدود اواسط سال ۱۳۳۵ ق. آغاز و تا اواخر ۱۳۳۶ ق. (۱۲۹۷.۶) ادامه یافت - اوج فعالیت هیات اتحاد اسلام قلمداد کرد. پس از آن، علیرغم ادامه فعالیت هیات تا اواخر سال ۱۳۰۰ ش.، دیگر به دلایلی همچون: تغییر اوضاع سیاسی در داخل کشور، تغییر اوضاع و شرایط سیاسی منطقه و بین‌المللی، استقرار رژیم سوسیالیستی شوروی و پایان جنگ جهانی اول، هیات اتحاد اسلام، هیچگاه نتوانست چنین انسجام و وحدت عمل و رویه‌ای را در گستره فعالیت خود، به نمایش گذارد.

[سند شماره ۱]

نظامنامه داخلی هیات اتحاد اسلام

۱. از بین اعضای هیات اتحاد اسلام، یک نفر مدیر موفقی و یک نفر ممتنی، باید منتخب شود. ۲. در هر هفته، یک نفر مدیر، به اکثریت، معین خواهد شد.

تکالیف مدیر

۳. آخرین از زمان تعطیل (روزهای جمعه و اعیاد ملی) همه روزه ۳ ساعت قبل از ظهر و ۳ ساعت بعد از ظهر، جلسات رسمی، هیات منعقد خواهد شد. در جلسات فوق‌العاده، احضار اعضا، به عهده مدیر است. ۴. قبل از حضور اکثر از اعضای هیات، مدیر، اقدام به مذاکرات رسمی نخواهد نمود. ۵. پس از شروع به مذاکرات، بعد از مشاوره و تبادل، اتخاذ رای قطعی، به عهده مدیر است.

۶. در صورتی که اعضا، بایکدیگر مشاجره نمایند، مدیر، باید به اندازه رفع غائله، جلسه را تعطیل کند.
۷. مدیر، مسئول انتظام داخلی هیات است. در صورتی که هر کدام از اعضا، از نظم واقع منصرف شد، مدیر مطابق قرارداد، محازات تعیین خواهد نمود.
۸. مدیر از حیث رای و سنای تکالیف، در حکم سایر اعضای هیات خواهد بود.
۹. مدیر، می تواند از برای هر یک از اعضا، به طور ضرورت، اجازه مرخصی بدهد.
۱۰. مدیر از واردین محترم، در اطاق مخصوص، پذیرایی خواهد نمود.
۱۱. در صورتی که خارج از اعضای هیات اتاخوانان، به یکی از اتاخوانان شده باشد، توسط مدیر یا مستخدم، به عضو اطلاع بدهد.

وظایف منشی

۱۲. در هر جلسه، سررئیس، قراردادهای هیات را برداشته و در دفتر مخصوص، ثبت نماید و به امضای مدیر برساند.
۱۳. بعد از اجتماع اعضای هیات، منشی، عده حاضر و غایب را، صورت می نماید.
۱۴. قرآنت مکانیپ وارده در هیات، به عهده منشی است.

تکالیف اعضای هیات

۱۵. اعضای هیات، باید نهایت ادب و احترام را، بایکدیگر رفتار کنند.
۱۶. استعمال دخانیات در جلسات رسمی، ممنوع است؛ مگر در وقت تنفس، که مدیر اجازه دهد.
۱۷. هر کدام از اعضای هیات، حق دارد، مطلقاً اینست، در صورتی که به اکثریت، قابل مذاکره باشد، در هیات مطرح خواهد شد.
۱۸. توافق کردن و ادای بعضی رسومات - که اسباب تفرقه عمومی باشد - در حال انعقاد جلسات رسمی، ممنوع است.
۱۹. هر یک از اعضا، در صورتی که منطقی نباشد پیشنهاد کند، باید قبلاً از مدیر اجازه بگیرند و در صورتی که معارف هم، اجازه خواهند داد، اسبق، ولی به چند ثانیه، مقدم خواهد بود.
۲۰. اگر یکی از اعضای هیات، شکایت شخصی راجع به یکی از اعضای هیات داشته باشد، باید در هیات اظهار کند. بعد از آن که مدعی علیه، جواب شخص شاکی را گفت، هر دو باسی از هیات خارج شوند تا در غیاب آنها، هیات، در ماده شکایت رسیدگی کرده، حکم مستنه را معلوم کند.
۲۱. هر یک از اعضای هیات، بر ترک با و ترف فصری از نظامنامه داخلی مطیع شده، حق دارد به مدیر اطلاع داده، منیع و اصلاح آن را بخواهد.
۲۲. هر یک از اعضا، بدون عذر موجه، اگر از حضور در اجنات رسمی، تقاعد، و رزند، پنج قرآن به صندوق اعانه هیات، تقدیم می نماید.

شوشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی

در جنایت و مجازات اعضای هیات

- جنایت اعضای هیات، به چهار درجه منقسم است:
۲۳. درجه اول، از قبیل نجوا کردن و سرفه نمودن مستد در موقع نطق یکی از اعضا، مجازات این درجه، ملامت کردن و نصیحت کردن بر ترک این افعال است.
۲۴. درجه دوم، مثل مخالفت قوانین انتظامات داخلی یا اعاده اتاخوانان اقبال با وجود ملامت و نصیحت، مجازات این درجه، بیرون رفتن از مجلس است، به امر مدیر، برای یک ساعت.
۲۵. درجه سوم، حاضر نشدن در تکالیف مقرر است. مثل اینکه یکی از اعضا، در پنج جلسه متوالیه، بدون عذر صحیح، از حاضر شدن تقاعد کند. در این صورت، هیات، به او تکلیف خواهد کرد که استعفا نماید و هر گاه استعفا نکرد، از عضویت خلع می شود.
۲۶. درجه چهارم، حیانت کردن به هیات از قبیل رشوه گرفتن یا فتای سر هیات نمودن یا اتاخوانان در تریبات آمایش و اخلاق در پیشرفت کار. جزای این درجه، بعد از توت حیانت، اخراج از عضویت هیات و مجازاتی است که به اکثریت، معین خواهد شد.



در ترتیب مذاکرات مطالب

۲۷. گامی که مطلوبی در تحت مذاکره است، دیگری نباید مطلب جدیدی در آن داخل کند. تا مذاکره آن مطلب، تمام شود؛ مگر اینکه مطلب ثانی، مقدمه مطلب اول باشد.

۲۸. مطالبی که به هیات می‌رسد، هر کدام مهمتر است، مذاکره و انجام آن، باید مقدم باشد.

شعبه تحقیق عرایض

۲۹. برای رسیدگی به عریض، یک شعبه تحقیق عرایض برقرار می‌شود و این شعبه، عریض را که لیاقت مذاکره در هیات داشته باشد، عیناً به هیات اظهار می‌کند و از سایر عریض هر روزه، یک فهرستی ترتیب داده شده، در ابتدای آن روز، خلاصه را به عرض هیات می‌رساند.

۳۰. لایحه الافتضا، بر مواد نظامنامه، افزوده خواهد شد. (۴۷)

[ست شماره ۲]

هوالمولف بین القلوب

نظر به نهج امور و بیاسانهای مهم و رفیع سوءتفاهم، لازم گردید که امتای هیات اتحاد اسلام، تجدیدنظری در عهد و موافق سابقه خود نمایند و به مقرری که در بدو اجماع و تشکیل اجتماع هیاتی، معاهداتی درین خودشان نموده بودند و شرایط و التزاماتی باهم تعهد شده بودند، به تاریخ ذیل، صمیمانه و برادرانه، مجدداً حاضر شده‌اند که بر طبق قرارداد قدیم و معاهدات سابقه، باهمدیگر در امورات نوعی و مراسم هیاتی، بر مشاوره اقدام نمایند و آنچه راجع به صلاح نوعی و مقاصد کلی و مراسم ملی باشد، به نحو نیادر افکار، در تحت مقرره و آرا آورده، چه از رد و بحث و جرح و تعدیل آن، به اتفاق آرا و یا به اکثریت رای قطعی اتخاذ گردد.

بالتجسس، به بیست و هفتاد کی اتقای اخوت جدید و اختلاف دینی بین آقایان امتای هیات اتحاد اسلام، باعث فقراتیم، واقع گردید که به مدلول موافق گذریم، با التزام به مواد ذیل، قیام در امورات مزبوره نموده و از این به بعد، به مفاد ذیل در خاتمه قطع و فصل امور، جدیدت نمایند و مختلف از مواد ذیل را، جایز بدانند و خدا را همه وقت حاضر و ناظر بدانند و در صورت تخلف، تابع حکم اتفاق یا اکثریت هیات خواهد بود.

مواد ذیل، در ضمن چند فصل ذکر می‌شود:

فصل اول، در تشکیل هیات و .. ترتیب لوازم آن

ماده اول، اعضای هیات اتحاد اسلام، در ضمن عدد طاق (از ابد از پنج) تشکیل خواهند یافت.

ماده دوم، اعضای هیات، لایحه الافتضا، به حکم اتفاق آرا یا اکثریت، زیاد و کم خواهد شد. در هر صورت، رعایت ماده فوق، خواهد گردید.

ماده سوم، اعضای هیات مفیدس، خدمتی و باه نمودارها و شعبه نخواهند شد؛ مگر به تصویب هیات، در موقع لزوم.

ماده چهارم، حاضرین از اعضای هیات، در ذیل اسمی حرد امضاء و مهر شخصی خواهند نمود.

ماده پنجم، همه روزه، به طور لزوم، (۴۸)

فصل دوم، در تکالیف اعضای هیات اتحاد اسلام و لوازم آن

در ضمن چند ماده:

ماده اول، در هر روزی به طور لزوم، رسماً شش ساعت، ۳ قبل از ظهر و ۳ بعد از ظهر، تشکیل هیات خواهد شد. در فوق آمده، به قدر حاجت و قضای آن خواهد بود.

ماده دوم، در صورت لزوم حاجت و بایست آمد مهمی، به اختیار یک نفر از اعضا، تمام اعضا مکلفند به طور فوریت حاضر شوند.

ماده سوم، در جلسات رسمی هیات، مذاکرات، غیر از مذاکراتی که فصل بعد معین می‌نماید، جدا ممنوع است؛ مگر در موقعی که خارج از رسمیت یا موقع [اخوان] باشد.

آماده [چهارم]. در هر جلسه رسمی، یک نفر مدیر موقتی یا ناظم، به اکثریت یا به اتفاق معین می‌شود که تکلیف مدیر یا ناظم، در فصل علیحدہ، معین خواهد بود.

آماده [پنجم]. اعضا، حق غیبت از جلسات رسمی ندارند، مگر در صورت عذر یا ارجاع خدمت.

آماده [ششم]. در جلسات رسمی - که هر کدام از اعضا، در موقع رسمی حاضر نشود - از پنج قرآن الی یک تومان، جریمه خواهد داد.

فصل سوم - در خصوص مذاکراتی که در هیات لازم است و لوازم آن

آماده [۱]. مذاکره امور نوعی و تصفیه امور مملکتی و یسر رفت مرام ملی و هیات، در جلسات رسمی خواهد بود.

آماده [۲]. تحصیل بودجه و فراهم داشتن مقدمات وصول اعانه، در جلسات رسمی مطرح خواهد شد.

آماده [۳]. اعزام اردویی یا دفاع از دشمن و یا تصرف محلی و یا اعزام نماینده، در جلسات رسمی موضوع خواهد بود.

آماده [۴]. عزل و نصب کلیه اجزا و صاحب منصبان و مامورین، به عهده هیات است و در جلسه رسمی، تحت ... خواهد بود.

آماده [۵]. حقوق کلیه اعضا و اجزا و اتحاد نظام و مستخدمین و مستحفظین و مامورین، به طور مقرر، خواهد معین گردید.

آماده [۶]. در موارد فوق، بعد از تعاون افکار و امتزاج، یا به اکثریت و یا به اتفاق آراء، رای خواهد گرفته شد.

آماده [۷]. هر کدام از اعضا، در موقع غیبت، حق رای نخواهد داشت.

آماده [۸]. عده اعضا، وقتی که به زاید از نصف رسیده، حق شروع در مذاکرات خواهند داشت.

آماده [۹]. کلیه مذاکرات هیات در جلسات رسمی، باید در ثبت دفتر و خلاصه ضبط گردد.

آماده [۱۰]. دو منشی از اعضای هیات یا با تصویب هیات، معین خواهد بود.

آماده [۱۱]. در امورات نوعی و کارهای هیاتی، به هیچ وجه یک نفر از اعضای هیات، نمی‌تواند مداخله کند و در صورت

مداخله، برای او رسمیت نخواهد داشت. (۴۹)

[مسد شماره ۳]

اوضاع رشت مورخ ۲ جوزا

طرز رفتار مامورین نظمیه در زمان استولیرگ، فشارهای قونسولگری در ایام استبداد روس، مداخله مامورین اجنبی به امور جزئی و کلی، حق تشکیلهای کارگزاری و بالاخره، هرج و مرج اداره حکومتی و عدلیه، و تعلق فوق العاده شخص حاکم، حاج مفخر الدوله از روسها، یک نوع بدبختی برای مردم تولید کرده و هر لحظه، بر گرفتاری عمومی می‌افزاید.

قلم مقید، زبان بسته، آزادی محدود و حتی معاشرت به طرز مخصوص قدغن شدت فشار استبدادی، به اندازه‌ای بود که خیرهای جنگ و غیره را هم - که روزنامه‌های خارجه، مخصوصاً جراید قفقاز درج می‌کردند - در باره‌ای مجالس، صحبتش ممنوع بود تا چه برسد به سایر مطالب.

نه تنها مردم، از روسها می‌ترسیدند، بلکه به مراتب از مامورین نظمیه و حکومتی و خاصه از آنها هم که خود را مفتش نامبات معرفی می‌نمودند، احتیاط می‌کردند. زیرا، بسا بدبختانی از حیث جلب منافع شخصی و برای خوشایندی، و چه به حکم حاکم و چه از آدم‌آزاری بعضی مامورین مفسد تاهیئات نظمیه، به عنوان جنگنی و مقصر پلتیکی گرفتار و حبس و زجر شده و روزها در حبس و ماهها در توقیف می‌گذرانیدند. اهالی یک ولایت، مطیع و بی صدا، سکنه یک شهر، آرام و دولتمخواه، نزدیک بود از شدت فشار خودی بیگانه، متزاری شوند. حق، برکت دهد که شمس آزادی، از افق روسیه طلوع شده و پرده در مقابل این فجایع کشید.

بعد از اعلان آزادی در روسیه، موضع رشت هم تغییر کرده عده زیادی بی‌گناه - که از غرض شخصی و ... حبس و در زیر شکنجه بودند، از محبس نظمیه خلاصی یافتند. در اینجا، این خوشحالی - که از تغییر اوضاع پیش آمده بود - از تغییر رئیس منایق نظمیه (استولیرگ) نیز، یک نوع حس بشاشت در مردم تولید شده و از تعیین آقامیرزا عبدال... خان، به جای ایشان خوشنود شدند. چنانچه به وسیله تلگرافات خصوصی، از تقدیم امتنان به اولیای امور، خودداری نکردند. مسیو استولیرگ، نه فقط به کارها رسیدگی نکرده و از اعمال او، سایرین استفاده کرده و اصول کیف مایشایی را پیش انداخته بودند، بلکه در حیث و میل و جوهرات دولتی نیز، ید طولانی داشت. رئیس جدید، به محض رسیدن، بلافاصله شروع به اصلاحات نظمیه



نموده، چند نفر از مامورین نامینات را - که سابق بدی داشتند - بیرون کرده و به جای آنها، از مفتشین جدید - که از تهران ورود کرده بودند - گماشت.

عجائبات، اذهان، متوجه اصلاحات فوری و منتظر اقدامات رئیس جدید می باشد. نظمیته ماه دارد یواش یواش رو به اصلاح می گذارد و امید است بعد از چندی، نظمیته مرنسی داشته باشیم. یعنی نظمیته ای راه که در ماه، چند هزار تومان در این موقع تنگدستی از دولت می گیرد و در مقابل این وجه، ارزش داشته باشد، دارا باشیم. راجع به اداره مالیه، بدین نبوده و تایید اندازه امیدواری در حسن جریان آن، حاصل است. از اصلاح کارگزاری و عدلیه نیز، به این زودی هامیوسیم. به این ملاحظه، در این باب چیزی نمی گویم. اما، راجع به اداره حکومتی، همین قدر عرض می کنم: آیا در این موقع انتخابات هم اداره حکومتی، اصلاح نخواهد شد؟ آیا اولیای امور، اطمینان دارند که با وجود اقامت حاج مفاخراندوله - که سابقه درخشانی در تاریخ ایران دارد - عمل انتخابات به صحت خواهد گذشت؟ اگر کارها، بدین عنوان بگذرد، داد و فریاد جریده ایران - که برای تغییر مامورین و حکام بلند شده - یکنلی هدر و فقط نتیجه ای [جز گلو پاره کردن، نخواهد داشت.

این نکته هم نگفته نگذاریم که با وجود اینکه آزادیخواهان و روسیه در رشت، عموماً و اعضای کسبه فعال روسیه، عموماً چه در مجالس و چه در مینتنگ ها، اظهار می کنند که دیگر به امور داخلی ایران، مداخله نخواهد شد. باز هم، بعضی نفوذها در کار و اثری از این وعده ها، مترتب نشده است. تصور می کنم که این هم، بسه به وجود مامور وطن پرست ایرانی است که با خلوص نیت، مشغول کار شده و امور مهمه راه یکی یکنه بدهند. (۵۰)

[شماره ۴]

اوضاع گیلان

مورخ ۱۴ رمضان، از رشت به مامی نویسنده

وضعیات گیلان، آنقدر امیدبخش نیست. گرانی ارزاق و مایحتاج، از هر قبیل، از بی اعتنایی حکمران وقت، به جایی رسیده که به غیر از ایرانی بدبخت، کسی تحمل آن را ندارد و نتواند داشت. نه اینکه تصور شود از نودن اجناس به این قحطی مبتلا هستیم، خیر از خدم رسیدگی مامورینی که این کار، به عهده آنهاست. زیرا متاع محلی، از قبیل برنج و مخصوصاً سبزی آلات، فراوان است؛ ولی که آنچه کسی [باید قیمت را تعیین کند؟ اگر بنویسیم، نان یک من پانزده قران است، دور نیست کسی باور نکند. حالا گوسفند و روغن، جای خود دارد. حاج مفاخراندوله که فقط در ماه پیش، از گرفتن مواجب و نراشیدن و مداخله، وظیفه دیگری برای خود فرض نمی کرد. یکی دو فقره در موضوع ارزاق، اقدامی کرد، ولی چه شد؟ نتیجه معکوس داد. این سؤال راه، خود ایشان باید جواب بدهد.

هرج و مرج، پاره ای از ادارات، از قبیل عدلیه و کارگزاری کمتر از ارزاق به مردم اثر ندارد، بلکه به درجات، از آن بدتر است. کارگزاری، یعنی آن اداره که به وسیله بعضی از روسای آن، غالب املاک خوب گیلان، از دست ایرانیان بدبخت رفته و به چنگ اتباع روس، عثمانی و یونانی و غیره افتاده، امروزه هم، محل تامین معیشت کارگزاران است. خوب است قدری به اسناد و روسیه و صورت مجلسها و ثبت اجاره نامه های سال ۱۳۳۰، مراجعه شود تا خدمات کارگزار فعلی گیلان، معلوم گردد.

با این دردهای بی درمان، بدبختانه، مختصر نفاقی هم بین احزاب و فرقی سیاسی - که بعد از اعلان انتخابات، شروع به تشکیلات نموده اند - جاریست. دموکراتها، دو دسته شده اند. عقلای قوم، کوشش دارند رفع اختلاف نموده و به این اشتها، از خانه دهد. امید است موفق هم بشوند. یکی از کارهایی که اولیای امور، بایستی به فوریت انجام دهند، تعیین یک نفر رئیس بی طمع و فعال، برای عدلیه و فرستادن او، با یک عده اجزای کارآزموده، به رشت است که از نو، عدلیه تشکیل نموده، شروع به کار و رفع جویج مردم نماید.

البته، در اصلاح کارگزاری هم، باید اقدام عاجلی بنماید. هر قدر مفاخراندوله راز و تری بخواهند، بهتر است. زیرا بیشتر به نفاق دامن می زند و کاسه لسان هم که حالشان معلوم است - از موقع استفاده می کنند. (۵۱)

تلگراف خصوصی، از رشت [اظهاراتقیاد، به حکومت مرکزی]

توسط حضرت اشرف پرنس، آقای غلام السلطنه، هیات معظمه و وزرای محبوب ملت ایران، سه گنجه جریده نوبهار، صدای ایران، ایران.

واضح است که منتهی آمال فدائیان، آن بوده است گیلان و طولش، کاملاً در تحت اوامر مطاعه هیات دولت بوده و انداختن و تصرف در اموری - که خارج از وظیفه یک ملت مطیع است - نکند. تلگرافی که قبلاً در خصوص حاجی مفاخرالدوله عرض شده، بر طبق تقاضای اهل گیلان بوده و هیات اتحاد اسلام راه در این خصوص و در سایر امورات رسمی قانونی مملکتی، از هیچ رای مخصوص نیست و بجز اطاعت اوامر دولت و پیروی صلاح اندیشی آن هیات، نقطه نظریاتی نداشته و نخواهد داشت. چیزی که هست، کمال اشتیاق به سرعت افتتاح دارانشورا داریم و این قانون بر سنی فدائیان است. اینک، به اتفاق تمام روساء و عشایر و ایلات محلین خود، از آن مقام مقدس و هیات وزرای عظام، درخواست افتتاح مجلس شورای ملی و اعزام یک نفر حاکم صحیح انعمال حوش سابقه [که] طرف اعتماد ملت و توجه دولت باشد. داریم که از ایداز این امر، حکومت گیلان و طولش، متزلزل و اهالی بیلتکلیف نباشند.

در حاتم، اعتقاد خودمان را نسبت به اوامر مقدسه منوکانه و هیات وزرای محبوبه، اظهار می داریم. (۵۲)

اتحاد اسلام گیلان

دستگیری، از طرف جنگل

به موجب اعلانی که از طرف جنگلیان انتشار یافته، پنج نفر از اهل شهر راه فقط به عنوان آنکه عرض رانی شخصی می کرده اند، دستگیر نموده و به جنگل برده اند. بعد از این عمل، اعلانی نشر نموده اند که اهالی و جنوهای که به آفاسیخ علی نفس، رئیس استیاف و اعضای عدلیه، به عنوان رشوه داده اند، رجوع به جنگل نموده و ماء خود دارند. (۵۳)

واردات اداری

از رشت می نویسد

لازم می دانم از اوصاف این صفحات - که سیاحت کرده ام - به عرض برسانم. در اسمعیل خان سواری، چندی است به قوه روسها، استحكامات بنا شده و ذخیره کفی جمع آوری نموده. کارخانه تفنگ و فشنگ سازی دارد. روزی دو قبضه تفنگ، از کارخانه اش خارج می شود. متجاوز از یک هزار، سوار تفنگچی دارد. اطراف را غارت می نماید. این اوقاف، طایفه یورنجی، به معیت سالار خاقان، برادرزاده امیر عشایر، بر علیه اسمعیل خان قیام کرده اند. جنگ، میان طرفین شروع، یک سنگر اسمعیل خان را که دارای چهار صد تفنگچی بود - گرفته اند. اکنون جنگ، به شدت دوام دارد. اجتماع قوی می رود. اسمعیل خان و اطرافیان، به همین زودی به قلع و قمع بشوند.

آقای زاکو چک خان، بعد از معاهده رشیدالملک سالار خاقان، به طالبش دولاب آمده و اهالی، از ورود ایشان [اظهار] خوشوقتی نمودند. صلحه، بر تقاضای اهالی، در طالبش دولاب معین کردند [قانون] حسب قانون جاریه مملکتی، به عرض عارضین رسیدگی نمایند. پس از سه شب توقف در خانه امیر مقتدر، به اسلام آمده. اداره صلحه هم، در اسلام معین نمودند. اهالی خلخال هم، دعوت به خلخال نموده اند.

میرزا زاکو چک خان، مخالفت با دولت و قانون جاریه مملکتی ندارد و بلکه مقصودش، به جریان قانون و پیشرفت اوامر دولت متبوعه می باشد.



مظالم حاجی قاسم خان اکتفا و برادرش در اسالم، رفت؛ آور است. خانه های انجمن الدوله طالش را که به معین روسها آتش زده اند. و غارت اموال او و اسیر کردن بهجت التوبه، عروس مشارالیه و ماد و طفل صغیرش، پای پیاده به لوزی، بردن ناموس مسلمانان راه دریای بون بخت و وسهاتو قیاف نمودن، اسف انگیز است. چه می شود که دولت به این نوع ظلمها، عطف توجهی بفرماید؟ امثال حاجی قاسم خان را به جزای اعمالش برسند. آیا ممکن است و وزرای محیوب ملت، امنیتی به اهالی ایران بدهند؟ اگر معذرت به نداشتن پول هستند، چرا ممیزی املاک را، ممیز صالح نمی فرستند؟ منجمه، ممیزی گیلان است. که امروز، دست متغذین کوتاه است، دولت، بخوبی می تواند موفق بشود به ممیزی گیلان. که متجاوز از سه کرویر تومان، عشر دولت خواهد شد. با یک کرویر، قوه تأمینیه گیلان راه می شود فراهم آورد. جنگلیها هم باین عقیده با دولت کمال مساعدت را دارند و می نمایند. آیا دولت، چرا یک نفر شخص صالحی را نمی فرستد، عقاید حقه جنگلیها را بهمند؟ چرا یک نفر حاکم و یک نفر رئیس عدلیه و یک نفر رئیس مالیه صالح، اعزام نمی نمایند؟ یا اینکه به همسایس متغذین، متعذر است. تا کی و چه وقت دولت می خواهد مشغول به تسویه مملکت و به آسودگی فقر اقلدم نماید؟

اشخاصی که حاضر شدند به قید قسم کلام مجید، با جنگلیها متحد شوند، اشخاص ذیل هستند. صورت قسم نامه آنها از قراری است که عرض می نمایم:

آقای رشیدالمسالک، برادر امیر عشایر، سالار خاقان، ناصر دفتر خلیفائی، مرات السلطان امین مایه خلخال، سلطان الذاکرین خلخال، انجمن الدوله طالش، قسم یادمی کنیم به قرآن مجید، به مقدمات عالم، از حالا به بعد، با اساس مشروطیت و با مرام فرقه مقدس دموکرات، جاناً و مالاً همراهی نموده و مخالفت یا متحدین خود ننماییم. واللہ، باللہ. که صیغه قسم است. حالیه، عموم روسای شاهسون اردبیل، همگی، حاضر شده اند اتحاد نمایند و بعدها، سلب امنیت نکرده و به اوامر فرقه دموکرات، حاضر باشند. امیدوارم عملاً قریب، صفحه اردبیل، به مرام و مقصود فرقه مقدس، تسویه بشود.

مصطفی فروزش (۵۴)

[سند شماره ۸]

اوضاع گیلان

از رشت، به مامی نویسنده:

اوضاع گیلان، رضایت بخش نیست! آقای معتمد السلطان، کارگر از مهم خارجه گیلان، در امور حکومتی دخالت نکرده، کفیل فعلی نیز، از عهده اداره کردن کارها بر نمی آید. اهالی، انتظار دارند که از طرف دولت، هر چه زودتر، حکمران لایقی، برای گیلان تعیین و به فوریت اعزام شود. (۵۵)

[سند شماره ۹]

راجع به اوضاع گیلان

تلگرافی به اعضای آقایان معتمد السلطنه و مخاطب السلطان و یسکار مایه گیلان، به اولیای مرکز مخابره و واصل شده است که در شماره ۵۴ ستاره ایران و ۵۵ کرب ایران، تحت عنوان «اوضاع گیلان»، شرحی اشعار شده که اولاً اوضاع گیلان را اسفناکی ذکر می نمایند؛ در صورتی که به موجب راپرتهای کثیری و تلگرافی اولیای امور از جریان اوضاع این صفحات، مستحضرند که در انجام وظایف خود و حفظ حیثیات دولت، غفمت نشده و موفقیت تمام در استراوان نظام، حاصل شده است. ثانیاً می نویسند: کارگزاری و معاون حکومت راه از شهر خارج نموده اند. این قبیل انتشارات خلاف واقع، بی اندازه موجب حیرت و فابل تکذیب از طرف دولت است. (۵۶)

[سند شماره ۱۰]

[از رشت]

از رشت، به مامی نویسنده:

امور رشت، در تحت نظر مخاطب السلطان و کارگزار و پیشکار مالیه و چند نفر از حزب دموکرات اداره می شد. در بعضی از مسایل قیما بین اختلاف حاصل شده و دو دستگی می شود. مخاطب السلطان و چند نفر دیگر، مخالف و بیه، طرفدار جنگلیها می شوند. دسته دوم، به جنگل مراجعه و شکایت می کنند. از جنگل، اخطاریه به مخاطب السلطان می رسد که در ظرف بیست و چهار ساعت از رشت خارج شود. مشارالیه، در صدد محافظت خود برآمده و از پلیس ایرانی و قزاق روسی، استمداد می کند. جنگلیها، که از واقعه، مسروق می شوند، به کمیته قفقاز تلگرافات نموده، پروتست به این رفتار نظامیان روس می نمایند. از آنجانب، به نظامیان، امر می شود که از اشغال دارالحکومه، احتراز جویند و نظامیان، اطاعت می نمایند. مخاطب السلطان، ناچار به منزل شولبرگ، رئیس نظمیته پناهنده و از آنجا به مرکز حرکت می کند. این واقعه، باعث کدورت بین جنگلیها و روسهای متوقف رشت شده است. (۵۷)

[مسند شماره ۱۱]

اوضاع گیلان

خبرنگار مخصوص ما، مورخ ۴ ربیع الاول، از رشت می نویسد:

اداره حکومتی

آقای معتمد السلطنه، کارگزار گیلان، از بدو ورود خودشان، نظر به حسن سلوک و بی طمعی - که از ایشان به عرصه ظهور و بروز رسیده - طرف توجه مخصوص اهالی واقع شده، محبوبیت حاصل و در تمام مجالس و محافل، از ایشان و خدماتشان اظهار قدردانی می نمایند. روزها، همه روزه به دارالحکومه رفته، مشغول انجام امور حکومتی هستند. امورات کارگزاری هم، در تحت نظر آقای امیر محمدخان، معاون کارگزاری اداره می شود. چند روز است شایعات، راجع به تعیین امیر عشایر خلخال، به سمت حکومت گیلان، از طرف هیات اتحاد اسلام می باشد. که محزی البه، با پانصد سواره، وارد و مشغول کار خواهد شد. ولی تا به حال، وارد نشده است.

اداره نظمیته

حقوق اداره نظمیته، دو ماه هست که به عهده تعویق و آژانها، همه روزه استعفا داده و فراری می شوند. اداره نظمیته هم، به واسطه بعضی موانع و محضورات، نمی تواند کاملاً جلوگیری نموده و رفته رفته، رشته امنیت و انظام گسیخته خواهد شد. در این دو هفته اخیر، چندین فقره سرقت مهم واقع شده. شبانه، هفت نفر و هشت نفر، افراد مسلح، به خانه های بعضی از تجار و اهالی رفته، دو نفر مجروح و یک نفر راهم مقتول کرده اند و سارقین هم، تا به حال دستگیر نشده و امنیت سابق، مرتفع گردیده است. تفنگهای آژانهای اینجا، تفنگ های منچستر قدیم می باشد که بکلی بی مصرف و آن هم، بیش از چند قبضه نیست. تفنگ پنج تیر و ورنند، ابتدا در اداره نظمیته وجود ندارد. سابقاً حسب پیشنهاد رئیس تشکیلات، و تصویب وزارت داخله، قرار شده چند قبضه تفنگ پنج تیر، از وزارت جنگ برای نظمیته بفرستند. ولی بعد از مدتی، فرستاده نشد. اخیراً بعضی صاحب منصبها و آژانها، فرار به جنگل رفته و به واسطه تعویق حقوق و بریشانی، سایرین هم، به فکر فرار می باشند و در سرپست، حاضر نمی شوند.

مسئله مشروب فروشی، از طرف اداره حکومتی و کارگزاری قدغن اکید شده. اداره نظمیته، تمام دکاکین مشروب فروشی راه، مهر و موم و در مهمانخانه ها و سایر نقاطی که سابقاً مشروب فروخته می شد، حالیه ابتدا مشروب نیست و این مسئله، از شرارت سالدتها و قشون روس، کاملاً جلوگیری نموده، اسباب رضایت خاطر اهالی شده است.

در مسئله جلوگیری از قمار، اقدام موثر نموده و حتی در مهمانخانه های اتباع خارجه هم، قمار نمی شود و از تمام صاحبان مهمانخانه ها، التزام گرفته اند که در آنجا قمار نشود. آژان گشتی هم، برای تقویت، مامور نموده اند.

عده قشون روس، همه روزه در رفت و آمد می باشند و در شهر، این اواخر، مزاحم حال اهالی نشده، از قراری که تحصیل شده است، به روسیه احضار و در ظرف یک ماه و چهل روز دیگر، خواهند رفت.

مردار مویده، اخوی شجاع الدوله و بيسرش، میرزا حسین خان ظفر الدوله، با کشتی، روز چهارشنبه هفته قبل، از طریق بادکوبه وارد و به رشت آمده و در مهمانخانه متروپل منزل کرده، خیال حرکت به طرف تهران را داشتند. شب جمعه ۲۸ ماه صفر، چند نفر از طرف هیات اتحاد اسلام، مشارالیه رایه کسب کرده و روز جمعه هم، ظفر الدوله را برده، اسبانیهای آنها را هم در اطاق مهمانخانه، از طرف هیات، مهر و موم کرده اند، تا بعد چه شود.

حالت فلاکت و بدبختی و بریشانی قزاق و غارت زدگانی که همه روزه دسته دسته، از طریق خمسه، طالب دولاب،





گروس، کردستان و سایر نقاط، به رشت وارد می‌شوند، فوق‌العاده رقت‌انگیز می‌باشد. تا به حال، به طور تحقیق، نزدیک به هشت هزار نفر مرد و زن و بچه نجات، وارد شده، تکلیف و مساعد و در اکثر نقاط شهر، دسته‌های بانصدنفری و کمتر، دور هم گرد آمده‌اند. از طرف بعضی تجار و محترمین و اداره کارگزاری، برای حفظ آنها از سرما و گرسنگی، تاکنون مبلغی هم اعانه جمع‌آوری شده، قریب به چهار بیج هزار نفر را اجناس منزل داده، قرار معاش آنها را داده‌اند. ولی چون همه روزه سیصد نفر و چهار صد نفر، وارد می‌شوند، تهیه منزل برای همه آنها، خالی از اشکال نیست.

آذوقه

ترتیب آذوقه گیلان، فعلاً بد نیست. چندین قسم نان هست که از فونتی چهار عباسی تا فونتی شش عباسی، به فروتن می‌رسد، ولی فراوان است و تحصیل آن، زحمتی ندارد. قیمت سایر ماکولات هم، به همین ترتیب، فوق‌العاده گران می‌باشد و بعضی مطالبین، پیش‌بینی می‌نمایند که در آخر سال، برنج هم، تمام خواهد شد و اهالی، دچار زحمت می‌شوند. (۵۸)

[سند شماره ۱۲]

ورود امیر عشایر

رشت، امیر عشایر خلخال، با سیصد نفر سوار شخصی، وارد شهر شده، اداره ملیه، نظمی و فشنونی را متصرف اعلام می‌کند. از طرف جنگل به تمام اهالی شده که هر کس، از حکم ایشان نمرذ نمایند، مجازات خواهد شد. روز گذشته، تلگرافی رسیده که امیر عشایر، رسماً سیدگی به امور می‌نمایند. عریضه تلگرافی منضمی در این دوروزه، از طرف کمیته اتحاد اسلام، به مقام مقدس سلطنت عظمی، راجع به اطاعت از او، مملو کانه، مخیره و استعاضای تحصیبه بر گرانموده شد. (۵۹)

[سند شماره ۱۳]

نتیجه یاس، از اصلاح مرکز

رشت، امیر عشایر، رسماً شروع به تصفیہ کارات نموده و متخون کار شده است. ورود جنگلیها، به رشت - در صورتی که در قسم اعلاجات خود اطلاع داده بودند تاکنون معلوم نشده. (۶۰)

[سند شماره ۱۴]

[نظرات جریده آچیق سون، درباره میرزا کوچک خان]

اوضاع ایران

از رشت، به جریده، اگر می‌نویسند که نماینده میرزا کوچک خان، در رشت اولتیماتومی، به رئیس قشون روسیه در رشت داده که به حرکات خود سیرانه سالدها، خاتمه بدهند. در صورتی که جنوگیری نمایند، برای حفظ جان و مال اهالی، دسته‌های مسلح، وارد شهر خواهند نمود. رئیس قشون روس و نماینده، کمیته انقلابیون، یک توه برای حفظ شهر و منع حرکات سالدها، تشکیل می‌دهند.

این مسئله، را باید اظهار کرد که میرزا کوچک خان امروز بلشویک ایران است و معلماً صاحب و مالک گیلان و بعلاوه، اعتبار و نفوذ شهری را در دست. بدون اطلاع مرکز حکومت ایران، حکام را عزل و نصب و تمام گیلان و طالش را، تا آستار، در تحت اداره خود دارد. چنانچه معلوم است، معاون حکومت رشت را که حاکم رشت متوقف در تهران، معین کرده بود - در طرف بیست و چهار ساعت حکم کرده که باید از رشت خارج شود و بعد از حرکت او، برای یک مدتی، امررات رشت را، بر حسب دستور العمل میرزا کوچک خان، کارگزاری رشت اداره می‌کرد.

کار گزار، هر هفته به جنگل رفته و از اوضاع رشت، به میرزا کوچک خان اطلاعات می‌داد. چند روز قبل، امیر عشایر طالش

که از طرف میرزا کوچک خان، به حکومت رشت معین شده بود، وارد رشت شد. امیر عشایر، که با طالبشاهی مسلح در معیت خود، به رشت می آمد، میرزا کوچک خان، تا نصف طریق آورا (مشایعت نمود. اهالی رشت هم، پیاده و سواره و با موزیک و آواز هم غریبی، به استقبال حاضر شدند.

میرزا کوچک خان، نطقی خطاب به اهالی نموده، اظهار امیدواری کرد که در هر موقع اهالی، امورات راجع به سعادت و رفاهیت ملت، با حکومت همراهی خواهند نمود.

میرزا کوچک خان، با طالبشاه عداوت داشت و حتی زد و خوردهایی هم با آنها نموده بود؛ ولی چندی قبل، رفع رفتار نموده، آشتی کردند. حواین محلی خلخال، اهالی را غارت و یغما کرده اند و حالا، عائله ها، با حالنی پریشان، وارد شهر می شوند و از طرف کردستان و گروس هم، مهاجرین زیادی به شهر می آیند. فقیر، در شهر حینی زیاد است. قنٹ نان و گرانای اشیاء و ارزاق، روز به روز در از دیاد است. حکومت میرزا کوچک خان، برای ارزان کردن قیمت برنج، حمل برنج از رشت به خارجه را شدیداً قندغش نموده است. برای سایر شهرهای ایران اجازه حمل مقدار قبیل داده می شود. حمل برنج به روسیه اکیلا ممنوع و قندغش است و چون مالیات جدیدی به برنج ملاکین تعیین نموده است، قیمت برنج ترقی نموده است.

آچین سوز (۶۱)

[سند شماره ۱۵]

[اقدامات امیر عشایر]

مخبر مخصوص ما،

۱۹ ربیع الاول: آقای امیر عشایر، با چند نفر سوار وارد شدند، از طرف اهالی، استقبال شایانی به عمل آمد. جمعی از علماء، اعیان و تجار، به ملاقات ایشان رفتند.

امین ماله گیلان، از طرف هیات اتحاد اسلام، احضار و چند روزی است که در جنگل متوقفند. قشون روس، همه روزه وارد و به طرف روسیه حرکت می کنند. ولی از روسیه قشون وارد نمی شود. اهالی متوحش هستند که میادای قایم سایر ولایات، در اینجا تجدید شود. بعضی از کسب، دکاکین خود را اجالی کرده اند. از طرف نظمی، فروش متروقات، نه شور سخنی ممنوع و حتی انبارهای مشروب را مهروموم کرده اند.

اخباراتی که در حرالد مرکزی درج شد که آقای امیر عشایر اداره مالیه و قشونی را متصرف و اختطاری به نظمی کرده، بکلی بی اصل است.

مئات روس، به واسطه حرکت قشون، ناشش عباسی ترفی کرده و مجدداً منزل نمود. (۶۲)

[سند شماره ۱۶]

[گزارش رشت]

رشت: بی دربی قشون روس، وارد، تمام کاروانسراها و خانها را اشغال کرده و عده آنها، بالغ بر پانزده هزار نفر است. به واسطه از دیاد قوا، احتمال احتشاش می رود. چون حقوق نظمی، مدتی است نرسیده، اداره نظمی، قوه جنوگیری ندارد. میر محمد حسین خان رئیس مالیه را، چند روز است به جنگل برده اند.

امیر عشایر، مشغول تصفیة امورات می باشد. قوای جنگلیها، ناشنبه بازار، آمد و رفت می کند. (۶۳)

[سند شماره ۱۷]

[استعفای کفیل حکومتی]

بعد از امیر عشایر خلخالنی به سمت حکومت گیلان آقای معتمد السلطنه، که از طرف وزارت داخله، سمت کفالت امورات اداره حکومتی را هم عهده داشته از این سمت استعفای خودشان را به مرکز مخابره و بعد از آن، در امورات

حکومتی دخالت نکرده، کماکان مشغول رسیدگی به کارهای کارگزاری می‌باشند. (۶۴)

[سند شماره ۱۸]

رشت: نظمی، به واسطه تاخیر حقوق، تعطیل اداره قشونی، مباحث منصبان خود را توقیف کرده و تقاضای حقوق می‌نمایند. همه روزه شو لیرگ رئیس نظمی و رئیس قشون، جواب تلگرافات خود را از وزارت داخله و جنگ مطالبه نموده، کسب تکلیف می‌کند. (۶۵)

[سند شماره ۱۹]

[گزارش رشت]

بالکونیک فرمانده بریگاد تهران، بایست و دو نفر سالدات وارد غازیان و به روسیه حرکت کرد. شاهزاده محمدتقی میرزا رئیس قشون، تلگرافی به سردار همایون رئیس بریگاد مرکزی مخابره نموده که کمیته اتحاد اسلام، کلیه طلب اداره قشونی را می‌پردازد، به شرط آنکه از رشت خارج شوند. تکلیف چیست؟ رئیس نظمی، اطلاع می‌دهد تستی از آژانها که تعطیل کرده بودند - مجدداً مشغول کار شدند و تا اندازه‌ای که ممکن است، جلوگیری از سالدات‌ها می‌شود. میرمحمدحسین خان، تاکنون مستخلص نشده است. آقای امیر عشایر، مشغول رسیدگی به امورات است. (۶۶)

[سند شماره ۲۰]

راجع به نظمی جنگل

به موجب اطلاع خصوصی در مقابل تکلیف امیر عشایر و هیات اتحاد اسلام رشت در خصوص مراقبت انتظام آنجا در تحت نظر هیات، نظمی اخیراً تصمیم گرفته که تابع اوامر زمامداران فعلی آن جا بوده و از طرف امیر عشایر و هیات، حقوق عقب افتاده آنها حواله شده و قرار داده شد، بعد هم مرتباً بوجه نظمی آنجا ایرسانند و یکصد نفر سوار هم، برای معاونت نظمی از طرف امیر عشایر، معین شده است. (۶۷)

[سند شماره ۲۱]

رئیس نظمی گیلان

استعفای مسر شو لیرگ، قبول نشد و تلگرافی به او مخابره شد که چهار هزار تومان برات ارسال شده، مابین اجزای نظمی تقسیم نمایند تا تکلیف قطعی سپس از تشکیل کابینه، معین شود. (۶۸)

[سند شماره ۲۲]

[استعفای رئیس نظمی]

رشت: تلگراف واضحی به وزارت داخله، متعراست که مسر شو لیرگ با معاونش، بکلی از کار کناره کرده و از طرف هیات

اتحاد اسلام، مستقیماً در امرزات نظمیہ دشالت می شود. هر شب، عده ای از سواره های آقای امیر عشایر، در شهر و اطراف برای حفظ انتظام شهر مشغول گردش می باشند. (۶۸)

اسد شماره ۱۲۳

اوضاع گیلان

مخبر مخصوص ما، مورخ دوم ربیع الثانی می نویسد:

ورود سردار معین

روز جمعه ۲۷ ربیع الاول یک ساعت به غروب مانده، آقای سردار معین، در حالی که جمعی از اعیان و محترمین و علمای شهر ایشان را استقبال کرده بودند، وارد شهر شده و در منزل شخصی خودشان اقامت و تا روز دوشنبه [۳۰ ربیع الاول] تمام طبقات اهالی، دسته دسته به دیدن ایشان رفته، مشغول دید و بازدید بودند. روز شنبه امیر اسعد، بایک عده از همراهان خود به رشت وارد و عده ای هم ایشان را استقبال کرده، تا دو روز مشغول دید و بازدید شدند.

حرکت به کسما

روز دوشنبه آقای سردار معین و امیر اسعد، از شهر به کسما برای ملاقات هیات اتحاد اسلام رفته و تا به حال به شهر مراجعت ننموده اند. شایعات راجع به ورود آقای سردار معین، در بین مردم از هر قیل زیاد است.

اداره نظمیہ

به واسطه نرسیدن حقوق اداره نظمیہ و گسیخته شدن رشته انتظام آن اداره و اطاعت نکردن از آنها و نجریشان - که سبب هتک احترامات رئیس تشکیلات ممکن بود فراهم آید - هفته قبل مسیو شولیرگه، رئیس تشکیلات، مستعفی و از کار خارج شده، تلگرافی در این باب به تهران مخابره و از قرار اطلاع واصله، شرحی هم به کارگزاران - که هنوز ایشان را نماینده و مسی دولت می شناسند - نوشته، از تصمیم خود، معظم له را مطلع می سازند. از قرار معلوم، از طرف مقامات رسمی، آقای آقامیرزا ابراهیم خان معاون، به سمت کفالت اداره نظمیہ برقرار می شود و مشغول کار بوده اند.

کناره گیری

دو روز قبل آقامیرزا ابراهیم خان کفیل اداره نظمیہ، کناره گیری کرده و از کار خارج می شود و از طرف هیات اتحاد اسلام، آقامیرزا اسمعیل خان، به سمت ریاست نظمیہ برقرار شده، نظمیہ را کاملاً در تحت اختیار و تصرف خود درمی آورند. حقوق آنها را هم پرداخته و مشغول کار هستند.

ارسال حقوق نظمیہ

بعد از کناره گیری رئیس تشکیلات و تعیین میرزا اسمعیل خان به سمت ریاست نظمیہ، یعنی دو روز قبل، از مرکز چهار هزار تومان برای حقوق نظمیہ از تجارخانه تومانیانس ارسال گردید. ولی نظریه اینکه رئیس تشکیلات، سابقاً مستعفی و از کارها خارج شده بود، وجه مذکور را قبول ننموده است و آقامیرزا ابراهیم خان معاون هم بامیرزا عطاء الله خان رئیس محاسبات آن اداره، این دو روزه عازم مرکز می باشند.

حقوق بریگاد

سه روز قبل مبلغ دو هزار تومان از طرف وزارت جنگ، از بابت حقوق عقب افتاده سربازها و بریگاد رشت ارسال گردید. وجه مذکور دریافت و بین آنها تقسیم شده. ولی باین حالت پریشانی، نمی توانند خود را نگاه داشته، بین آنها، بعضی مذاکرات تولید شده است.

معرفی به ادارات

این دو روزه میرزا اسمعیل خان رئیس نظمیہ، منجد الهائی به ادارات و بعضی مقامات نوشته اند و انتخاب خودشان را به سمت ریاست نظمیہ، از طرف هیات اتحاد اسلام رسماً معرفی کرده اند.

مراجعت امین مالیه

میر محمد حسین خان امیر مالیه، که چندی قبل به جنگل رفته بود، روز دوشنبه به شهر مراجعت نموده، معلماً مشغول کار می باشند.

قشون روس





قشون روس، همه روزه بی درپی از طرف قزوین وارد می شوند. غالباً اسبهای خودشان و بعضی اسبهای دیگر را - که از قرار معلوم در سایر نقاط به یغماگری تحصیل نموده اند - به مصرف فروش می رسانند و تهیه منات می کنند. به این جهت، قیمت اسب خیلی تنزل کرده و در ده تومان و هشت تومان فروخته می شود. در بازار، دسته های ده پانزده نفری، در دکاکین مشغول خر بدبعضی اجناس می باشند و نظر به آنکه از طرف کارگزاری و بعضی مقامات، کاملاً در حفظ انتظامات شهر مراقبت می شود، خلاف انتظاری واقع نشده.

راجع به اغتشاش انزلی

نظر به آنکه قشون روس، در انزلی متعرض اهالی و کسه شده و مرتکب پاره ای عملیات بی رویه شده اند و بعضی از دکاکین و بازارها هم بسته شده، کارگزاری آنجا، مراتب را به رشت اطلاع داده است. کارگزاری گیلان هم در صدد جلوگیری برآمده، آقای آقامیرزا محمدخان معاون کارگزاری باریس قشون روس در رشت، ژنرال فین کف و قونسولگری، داخل در مذاکرات شده اند و از قراری که شنیده شده است، بالاخره موفقیت حاصل نموده و از اقدامات قشون در انزلی جلوگیری و برای آنیه هم قراردادی شده است که بدون هدمه و خسارت اهالی، قشون به روسیه برود.

فقرای شهر

امروزه می توان امیدوار بود که از توجه عامه خیرخواهان و نوع پرستان و کمک و مساعدت اهالی و کسه و هیات اتحاد اسلام، فقرای مهاجر کردستان، گروس و خمسه و سایر نقاطی - که به شهر وارد می شوند - وسایل آسایشی و رفاهیت آنها را از هر جهت فراهم و بخوبی زندگانی و معیشتشان فراهم شده است. الحق این عده، خدمت بزرگی که به عالم انسانیت نموده و جان یک ملت بدبخت گرسنه غارت شده را - که زن و مرد و بچه، قریب به هفت هزار نفر می شوند - خریده، از سرما و گر سگی محفوظ داشته اند.

قیمت منات

قیمت منات در این هفته از سیزده شاهی و سیزده شاهی و نیم ترقی نکرده، به همین مطنه مانده است. ولی عقیده بعضی تجار و ارباب اطلاع چنین است که ممکن است تنزل نماید.

عده قشون روس

فعلاً عده قشونی که در شهر متوقف است، قریب به پانزده هزار نفر و از طرف قزوین هم وارد می شوند و بدون آنکه نتوانند مزاحم اهالی شوند، از طرف کارگزاری برای آنها تهیه مترو و جامی شود و بجمعا... اهالی گیلان، از محاطرات آنها تا به حال محفوظ مانده اند. (۷۰)

[سند شماره ۲۴]

اوضاع رشت

مخبر مخصوص مأمور مخ ۱۲ جدائی الاول اخوت امی نویسد:

اداره مالیه

مشغول جمع آوری مالیات شده و با نهایت سختی و جدیب، مالیاتهای معوفه را وصول می نماید. از چندی قبل به این طرف، هیچ وقت اداره مالیه، به این ترتیب موفق به وصول مالیات شده و حتی مالیات اشخاصی که از چند سال قبل به این طرف باقی مانده، وصول می شود.

کارگزاری:

چند روز است در شهر منتشر شده که وزارت امور خارجه، در صدد تغییر میرزا محمدخان معاون کارگزاری برآمده و می خواهند دیگری را به جای ایشان منصوب نمایند. این خبر سوء اثر نموده عامه مردم از این اقدام وزارت، نگران هستند و چون میرزا محمدخان، در مدت مأموریت خود، به صحت عمل رفتار کرده، اهالی به خود ایشان مراجعه نموده و صحت و سقم این خبر را استفسار کردند. ایشان اظهار داشتند که من، مطیع اوامر وزارت هستم. با این حال تلگرافاتی از طریق کمیته و تجار و علماء غیره، به وزارت امور خارجه مخابره و نیز نمایندگان هیات اتحاد اسلام، پاره ای مخابرات نموده، ابقای میرزا محمدخان را تقاضا کرده اند.

اعزام اداره تحقیقات و نماینده مالیه

چند روز قبل از طرف هیات اتحاد اسلام، عیانی به تشکیل اعزام شد که شعبات دو ایر تحقیق را در آنجا دایر نمایند و نیز

نماینده از طرف اداره مایه دمور گردید که تاسیس اداره مایه در تنکابن و اضراف بنمایند. زیرا تاکنون هیچک از ادارات و دو اردوشی در تنکابن تاسیس نگردیده است.

روسها

روسها - کماهی اسبایق - از قزوم به رخت و وارد و به طرف انزلی و روسیه حرکت می کنند. اغلب اسبایق خودشان را از قبیل ملبوسات و تختک و اسب، به معرض فروش درمی آورند و در عوض، انبیهی از قبیل سیگار و گالش و پارچه و کفش می خریدند و غالب آنها یون زیادتی دارند که تبدیل به منات می نمایند. معلوم نیست که از چه راه تحصیل نموده اند.

خبر اغتشاش باکو

چند روز است که در رشت اخبار مرحش، راجع به وضع باکو شایع است و به این مناسبت از حرکت مسافریین به طرف روسیه، حذر گیری شده است.

ارزاق

ارزاق، فوق العاده گران است. این روزها برنج، هم نرفی کرده است. نرخ منات که غلام، به پانزده شاهی رسیده است. (۷۳)

[سند شماره ۲۵]

امور قضایی کیلان

به قراری که از رشت به ما می نویسند، آقای شهیدزاده کفیل امور عدلیه آنجا، در صحت جریان امور عدلیه موافق مقررات قانون، مساعی مؤثره به عمل آورده، از تاریخ اول حمل محکمه خلاف را، که سابقاً در تقسیمه بود - مطابق اصول قوانین موضوعه قضایی، در اداره عدلیه دایر کرده اند. همچنین محاکم تحقیقاتی - که از طرف هیات اتحاد اسلام در تمام قطعات کیلان و تنکابن و آستارا و خلخال و طارمات دایر بود - با موافقت نظر هیات، تمام آنها را تابع عدلیه مرکزی رشت قرار داده و مطابق قانون، تبدیل به محاکم بدایت و صلحیه نموده اند. (۷۲)

[سند شماره ۲۶]

[آرم شیر و خورشید] وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه کیلان، نمره ۱۹۶،

پنجشنبه دهم جوزای نیلان نیل [۱۲۹۶]، سواد مرانسه مفتش مالیه کیلان به هیات اتحاد اسلام

خدمت جناب ... (۷۳) آقای میرزا کوچک خان، نیراقباله

لزو ما برای استحضار خاطر شریف، تصحیح افزای شود که این بنده، از طرف اولیای دولت عیبه، مامور نقضین امور مالیه کیلان بوده، حسب الوظیفه باید تمام نواقص - که در گردش چرخ مالیه این ولایت مشاهده می شود - به عرض اولیای محترم دولتی رسانیده و راه اصلاح آن را نیز به عرض برساند.

در مقابل توضیحاتی که از اداره مالیه برای حل عدم وصول یک قسمت از مالیات پاره ای بلوکات از قبیل فومن و گسگر و ماسوله و شفت خواسته شده، عت و اعدم امکان اعزام مامور به بلوکات مزبوره و عدم پیشرفت کار از ماهوری که فرضا اعزام می شده، بشود ذکر می نمایند. در صورتی که سابقاً مطابق شرحی که از طرف جنابعالی با همراهمان جنابعالی، در جریده ایران منطیعه تهران دفاع شده بود، تصریح شده است که معاهدین مقیمین جنگل، به هیچ وجه مانع وصول مالیات دولت نبوده و نیستند.

فی الحقیقه میرزا این هم انتظاری از طرف جنابعالی و همراهمان جنابعالی، مردم این مملکت نداشته و ندارند و فرضاً تقاضایی هم از اولیای دولت داشته باشند، به هیچ وجه مربوط به عدم وصول مالیات نبوده و نباید رانسی به زمین خوردن مالیات بشوند. لهذا نظر به اینکه این بنده، جداً مصمم است که اداره مالیه کیلان را وادار به وصول و یصال مالیات هاده استه و تصفیه محاسبات سنه ماضیه و اخذ بقایا نماید و برای بلوکات مذکوره قرض، مساعدت باغنی و حمینی جنابعالی شرط است.

نظر به وظیفه ای که دارد، از جنابعالی متمنی است در این باب، صمیمانه از بدل مساعدت بنده مضایقه نفر مایند و چنانچه در این باب با نظریات این بنده موافقت فرموده و عتد مساعدت جدی می فرمایند، جواباً مرفوم بقر مایندت و در تمام امور بینی

که لازم است به محل بلوکات مذکوره فوق اعزام شده و مطابق تعلیماتی که به آنها داده می شود، اقدام به تصفیه حسابات گذشته و وصول بقایا و وصول مالیات هذه السه بکنند. منتظر بشارت جواب فوری است.

(سواد امضاء ۷۴)
۲۴۰.۸۷.۴۶.۱۳

مفتش مالیه گیلان

[اسد شماره ۲۷]

[آرم شیر و خورشید] وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه گیلان، نمره ۵۴۰،

مورخ سیزدهم شعبان ۱۳۳۵، سواد مراسله جوابیه هیات اتحاد اسلام، به مفتش مالیه گیلان

مرقومه راجع به تفتیش مالیه این حدود؛ البته نیت خالصانه هیات اتحادیه اسلام، بر احدی پوشیده نبوده و همه وقت به عموم، خاطر نشان نموده ایم که مقام اعلاهی ملوکانه را مقدس شمرده و اوامر شاهانه را امثال داشته و داریم. در موضوع وصول و ایصال مالیات و حقوق دولتی، هرگز تعرض نکرده و تاکنون به دیناری از عایدات جاریه رسمی مداخله ننموده ایم. در صورتی که مأمورین، از برای تفتیش مالیه به این حدود بخواهند بروند، البته به هر نقطه منظوره می توانید مأموریت مرجوعه خودتان را انجام بدهید.

محل مهر اتحاد اسلام گیلان
سواد مطابق با اصل است (امضاء) محمدحسین الحسینی (۷۵)
۲۴۰.۱۵۳.۹.۱۷

[اسد شماره ۲۸]

[آرم شیر و خورشید] اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از رشت، به تهران،

نمره تلگراف ۱۲۹، تاریخ اصل ۳، تاریخ وصول ۴ اسد

حضور جناب اجل آقای مصدق السلطنه معاون وزارت جلیله مالیه، دامت شوکته. مستدعی است برای اصغای پاره ای عریض مهمه راجع به امور مالیه گیلان، به قدر نیم ساعتی صرف وقت فرموده، به تلگرافخانه تشریف بیاورید. چنانچه به وسيله عرض راپورتها و تلگرافات معموله، تصور رفع محظورات می نمود، حضرت اجل عالی را جبار نامصدع نمی شد.

مستدعی است سه چهار ساعت قبل از وقت، ساعت تشریف فرمایی را توسط تلگرافخانه اعلام فرمایند تا در موقع حاضر شود.

مفتش مالیه گیلان محمدحسین الحسینی (مهر تلگرافخانه مبارکه تهران)

[در حاشیه آمده است] به عرض می رسد که هر طور امر و مقرر فرمایند، اجرا شود. ۵ اسد ۳۵ مصدق
[در ادامه حاشیه] البته تشریف ببرید.

[در ادامه حاشیه] کابینه فوری. تلگراف نمایند روز پنجشنبه دو ساعت به غروب مانده، در تلگرافخانه حاضر باشند. ۷ اسد ۳۵ مصدق. (۷۶)

[اسد شماره ۲۹]

[آرم شیر و خورشید] وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه گیلان، نمره ۳۸۵،

مورخ هفتم اسد نیل ۱۳۳۵، سواد مراسله مفتش مالیه گیلان، به هیات اتحاد اسلام

خدمت هیات محترم اتحاد اسلام. دامت تائیداتهم.

چندی قبل بر حسب تعلیماتی که داشت، توسط جناب ... (۷۷) آقای زاکوچک خان. دام اقباله، از آن هیات محترم استفسار

نموده، در صورتی که با وصول و ایصال مالیات دیوانی بلوکات فورن و کسبو گسگر و ماسوله - که چندبیت یک قسمت آن معرفی مانده - مراقفت داشته باشند.

جواباً مرقوم فرمائید تا اقدامات لازم در این باب به عمل آید. لکن جوابی که از آن هیات محترم در این خصوص زیارت شده، فقط مشعر بر این بود که هیات محترم، مانع تفتیش بنده در امور مالیات آن حدود نمی باشند و ممکن است به آن حدود عزیمت کرده و تفتیشی که مفتضی است، به عمل آورد. ولی جواب صریحی برای مسئله وصول و ایصال مالیات و موافقت هیات محترم، که یگانه وسیله انجام مقصود است - مرقوم نفرموده بودند.

اینک که چند روز است از مقام محترم وزارت جلیله مالیه، تعلیمات موکده رسیده است که در صورتی که آقایان مجاهدین مضمین جنگل، مطابق اشعارات متواتر خودشان با وصول مالیات و اجرای احکام دولتی مخالف نبوده بلکه موافقت هم دارند، لازم است تا موقع وصول و ایصال مالیات نگذشته، با هیات اتحاد اسلام ملاقات کرده و تحصیلداران، برای وصول مالیات هذه السنه و سنوات ماضیه بگمارید.

لزو ما چهار روز قبل مسئله را به توسط آقای آقاسید حجت... که به رشت آمده بودند اشعار داشته و منتظر جواب فوری بود که تاکنون زیارت نشده و لهذا اینک نیز به وسیله این مراسم، مراتب را خاطر نشان آن هیات محترم نموده، متنی است چنانچه با ترتیبات مذکوره فوق موافقت می فرمائید، فوراً جواباً مرقوم فرمائید که عازم آن حدود گردیده و پس از ملاقات و زیارت اعضای هیات محترم، قرار این کار داده شود و عجله نیز برای آن است که سال به اوسط رسیده و مرقع وصول و ایصال مالیات، از دست می رود.

امضاء: سواد (۷۸)

۲۴۰.۸۷.۴۶.۱۴

[ستد شماره ۳۰]

آرم شیر و خورشید [وزارت جلیله مالیه، اداره مالیه گیلان، نمره ۸۱۲۶
۱۲ شوال ۱۳۳۵، سواد مراسله جوابیه هیات اتحاد اسلام به مفتضی مالیه گیلان

رقیمه نحت نمره ۳۸۵ راجع به وصول مالیات فورنات و اصل گردید. سابقاً خاطر نشان شده بود که ملح از وصول مالیات دولت نبوده ایم. مجدداً به وسیله جناب اجل آقای عزت... خان، تقاضای جواب فرموده اید، لزو ما تصریح می دهد به هر وسیله که می دانید اقدام در وصول مالیات فرمائید. کسی مزاحم نخواهد بود.

هیات اتحاد اسلام

(این مراسم بدون مهر است.) سواد مطابق با اصل است امضاء: محمد حسین (۷۹)

۳۴۰.۱۵۳.۹.۱۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

[ستد شماره ۳۱]

آرم شیر و خورشید [وزارت مالیه، اعلان اداره مالیه، نمره ۱۵۴۸
چهارشنبه هفدهم اسد [۱۳۳۵]

در این مرقع که از طرف مقام منبع وزارت جلیله مالیه، اوامر موکد برای وصول و ایصال سریع مالیات گیلان صادر شده و از طرف هیات محترم اتحاد اسلام و مجاهدین مضمین جنگل نیز، خاطر اداره مالیه کاملاً از مساعدت آنها در وصول و ایصال مالیات مطمئن گردیده.

اداره مالیه گیلان برای بلوکات فورن، شفت، گسگر و ماسوله چند نفر تحصیلدار لایق و کافی و صحیح العمل با اطلاع لازم دارد. به موجب این اعلان، به عموم اشخاص که خود را لایق مشاغل مزبوره دانسته و داوطلب هستند - اخطار می شود که داوطلبان خود را در ضمن مراسم اشعار و به اداره مالیه ارسال کنند تا پس از ملاحظه آن، قرار انتخاب و اعزام مامورین داده بشود.

مخصوصاً لازم است در درخواست خدمتی که داده می شود سابقه خدمت، معلومات و ترتیب ضمانتی را [که خواهند

[سند شماره ۳۲]

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، دهم سنبله ثیلان نیل ۱۲۹۶

اداره جلیله مایه گیلان

در تعقیب عربیسه نمره ۸۳ عرض می شود، در مدت سه ماه توقف در گرگان و در به مقدار مقدور در تریب مالیات آنجا اقدام و قریب به یکهزار تومان اصلاً و فرغاً مطابق صورت جزوی، که تقدیم شده از مالیات هذّه آنسته وصول و به حواله آن اداره جلیله انخوانا و حکومت پرداختیم و برای اینکه مبلغی از مالیات متنازع فیه هر یک از مباشرین و روسا برداشت آن رایه عهده دیگری محول می داشتند، قرار داده که همگی در یک روز معین به اداره مایه آمده، حضور آژدار کرده و انتظامی در عمل مالیات داده شود.

ضمناً در آن ایام خیر و رود، قاسم را کوچک خان سردار ملی به گرگان رود، منتشر شد. این بنده، به ملاقاتشان مشرف شدم. در موضوع مالیات، مذاکرات بسیار شد. حضور اظهار داشتند تا زمانی که اولیای محترم امور، با مرام هیات اتحاد اسلامی موافقت نفرمایند و جواب عریض و شکر اقامت عذیده ای، که از طرف هیات به تهران مخابره شده ترسد، عمل مالیات صحیح طوالتش و به حالت معتقه باقی خواهد ماند و هیات هم در عمل مالیات، به هیچ وجه مداخله نموده و دیناری در هیچ موقع مایه نخواهند داشت و بهر حال فرمودند که پس از وصول جواب تلگرافات، همه قسم از طرف هیات در وصول مالیات مساعدت شده و بدون صرف قوه و مخارج فوق العاده، تمام مالیات خمس طوالتش وصول و به خزانه دولت عاید خواهد شد. در خاتمه مذاکرات اظهار داشتند که مأمورین مایه رایه رشت مراجعه بدهم و وعده کردند که رئیس تحقیقات گرگان رود، فرار پرداخت حقوق گذشته و مخارج اداری را داده و تکلیف چاکر را معلوم خواهند نمود. پس از حرکت آقای سردار به طرف خلخال، چند روزی هم در بیلاقی گرگان رود معطل ماندند و بالاخره برای کسب تکلیف، مجبور شدم به رشت بیایم. استدعا می کنم در طرف امر و تکلیف بنده را معلوم و مطابق صورت جمع و خرجی که تقدیم کرده ام، بقیه طلب چاکر را مقرر فرمائید صندوق مایه رشت برادرند که رفع آلودگی نموده و قروض خود را ادا نمایم. در خاتمه فصولاً عرض می نمایم، به عقیده بنده اولیای امور باید از همجو هیاتی که از عناصر صالحه تشکیل و همگی برای استقلال دولت و حفظ وطن، جان و مال خود را فشان کرده و می کنند، استفاده نموده، از بدل هر قسم مساعدت با مرام و نیات حسنه آنها کوتاهی نفرمایند و وجود چندین هزار نفر قشون منظم مسلح فدایی، که بدون دیناری تحصیل به مایه مملکت، خود را وقف نرفی و تعالی دولت کرده اند، معتمد شمرده، خدمات عمده به آنجا رجوع نموده او ضمناً مالیات گیلان را بدون زحمت وصول نمایند.

سواد مطابق با اصل است (امضاء امجد حسین ۸۱)

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، نمره ۳۳۳۳، ۲۴ سنبله ثیلان نیل ۱۳۳۵، ۱۲۹۶] رشت

مقام منبع وزارت جنبه مایه (کابینه)

میرزا علی اصغر خان، مدیر مایه طوالتش، چند روز قبل از محل اقامت خود، که قصه گرگان رود است، حرکت کرده و وارد رشت شد. در مقابل توضیحاتی که در خصوص علت حرکت، از مشارایه خواسته شده، راپورتی را که سواد آن، تلو آنقدیم می سود، داده است.

این بنده، در این باب با هیات محترم اتحاد اسلام، داخل مذاکرات شده و نتیجه رایه عرض خواهد رسانید. فعلاً بدون آنکه در این ماده بخصوص یعنی امر مالیات طوالتش بر حسب راپورت فدوی اقداماتی فرمائید، مستعدی است چنانچه در راپورت میرزا علی اصغر خان ذکر شده، خاطر محترم هیات دولت را اساساً به تقاضای هیات اتحاد اسلام متوجه فرموده و فرار آسانی برای تمناهای آنها داده شود و ضمناً مالیات هم مرتباً وصول و ایصال گردد.

[سند شماره ۲۳]

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، نمره ۳۰، ۸۴۳۸، سرطان ۱۹۷ [۱۲]

مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکته

در تکمیل راپورت نمره ۱۴۱۸ راجع به عملیات اخیر هیات اتحاد اسلام، معروض می دارد:

از زمانی که بلوکات فومن و شفت و گسگر و ماسوله در تحت اشغال هیات درآمده و نمایندگان مالیه، از آن حدود خارج گردیده و چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، امکان اعزام مأمور به آن نقاط نبود و غالب مالیات سنتین لوی نیل و نیلان نیل بلوکات مزبوره در محل باقی بود، تا آنکه پس از مداخله هیات در امور مالیه، شعبه مخصوص برای وصول مالیات آن حدود تاسیس نموده و میرزا محمد خان مدیر مالیه انزلی برای ریاست آن صفحات اعزام داشت و مرکز شعبه مزبوره، در فصبه صومعه سرابر قرار گردیده بود.

شعبه مزبوره تقریباً از هفتم برج دلو نیلان نیل [۱۲۹۶] تاسیس گردیده بود و در این مدت، تقریباً سه هزار و هشتصد و چهل تومان از مالیات سنتین آنجا وصول شده و چون موقع محصول نبود، قسمت عمده مالیات به موقع محصول هاده السنه موکول گردیده بود.

در این محل شروع به ممیزی مستغلات بلوکات مزبور گردیده و تقریباً هر طور بود ممیزی مستغلات آن حدود، قریب به اتمام است. بعلاوه امور ذیابح بلوکات مزبوره نیز، در تحت تنظیم آمده و نسبت بر عایدات سابقه آن، افزوده گردید. و از همه حیات امور مالیه، انجا، رو به اصلاح گذارده و پس از دو سال بلا تکلیفی، در جاده و جریان طبیعی افتاده بود.

تا آنکه واقعه منجیل پیش آمده و نماینده مالیه، مجبوراً به شهر معاودت کرده است. در این موقع بکلی راه بلوکات مزبوره، مسدود و کارکنان هیات اتحاد اسلام [ناخوانا] گذارند احدی به آن حدود رفته و پیاره شهر بیاید. عجلاناً امور مالیه بلوکات مزبوره، به حال دو سال قبل است.

امین مالیه گیلان محمد صادق زاده (امضاء) (۸۳)

[سند شماره ۳۴]

[آرم شیر و خورشید] خزانه داری کل ایران، نمره ۱۵، ۱۸۷۳، سنبله ۱۲۹۷، رشت.

مقام منبع وزارت جلیله مالیه، دامت شوکته

از روز شروع انقلاب تاکنون که یک ماه و نیم می گذرد، دو مرتبه که اطلاع حاصل کرده است، وسایل حرکت پست دولتی فراهم گردیده، از تقدیم راپورت های مقتضی - که متضمن مطالب مهمه راجع به امور اداره مالیه بوده است - مضایقه نکرده، به علاوه تلگرافاتی هم عرض که متأسفانه به جواب هیچ یک تاکنون نایل نگردیده.

اینک هم در تعقیب تمام راپورت های قبل، ادای وظیفه می نماید و خاطر مبارک را از و ما مستحضر می سازد که چون قراردادی بین قوای نظامی دولت فخریه و کمیته محترم اتحاد اسلام بسته شده و به موجب آن قرارداد، تعرضات از طرفین متروک و عجلاناً اطمینانی حاصل است که بعدها دیگر بدانی حاصل نمی شود. این است که اغلب نمایندگان و کارکنان کمیته محترم اتحاد اسلام، به طور آزادانه قسمتی به شهر مراجعت کرده اند. کمیته محترم اتحاد اسلام هم به نام استقلال و استقرار مملکت در همان بلوک فومن متوقف و تعصبات خود را راجع به اصلاحات و ازدیاد عایدات مملکت جداً مشغول تعقیب شده اند. عجلاناً اول قدمی که برداشته اند راجع به تشکیلات مالیه و نسخ ترتیبات گذشته و آن مالیات سابقه می باشد. چنانچه جناب آقای میرزا رضا خان افشار را، که چندی است داخل این جمعیت و مخصوصاً یک عضو عامله در این گفتگو و اصلاحات بوده اند، دیر و ز که سه شنبه (۱۱) برج جاری بود به اداره مالیه ورود و به موجب حکمی که از کمیته اتحاد اسلام خطاب به خود معزی الیه صادر [شده بود] قرائت گردیده، به سمت مدیری و پیشکاری کلی دوایر مالیه انتخاب کرده اند.

اجمالاً اینکه گمان می کند کار گزاران وزارت جلیله، علماً و عملاً معرفت کامل در حق ایشان داشته باشند. زیرا احکامی

که از خزانة و وزارت مالیه در زمان تصدی خدمت خود در دست دارند، سوادش را مخصوصاً بلده برداشته و لفاً تقدیم می‌دارد، منجم می‌شود در زمان کفالت مرحوم منتخب الذیولہ، چندی در محاسبات کل جزائیه و بعد در اداره صدور حوالجات عضویت داشته‌اند و پس از آن هم به امر وزارت جلیله مالیه، مأمور رسیدگی به محاسبات وزارت داخله منصوب، که مدتی هم به این مأموریت اشتغال داشته‌اند.

در هر صورت از ساعت ورود، مطابق تعلیمات کمتہ اتحاد اسلام، مشغول رسیدگی به محاسبات گذشته اداره مالیه و شعبات و نیز اداره تحدید شده‌اند و نظریات سابق هیات اتحاد اسلام را جمع به ترمیم مالیه برای اخذ یک عنبر عین جنس به عنوان مالیات، یعنی آنچه در سهمی شخص مالک تعلق می‌گیرد، جداً تعقیب و مشغول تهیه مقدمات و فراهم کردن اوراق و منزومات کار شده‌اند.

البته در این موقع و با قوای موجوده، که مجموعاً اجرای این عملیات تهیه نموده‌اند، به تمام بلوکات مأموریت، اجراء عوام خوب عمل نمود، گمان نمی‌کنند از طرف مالکین اظهار عدم مساعدتی بروز نماید و چنانچه عده‌ای مخالف و بر علیه این عملیات قیام نمایند، محقق است که زحمتی از برای خود زیاد و بلکه این مخالفت، نتیجه عقاید فکریه آنها را بحریمی ثابت می‌کند که هر وقت از طرف دولت تصمیمی برای ازدیاد عایدات یا اضافات اتخاذ شده، در عدم پیشرفت آن، عده‌ای به مخالفت قیام کرده و متعزقلم رفته‌اند.

بنابراین ملا حفقات فوق، به قسمی که اظهار می‌دارند، به امین اجراء (ناخوانا) عملیات و پس از آن که شروع به اخذ عشر شده‌اند، در هر برج جمعاً فرجاً صورتی از محاسبات تقدیم وزارت جلیله مالیه خواهند کرد. حال مقتضی آن است که کار گزار وزارت جلیله مالیه در زمینه این کار، کاملاً غور و دقت نظری فرمایند و یا مقتضیات موجوده، که آمال و مصالح مسلکتی را مقتضی خواهد بود، و صریحاً... و سریعاً تعیین تکلیف فرمایند.

این را بورت، فقط برای کسب تکلیف و ادای وظیفه و رفع مسئولیت عرض شده که اگر تعلیماتش در نظر دارند، فوراً اعلام فرمایند.

امر، امر مبارک (امضاء)

(در حاشیه، آمده است) در نظر است که عتقرب پیشکار مالیه تعیین و روانه شود، در این صورت فعلاً اقدامی ندارد، ضبط شود. (امضاء) (۸۴)

[سند شماره ۳۵]

از انزلی

مدتی بود که در منطقه تقو از طرف جنگلیها قدغن شده بود که قند استعمال نکنند. تقریباً از لنگرود تا لاهیجان الی خلخال به ترتیب مجری می‌شد. ولی انزلی به عادت سابق از استعمال قند و جای گوناگونی نمی‌کردند تا اینکه قدری از حیث برنج در مصیغه واقع شدند و بیم می‌رفت که شاید از دهات برنج وارد نشود، تا دو روز قبل از طرف جنگلیها، دوستانه بستن قهوه خانه‌ها احظان شده بود. دو روز است که اغلب دکاکین و قهوه خانه‌ها بسته شده و عده‌ای هم که باز است، با کشمش چای می‌دهند. ساداتها به واسطه فدعین خرید قند از کیر و آنکه ۱۵ و ۱۰ به ۶ منات تنزل داده‌اند و کسی نمی‌خورد، منات حالیه ۶ شاهی است. (۸۵)

[سند شماره ۳۶]

[قدغن فروش چای و قند روس]

از انزلی

... ۱۶۱ دیروز مجدداً قدغن سخت در فروش چای شده است. چه که قهوه چیان جای را با کشمش می‌بردند، ولی مخفیانه قند هم می‌دادند. (۸۶)

سند شماره ۳۷

[مصادره املاک]

اخیراً حکمی از طرف اتحاد اسلام و جنگیها به تمام نقاطی که شعبه دارد، انتشار داده شده که کلیه املاک متعلق به هر کسی بوده باشد، توقیف و محصول آن را ضبط نمایند. به فرار ننگرانی که دوروز قبل رسیده، املاک اغلب از رجال و ملاکین تهران را توقیف کرده اند. (۸۷)

سند شماره ۳۸

[توقیف املاک]

جنگیها، به واسطه زیاد شدن قوا و کمی وجه، مقداری املاک اهالی تهران را توقیف کرده و تقاضای وجه برای مصادره خود نموده اند. (۸۸)

سند شماره ۳۹

[از رشت]

مجنبر مخصوصین ماه مورخ چهارم قوس (برآمد صفر از رشت می نویسد: اوضاع رشت به واسطه نبودن حکومت، رضایت بخش نیست. ارزاق فوق العاده گران، نان یک من سه یک تومان، برنج صدری که هر باز عیارش از بیست من شاه می باشد، بیست و دو تومان و چنای و برنج خوراکی سیزده الی چهارده تومان، فقرای زیادی از اطراف خمسه و خلخال به رشت آمده و با یک حالت فلاکتی در گوشه بقعه ها زیست می نمایند. بر حسب نصوب و تصمیم هیات مقدس اتحاد اسلام، فقرارادر میان اعیان تقسیم نموده اند که در مدت پنج ماه متکفل مخارج آنها از شام و نهار و لباس و غیره باشند. آنها هم هر یک به میل خودشان عده ای را قبول و به دعوات های خودشان روانه نمودند.

قشون روس هم، در شهر متوقف و معترض احدی نیستند. هیات اتحاد اسلام مشغول تربید عده خودشان می باشند. برای تقسیم عده شان دو نفر از صاحب منصبان تقیمه نصرت اند. خان نایب اول و علی اکبر خان نایب دوم به جنگل رفته اند و اعیان اتحاد اسلام خیال دارند که از مالکین و اعیان پولی بگیرند. اهالی هم اجتماع نموده و گویا ننگرانی هم مخیره نموده باشند. (۸۹)

پروبوگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کلیان
پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۴۰

مجنبر ماه مورخ ۲۳ صفر از رشت می نویسد: (۹۰) این چندروزه مقدار زیادی قشون وارد رشت شده و به روسیه رفته اند. ما مورین جنگیها هم، در تمام فرا و قصبات اعتراف پراکنده و صورت محصول را برمی دارند و از رعایا التزام می گیرند که ابداً برنج خود ندهند و خودشان متدرجاً مشغول وصول پول و برنج می باشند. آنچه معلوم است، گویا تا دو سه روز دیگر تکلیف قطعی معین شود. (۹۰)

سند شماره ۴۱

[مساعدت]

ما مورین جنگی، از هر قوه ملی برنج یک تومان دریافت داشته و به این واسطه اهالی، از دادن مالیات امتناع ورزیده اند. دولت

به صاحبان املاک که در تهران هستند، مراجعه و از آنها تقاضا کرده است که به واسطه بی پولی خزانه، مطالبات خودشان را بپردازند. عجباً! بعضی از آقایان از قبیل منیرالدوله و مومن اسلک و چند نفر دیگر با دولت مساعدت کرده و مالیات خود را پرداخته‌اند. سایر ملاکین، هنوز اقدامی ننموده‌اند. (۹۱)

[سند شماره ۴۲]

حمل برفج

رشته رایبورت و اصله، شعراست که هیأت اتحاد اسلام، معادل دو بیست خرواز برفج برای غله اهالی تهران تخصیص داده، و سبیل حمل و نقل آن را هم خودشان عهده دار شده که زودتر حمل گردد. (۹۲)

[سند شماره ۴۳]

برنج

رشته کارگزاری از کما تلگرافات می‌کند: برای حمل برفج اقدامات به عمل آمده، دو هزار قوطی برفج از طرف اتحاد اسلام، مجانی برای تقرای تهران تخصیص داده شده بوده، به توسط حاجی قوام انتحار حمل و برفج خریداری شده نیز به توسط رضازاده ارسال تهران شده است. (۹۳)

[سند شماره ۴۴]

برای تقسیم برفج

مقداری از برنجی که از طرف هیأت اتحاد اسلام به نظارت آقای وزیر فواید عامه تخصیص و حمل شده بود، از دو روز قبل به مرکز رسیده و متدرجاً وارد می‌شود. از طرف آقای وزیر داخله اشخاص صرف اعتمادی برای تحویل گرفتن انتخاب شده و نیز کمیسیونی در وزارتخانه مزبور، متعقد گردید. (۹۴)

[سند شماره ۴۵]

[گزارش رشت]

از رشت ۱۱ شعبان به مامی نویسنده:
دو روز قبل از طرف بندیه اعلانی بدین مضمون در شهر رشت منتشر گردید.
اشخاصی که مایل به تعمیرات ابنیه‌ها می‌باشند، باید قبلاً به اداره بلدیه اطلاع بدهند، پس از آن بلیط و حوازی گرفته مشغول شوند. کسانی که ابنیه جدید می‌خواهند بنا نمایند، باید یک هفته قبل به بلدیه اطلاع دهند تا معمار بلدیه مشغول تدارک نقشه ابنیه مزبور گردیده، صاحبخانه باطر حریزی معماری مزبور باید عمل نماید. پس از اتمام ابنیه، تومانی دو بیست دینار به بلدیه باید بدهد و اگر دریچه و پنجره خواست به طرف کوجه باز کند، به هر پنجره و دریچه یک تومان و برای دروازه خانه دو تومان باید به اداره بندیه تقدیم دارد. در صورت تخلف، صاحبخانه مشغول و در مقابل دریافت خواهد شد. یک هفته قبل عده‌ای از فقهای رشت و از دو مشغول دزدی و آتش زدن دکاکین و خانه‌ها شدند. به محض اطلاع، نظمی در کمال فعالیت مشغول حفظ انتظام گردید و از طرف کفیل حکومت معین کارگزار شهر نظامی شد. چهار از سب گذشته بدون بلیط نظمی هر کس و هر که باشد توقف و اگر مستحقین شهر از چهار به آن طرف کسی را دیدند، بدون ملاحظه او را گرفتار و در صورت تخلف مامورین، حق زدن عابر را دارند. تقاضای شهر در کمال امنیت است.

چون از طرف بندیه حمل برنج به خارج قدغن گردیده، برنج مولای دو من و نیم تریز، که یک من سنگ اویاری باشد ۱۲۰۰ فران است و روز به روز در تنزل است. در پل عراق قریب دو هزار و پانصد نفر از فقرا را نگهداری کرده، همه روزه نقری یک چارک برنج از طرف هیات اتحاد اسلام، داده می شود و نهایت توجه را می نمایند. حین و صد حیف که شهر به این معمری به بین آبادی و با این کثرت جمعیت اداره حفظ الصحه ندارد و یک نفر ضیب از طرف دولت مامور امور صحیه این مملکت نیست. حصیه بیاد کرده روزی چهل اتی پنجاه نفر از این مرض تلف می شود. شهر کیف و بوی عفونت ماهی و غیره و گندابها، فضا را گرفته همه روزه مردمان بیچاره گرفتار امراض می گردند. خوب است حساب دولت به فکر رعایای گیلان هم باشند.

صاحب منصبان عثمسی که چندی قبل به عزم جنگل و دیدن جنگلیها به رشت آمده اند، نقداً محترمانه در آتشگاه یک فرسجی شهر رشت متوقف می باشند. از طرف هیات، مهماندار بهی و نذراک گردیده و یک عده از صاحب مفسان ازان هم از جنگلیان، مستحفظ ایشان می باشند.

(برائوف) می خواهد با عده موجوده در قزوین یک مرتبه به طرف روسیه حرکت کند. جنگلیان از این اقدام جلوگیری کرده و نمی گذارند. می گویند برای حفظ امنیت باید متدرجاً بیاید و بروند. باز اطف اطمینان ندارد و در قزوین مانده و از جنگل هم همه روزه سوار و پیاده نظام به منجیل و راههای بین رشت و منجیل می نروستند. ویر تعداد قوای می فرایند و پشت به پشت منظم و در سنگرهای خود مرتباً مشغول کشیک می باشند و در خود رشت هم عده کافی موجود و حاضر به رکاب از نظام و مجاهد هستند. (۹۵)

[مسند شماره ۴۶]

جمع آوری اعانه

از رشت خبر می دهند که چندی است از طرف جنگلیه، به عموم مالکین کل اخطار شده که آنچه برنج موجودی دارند، از فراز هر فوطی - که عبارت از چهار من شاه است - یک تومان اخذ شود و عجاناً مشغول جمع آوری هستند. مسیو خاریلانوس - که شهیندر عثمانی بود - دارفانی را وداع کرده نعلش او را با کمال حلال و شکوه به کلیسای یونانی برده در نضیع جنازه قونسول فرانسه و انگلیس حاضر بودند.

شجاع الدوله که از طرف جنگل مامور حکومت لنگرود است - مشغول رتی و شتی امور و بر حسب اشاره جنگلیه، دو روز است که مجلس تحقیقاتی به عضویت دو نفر مأمورین جنگل و یک نفر از علمای لنگرود در اداره حکومتی تشکیل و به امور عارضین رسیدگی می نماید. از موضوع اخذ اعانه که در لاهیجان مشغول وصول هستند - هنوز اطلاعی نرسیده، از قرار معلوم ثابته حال در لاهیجان سی هزار تومان اعانه جمع شده است. (۹۶)

[مسند شماره ۴۷]

حرکت به طرف خلخال

تلگرافات داخله، مورخ ۲۳ و ۲۴ سنبله، ۲۷ ذی قعدة

شغارود

به حمد... امنیت حاصل است. دیروز مرزا کوچک خان وارد شغارود و به سمت خلخال حرکت نمود. چند نفر نماینده از طرف ایشان در بازار چهارشنبه، مجلس تشکیل داده به امور اهالی رسیدگی می نمایند. (۹۷)

[مسند شماره ۴۸]

سواد خطابه آقای آقامیرزا کوچک خان در خلخال

در این چند روز که این فدایی وطن، وارد خلخال گردیده ام، حسن استقبال و بروز احساس صمیمانه اهالی محترم این





ولایت از هر جهت این فدایی را امیدوار ساخته و یک آتیه درخشانی را در نظرم مجسم نموده است. لهذا لازم و وظیفه خود می دانم در این مجمع عالی تشکرات قلبیه خودم رایه محضر آقایان حاضرین و عموم اهالی محترم تقدیم بدارم.

و بعد از و مآرض کنیم البته تا یک درجه حاضر شریف حضار از اوضاع دوازده ساله مملکت بلا آمده ایران، مستحضر است که تا چه درجه امورات مملکت دچار هرج و مرج شده و چگونه به واسطه اختلاف و نفاق داخلی اجانب از هر طرف به وطن عزیز ما حمله ور گردیده و حقوق ملی و استقلال شش هزار ساله ما را دچار لطمات نمودند.

همین طور در سوء اثر اختلافات داخلی و نفاق برادران ایرانی بود که اهالی مملکت به جان هم افتاده به عنوانات مختلف، به تحریک بکند بگر کشیدند و ایران را به این حال هلاکت بدبختی انداختند. اجانب استفاده از موقع کرده و اتصالاً دامن آتش افروخته، تا کار به جایی منجر گردیده که دولت ما را دچار ضعف و اتکاز نمودند. به اندازہ ای که حتی از تامین داخله عاجز گردیدند. اشخاصی که در این چند سال برای حفظ استقلال و اصلاحات مملکتی قیام کردند، بالینکه می دانستند چاره درد ایران فقط اتحاد و اتفاق است و لا غیر، معذرت کردند و تا به واسطه موانع موجوده می دانستند.

ولی هیات مقدس اتحاد اسلام - که از دو سال و نیم قبل امر گیلان تشکیل یافته - مانند یک نفر حکیم حاذق تشخیص داده است که برای مرض مملکت ایران، علاجی جز اتحاد و اتفاق عموم عناصر ایرانی متصور نیست.

امنیت و انتظام داخلی و حفظ استقلال وطن میسر نگردد، مگر با فراهم ساختن یک رشته اتحاد و اتفاق صحیحانه در میان ملت ایران اعم از عشایر و شهری و غیره، مدتی این مقصود مقدس به واسطه موانع و محظوراتی که از طرف اجانب اتخاذ می شده، در بوته اجمال باقی بود و از حدود گیلان تجاوز نمی کرد. از آن روزی که به حمد... موانع خارجی مرتفع گردید، هیات مقدس اتحاد اسلام، با جدیت تمام داخل عملیات گردیده و با صدای و رسانیدن ندای حیات بخش رایه گوشی دور و نزدیک رسانیدند. از ایلات و عشایر نامی ایران، اشخاصی که این دعوت را از اول اجابت نمودند، حضرت مستطاب اجل آقای امیر عشایر حکمران و حضرتین آقایان رشید الممالک و سالار خاقان بودند. اکنون هم که در فضا خلخال شریف دارند و در نتیجه مذاکرات دوسه روزه همه گونه اظهار موافقت با مرام هیات مقدس کرده و دوایر هیات خلخال و تشکیل دوایر قانونی و رفاه عموم ناخرجه آخر خودشان را حاضر و میافرموده و دقیقه ای از نکات همراهی فرو نگذاشته اند.

این فدایی وطن، این صمیمت و نیت پاک خوانین عظام خاصه حضرت حکمران جلیل را تقدیر کرده و چنان می دانم عموم اهالی محترم خلخال این حسن نیت و عقیده خالصانه ایشان را همه گونه شایان تشکر و تقدیر دانسته و به حوصله... تعالی جبران خیرای های گذشته و اصلاح معایب حاضره را از ایشان منتظر باشند.

چون فعلاً در این نقطه از طرف دولت علیه، عدلیه قانونی موجود نیست، بر حسب تصویب هیات مقدس اتحاد اسلام و اراده حضرت حکمران جلیل، مقرر است مجلس صحنیه در قصبه برای رسیدگی و احقاق حق مطالب و عرایض حقوق و جفایی تشکیل شود که عیناً جایگزین عدلیه قانونی باشد. دو نفر نماینده از طرف هیات مقدس اتحاد اسلام در آنجا خواهد بود و آنرا اعضا و یک نفر منشی هم از اشخاص صالح و قابل قضیه انتخاب می شود که تشکیل صلحیه را بدهند. برای اجرای احکام صادره از مجلس صحنیه حضرت حکمران جلیل، یک نفر مدیری را که جلب رضایت خواطر عموم را بکند، معین خواهند نمود که از هر جهت به حدود قانونی مجبور و فقط مجری احکام صادره در صلحیه باشد. برای جلوگیری از بی نظمی و حفظ امنیت و آسایش عمومی نیز پنجاه نفر سوا امنیه مستخدم گردید که حقوق خودشان را ماه به ماه از اداره گرفته و مسئول حفظ انتظام شوند.

راجع به حال داخله خلخال امروزه همین دو قمره تشکیل از طرف هیات مقدس اتحاد اسلام و حکومت جلیله، امیدواریم بسیار مفید و عیناً مایه آسایش و رفاهیت عمومی بشود.

اداره بلدی و غیره هم انشاء... تعالی با اهتمام حکومت جلیله و تصویب هیات مقدس بتدریج تشکیل و در نتیجه این پیشامد، ولایت خلخال دارای تأسیسات خیریه از قبیل مرصخانه و مدرسه و غیره شود. همچنین به تصویب هیات مقدس اتحاد اسلام گیلان، در قصبه خلخال هیات اتحاد اسلام تشکیل گردیده و اعضای محترم آن مدتی خواهند بود و عنق ادارات و اهالی باید از امروز هیات محترم اتحاد خلخال رایه و سمیت بتناسند. (۹۸)

[سند شماره ۴۹]

[تلگراف امیر عشایر از خلخال]

تلگراف خصوصی، میانج، ستاره ایران، هیات وزراء عظام.

در نمره ۴۹ ستاره ایران در تحت عنوان مطبوعات خارجه مسئله استقراض داخلی دولت برای تادیه قرض سی و دو میلیون منات روس برای نعامی طبایان نجات ایران جانب نظر دقت و بر هر فرد ایرانی متحنم است، موقع را مختصم شمرده برای استخلاص وطن خود از ربر بار شرایط کمر شکن این قرضی بذل همه گونه فداکاری و مجاهدت نماید. این فذایی با همه پیشانی اوضاع ولایت در موافقت تمام خوانین و سایر اهالی خلخال، که یکی از ولایات متحده هیات اتحاد اسلام گیلان است، با کمال صمیمیت حاضریم یک کر و راز منات کاغذی از استقراض دولت مساعدت نمائیم. مساعدت سایر ولایات متحده را هم کاملاً تعهد می‌کیم.

البته دولت دموکراسی روس به ملاحظه صرفه اقتصادی خود و ابراز مساعدت عملی با ایران - که همیشه فولامدعی آن است - در قبول طلب منات کاغذی خود مشکل تراشی نکرده و همراهی خواهند نمود. برای تادیه این قرض موقمی بهتر از این نخواهد بود. ملت ایران با رغبت تمام برای این استقراض حاضرند. اگر از طرف دولت روس بذل مساعدت نشود قطع خواهیم کرد که هیچگونه خیال مساعدتی با ایرانیان نداشته و آنچه می‌گویند برای اغفال ایرانیان است.

امیر عشایر (۹۹)

[سند شماره ۱۵۰]

[نطق آقامیرزا کوچک خان]

از خلخال

آقای آقامیرزا کوچک خان روز یازدهم ذی حجه در مجمعی که عده‌ای از تجار و اشراف قصبه خلخال حضور داشتند، نطقی دایر بر فرایند مدارس چندبده ایراد و اهالی را به تاسیس مدرسه توغیب و سپس آقای حاجی شیخ محمد حسین رشتی نیز بیانات وافی در این زمینه کرده، فی المجلس قریب ششصد تومان اعانه برای تهیه آتاقیه مدرسه از طرف حضار داده شد و خود آقای وفار السلطنه نماینده اتحاد اسلام، مشغول تهیه لوازمات مدرسه هستند. ۱۵ محرم افتتاح خواهد شد و انشاء الله... اسامی اعانه دهندگان و ترتیبات مدرسه بعداً عرض خواهد شد.

اهالی خلخال بی اندازه از توجهات آقای میرزا کوچک خان سردار اسلام در انتظام و امنیت خلخال و تشکیل دوایر قانونی از عدلیه و بلدییه و نشر معارف و تحصیل آذوقه خوشوقت و موافقت آقای امیر عشایر و سایر خوانین را با هیات اتحاد اسلام تقدیر کرده، در همجو موقع سخنی و قحط و غلاء این پیشامد را فقط نفضلات غیبی می‌دانند. اگر خلخال به حال دو ماه قبل باقی بود، فعلاً روزی دویست نفر از گرمسنگی تلف می‌شدند. (۱۰۰)

[سند شماره ۱۵۱]

اوضاع تنکابین

تنکابین: اقدامات محلی به عهده محمدنبی خان است که بایک عده دویست و پنجاه نفری موقوف است. عدلیه مرفعی تشکیل و فعلاً آقا شیخ یحیی قاضی عدلیه است ناز طرف اتحاد اسلام، قاضی معین شود.

آقایانی که همراه آقای سالار قانع به جنگل رفته اند: ضیغم السلطان، معاصد الممالک، شعاع نظام، معز السلطنه، مقبل السلطان، معتضد السلطان، محمد امین خان، مسعود الملک، ظفر السلطان، ابوالقاسم خان آجودان و بیست و پنج نفر سوار است.

بعد از دوازده روز اقامت در کسما با نهایت تجلیل به انزلی مراجعت و به طرف شهسوار حرکت نموده، آقای امیر اسعد در سارستانی متوقف و تکلیف قطعی هنوز معین نشده است. (۱۰۱)

[سند شماره ۱۵۲]

ورود به آستارا

نظر به تکاباتی که اهالی آستارایه هیات اتحادیه جنگل کرده اند، اخیراً معز السلطان از طرف آقامیرزا کوچک خان مأمور نظارت دوایر شده و پس از ورود اقداماتی برای تصفیه کلبه ادارات نموده و اداره بلدییه را برای تصفیه قیمت از زانیان تشکیل

[سند شماره ۵۳]

[در آستارا و طوالش]

خبر خصوصی به اداره رسیده است که چندی است نماینده اتحاد اسلام مشغول تصفیه امور است می باشند. و نظر به آنکه بدین دیوان رئیس مائیه بعضی اقدامات بی رویه می نمود و از اهالی از تعدیات مشارائیه متشکی بودند. از شغل خود منصرف و از شهر خارج کرده اند. به فرار مسموع ایشان توسط رئیس مائیه اردبیل کسب تکلیف نموده جواب ابلاغ شده فوراً به قزوین حرکت نماید. و آنچه تحقیق شده از طرف مائیه به ریاست اداره مالیات غیر مستقیم اداره قزوین منسوب شده است. و نیز در طوالش زهرت می دهند که اهالی میرزا علی اصغر خان رئیس مائیه راز شهر خارج و گفته اند تائیشهادی که به مائیه داده ایم، تصویب بشود، مالیات نحو اعزام پرداخت. (۱۰۳)

[سند شماره ۵۴]

[اعزام مامور به آستارا]

اطلاعاتی که از رشت داده شده حاکی است که میرزا اسماعیل خان رئیس نظمیه آنجا از طرف هیات اتحاد اسلام مامور استوار شده و حرکت کرده است. ماموریت مشارائیه برای رسیدگی به امور گمرکی و تنفیذ در اعمال مامورین سابق و لاجن آنها می باشد. (۱۰۴)

[سند شماره ۵۵]

[جنگلی هادر اردبیل]

اردبیل

عده جنگلی هادر این اوقات به قدر کفاف زین داشته است ولی در مریه خودشان حزبی برودت است. از آستارا الهی نکابین مقرر شد. گویا هزار نفر به تنگابین اعزام داشته اند که املاک سیه سالار را تصرف نمایند. از فرار مسموع، روس هادر رشت مشغول تخلیه خانه ها هستند. معروف بود که ناده هزار قشون در بزی و رشت وارد کرده و خواهند کرد و احتیاط خواهند گذاشت. نماینده جنگلیها از اردبیل مراجعت نموده و بیک نفر دموکرات وادر اردبیل مفش فرار داده اند. میانه نجف قلی خان پسر محمد قلی خان آزاری از شاهسون جرو حکومت نسیب و ملکیج بوده اند. او محمد علی بیگ که عموی محمد قلی خان باشد آتش جنگ شعله ور گشته و روز به روز بر شدت و حدت خود می افزاید. چند روز قبل جبرائیل بیگ از انصار دسته محمد علی بیگ مقتول شد. پسر او به جرح خواهی یکن سر راه آمدنهای نجف قلی بیگ را بریده حسن بیگ آزاری را کشتند. از فوج بیگ نوه او حاجی خالو ها که ایلات جزء اردبیل هستند به مدد طرفین بر خواسته از هر طرف دو هزار سوار جمع شده. مشغول فتل و جنال هستند عیسی بیگ فوج بیگ او حرمی نجف قلی خان مجروح شده. از طرفین از بیگ زادگان و ملازمین سی نفر مقتول و چهل نفر مجروح است و جنگ در سرک کوچ نزدیک ساری قمیش موغان واقع گشته.

از طرف جنگلیها به حکومت اخطار شده که بشود و خدمتگاه باید موقوف شود. ادوات چهار هزار تومان به حکومت حقوق می دهد و سه هزار تومان جنگلیها خواهند داد که این اعمال زشت خیانت کارانه موقوف شود. حکومت قبول نکرد. گزایی و محنتی روزی روز شدت میکند. نبودن روایت و آفت زدگی. نمی دانم اوصاف و ادر سال آیه چگونه خواهد کرد. از همه مهمتر همدمی حکومت با امین مائیه دزد خان و رشوه خوار غارتگر است. شکنجه و اذیت به حدی است که هیچکس مالک هیچ چیز نیست. محاکمات در اسرار است. ولی بیچاره مالکین ضعیف که بیج خریدار و ده خور و و سه خور و بده دارند از اسیری عام بدرند. اسرار و قاجاقچیان در ردیف قزاق و مامورین دولت در آمده و به انواع و اقسام مختلف به سربیک ملک خود و به فابیکاران خود فلام و تعددی می کنند. متسفانه همین اسخاص مامور جمع آوری مالیات

ورود مامورین جنگل به اردبیل

اردبیل: تلگرافی در روز قین رسیده که مامورین هیات اتحاد اسلام، در نزدیکی شهر جنگلی با شاهسونها و فزاقهای ایرانی نموده و به شهر وارد و شروع به تشکیلات کرده اند. (۱۰۶)

ملاقات دوستانه در فومن

زوال رژیم کهنه مستبدانه و تاسیس حکومت جدید روس از عناصر مصالح دمکراتی یک فرج و انبساطی در قلوب عموم عائله بشری تولید نمود. حضرات مجاهدین مقیمین فومن که معروف به مجاهدین جنگلی شده اند نیز بعد از انتشار این خبر اظهار فرح نموده و تقریباً ده روز قبل مکتوب تبریکی نابر به نهضت آزادی طلبان روسیه و موفقیت ایشان به انجام مراسم، به کمیته فعال مهاجرین رشت به توسط عزت... خان می نگارد. مکتوب تبریک به وسیله آقای حاجی رستم تاجر باشی - که از اشخاص سلیم انصاف و وکیل کتب هم می باشد - از نظر کتب گذشته و با کمال صمیمت از طرف اعضای کمیته تقی شده و وقایع راه فر مانده کل اردوی گیلان - که در انزلی هستند - راپورت می دهند. از ایشان تعلیمات لازم برای ایجاد استحکام وسایل دولتی با مجاهدین داده می شود و مقرر می گردد که برای رفع کدورت سابقه - که از شامت حکومت مستبد روس ایجاد شده بود - یک ملاقات دوستانه در فومن بشود.

آقامیرزا کوچک خان رئیس مجاهدین با کمال خوشوقتی این اقدام کمیته را تقی نموده، روز شنبه گذشته (۲۷ رجب) برای وقت ملاقات تعیین می شود. بنابراین در روز مزبور آقای حاجی رستم و آقای آلونس بیگ و گینباز جرجادزه صاحب منصب و وکیل کمیته که از طرف رئیس قشون هم وکالت داشته با عزت... خان به سمت فومن حرکت می کنند. به ورود بیخان، که آخر پست حضرات مجاهدین است - قریب سی نفر سوار مسلح آقایان واردین را استقبال کرده و به فومن می رساند. در آنجا نیز مراسم استقبال از طرف مجاهدین به نحو محترمانه به عمل آمده، ساگردان مدرسه کسم و فومن - که هر دو از تاسیس مجاهدین است - با بیقریهای گرمی صفا آرای کرده و به سرود ملی مترنم و خطابه های مهیج دنی بر آزادی و اتحاد و اتفاق می خوانند. پس از استراحت کردن مهمانهای محترم، آقامیرزا کوچک خان با سه نفر دیگر در اطاق خلوت با مهمانها شروع به مذاکره می نمایند. گینباز جرجادزه عنوان می کند که من با وکالت اختیارات لازمه از طرف صاحب منصب کل و کمیته آمده ام که خواهر شما را مستحضر دارم که رژیم کهنه روس، که نه فقط آزادی طلبان ایرانی را شکنجه داده و حقوقشان را با کمال می نموده بلکه در داخل روسیه، چندین برابر آن مدت روس در فشار و به انواع مظالم گرفتار بودند. این بود که ملت ما با یک بهضت شجاعانه رژیم استبداد را گسیخته و به حقوق خود رسیدند. حالاً که نوای آزادی در روسیه منسوب شده، ما را به اتفاق و دوستی دعوت می نماید و مناسب چنین است که اقدامات گذشته هرفرن در حق یکدیگر صفو و اعماض شده و از امروز به بعد با کمال دوستی با همدیگر رفتار کنیم. شما از امروز آزاد و مختارید در اقامت در این محل و یا حرکت به رشت و یا سایر نقاط ایران و می توانید با کمال آزادی به روسیه هم مسافرت کنید و ابداً آن اقدامات سابقه شما جوی تنقید و ایراد نیست. زیرا که به جهت استقلال و وطن خودتان کوشش می کردید و قول می دهم به شما که بعد از خاتمه جنگ بین اعدای نظامیان روس کلیه نقاط ایران را انتخاب کرده و به وطن خود مراجعت کنید.

آقامیرزا کوچک خان اظهار رضایت و خوشنودی نموده و می گوید که همه اقوال شما را تصدیق می کنم و خوب است که اقدام عملی شده و امتیازاتی را که اخیراً دولت مستبد روس به صور اجبار و بر خلاف میل ملت ایران از دولت ایران گرفته، نغو و باطل شود.

گینباز جرجادزه در جواب می گوید که این امر راجع به دولت ایران است که از دولت روس تقاضا کند و ما قول می دهیم که در آن با مقاصد حقه شما مساعدت کنم.

آقامیرزا کوچک خان این جواب را پذیرفته، با کمال شغف همدیگر را تقبل می نمایند و یک قبضه ماووزر با یک شانه فستق

آقایمرزا که حکم خان به گنیزجر جاذزه می دهند. این هدیه به عنوان یادگار مسیماه پذیرفته می شود. ضمناً گنیزجر جاذزه اظهار می دارد که من دوست دارم که در وقت ورود به شهر اطلاع بدهید که عوض این احترام و تعظیم که در حق ما منظور داشتید ما نیز با کن قشون نظامی و موزیک شما را استقبال کرده. با احترام وارد رشت نمایم.

پس از اقامت یک شب و پذیرایی کامل، حرکت کرده و قریب به دو پست نفر سوار از مجاهدین ایشان را مشایعت می نمایند و بعد از گذارتادن از سرحد، رضایت نامه گرفته و برمی گردند.

عصر سعادت (۱۰۷)

[سند شماره ۵۸]

عده روسها در رشت (و مصادر و اموال توسط جنگلیها)

رشت، واپس می آید که اخبار رسیده، عده روسها به طور تحقیق بالغ به شش هزار نفر می باشد که در نقاط مختلف در منزل اعیان و رجال و کسبه و غیره سکونت دارند.

واقعه جدیدی رخ نداده است. همه روزه جنگلیها تا نزدیکی شهر آمده، محصول بعضی املاک را حمل می نمایند. (۱۰۸)

[سند شماره ۵۹]

تکذیب منازعه

در این چند روزه که اخبار تنگرفی از رشت نمی رسد در مراکز شایع بود که بین اهالی و روسها مصادماتی به وقوع پیوسته و حتی انتشار اخبار اشتراق شهر رشت به توسط نظامیان منتشر بود. لیکن پس از وصول تلگرافات و تحقیقاتی که شده، شایعه مزبور بکلی اصل و حاری از حقیقت است و معاهده در منجیل و انزلی بین جنگلیها و روسها هم تکذیب می شود. فقط از فرار خیر خصوصی چند روز قبل در انزلی بین دو دسته از نظامیان مختلف المسدک، مساجره و منازعه به عم لامده و بعد عاتنه خاتمه پیدا کرده است. (۱۰۹)

[سند شماره ۶۰]

ژنرال انگلیسی

فروین، در هفته گذشته یک نفر ژنرال انگلیسی، از همدان وارد و پس از ملاقات با قونول به طرف رشت حرکت نمود. از فرار معنوم از طرف دولت انگلیس مأمور قفقاز می باشد. (۱۱۰)

[سند شماره ۶۱]

انگلیسیها در ایران

همدان، انگلیسیها، با تمامی اتومبیلها به طرف قزوین حرکت کردند. قزوین، اتصالاً تو میبل وارد و به سمت شهر رشت حرکت می نمایند. دیروز هم چنین تو میبل وارد، محمول هر یک سه نفر بوده و اغلب آنها صاحب منصب می باشند.

انزلی: قریب چند روز است که صاحب منصبان انگلیسی، با قور خانه زیادی وارد و مشغول تشکیلات جدید هستند. عده ای از روسها و غیره را داخل تشکیلات کرده اند.

قزوین: روسها، تسهیلاتی را از زنجان و بین راه گرفته و می برند. دو پست دولتی در خرمنده بی مانده است. به این ترتیب ممکن نیست از خط زنجان و قزوین پست حرکت کند. (۱۱۱)

[سند شماره ۶۲]

ورود و خروج نظامیان انگلیسی به انزلی

انزلی ورود و خروج قشون انگلیسی را به طریق ذیل راپورت می دهند:
ساعت هفت بعد از ظهر ۲۸ دی یک نفر ژنرال و ۲۲ صاحب منصب و قریب شصت نفر سرباز انگلیسی در انزلی رسیدند. که در آنجا یک عمارت توپ بود با ۲۴ دستگاه توپین سواری از رشت وارد و به غازیان رفتند. ژنرال آنها با بعضی صاحب منصبان در اداره لیانازوف منزل نمودند. پس از دو روز توقف بدون هیچ حادثه در ساعت هفت تماماً به طرف رشت رهسپار شدند. چون قصد عزیمت تفلیس را داشتند کمبته روس با ژنرال ایشان ملاقات کرده بود. سپس ذکر کرد که به سمت رشت گمرک بو شهر معین شده بود با آنها حرکت کرد. (۱۱۲)

[سند شماره ۶۳]

تلگراف هیات اتحاد اسلام

رشت: تلگراف میسوی از طرف هیات اتحاد اسلام به هیات وزیران مخابره شده که انگلیسیها علاوه بر آنکه شاهزاده سلیمان میرزا را دستگیر کرده اند، اتصالاً قشون به ایران وارد و چند روزی است که به حدود گیلان نیز قشون آورده اند. چون این مسئله به حیثیات مملکت بی طرف ایران یک لعنه بزرگی وارد نموده لازم است که هیات دولت فوراً اقدامات مربوطه داخل مذاکره شده از این اقدامات حق شکنانه انگلیسیها جلوگیری نماید. چنانچه هیات دولت به فوریت اقدام عاجلی ننماید، هیات اتحاد اسلام اقدامات لازمه برای جلوگیری از تعدیات آنها به عمل خواهد آورد. (۱۱۳)

[سند شماره ۶۴]

[اعلان اتحاد اسلام]

رشت: راپورت واصله مشعر است که دو روز قبل اعلانی از طرف اتحاد اسلام خطاب به نظامیان انگلیسی در شهر منتشر شده که اگر در ظرف ۲۴ ساعت از شهر خارج نشوید، ناچار از اقدامات خواهیم شد. (۱۱۴)

[سند شماره ۶۵]

تکذیب شایعات

وزارت امور خارجه، مخیر ماروز گذشته آقای مشاور الممالک را ملاقات و شایعات راجع به فونسیون و صاحب منصب انگلیس را در رشت استفسار نمود. جواب داده اند که این شایعات بکنی کذب و چندی قبل که شایع شد فونسیون انگلیس از عمل گیلان به قفقاز حرکت می نماید، هر اسه ای به سفارت انگلیس ارسال داشته که چون موقع حاصره رشت اتفاقاً ندارد، لازم است اقدامات به عمل آورده که قشون حرکت نماید. امروز صبح تلگرافی از رشت به من رسید که کلیه اتومبیلها با نظامیان روز قبل به طرف قزوین مراجعت کرده اند. ژنرالی هم که به طرف رشت رفته بود، مراجعت نموده است. (۱۱۵)

[سند شماره ۶۶]

[حرکت انگلیسیها]

انزلی: شب اول حوت اتومبیلهای انگلیسی و صاحب منسانی که آمده بودند، به طرف قزوین حرکت کردند. قزوین نظامیان انگلیسی که در رشت بودند، با اتومبیلها وارد و کاپه به طرف همدان حرکت کردند. (۱۱۶)

[تصرف فراقخانه، توسط جنگلیها]

از رشت به مامی نویسد:

در ۱۱ برج حوث فراقخانه بدون خونریزی به تصرف قوای مجاهدین درآمد و رئیس آنها که یک نفر از روسها بوده - از طرف هیأت اتحاد اسلام دستگیر و به جنگل برده شده و تمام فراقخانه آن را به محل اردوگاه ملی حمل نموده. تمام قزاقها حاضر شدند که به راستی خدمت نمایند. فقط دو نفر از آنها اجازه مرخصی به طرف تهران گرفته. قزاقهای رشت، عبارت بودند از دو [ناخوانا] پیاده و پنجاه نفر سواره دارانی اسلحه و توپخانه مکمل. (۱۷۷)

[دستگیری قونسول و رئیس بانک]

رشت: جنگلیها منعاقب دستگیری قونسول و رئیس بانک اساهناهی آرنیس فراقخانه ایران را به عنوان اینکه با انگلیسیها موافقت داشته، دستگیر و به جنگل برده اند.

کلیل کلرزه به جنگل وارد و از طرف هیأت اتحاد اسلام، به ریاست ارکان حزب جنگل انتخاب شده است. کارگزاری، در روز است به جنگل رفته که شاید توقیفندگان و امستخلص سارد وئی ناکون نتیجه به دست نیامده است. کارگزاری، تلگراف می نماید که شایعه تغییر میرزا محمدخان معاون کارگزار، سوء اثر بخشیده، چون مشارالیه شخص جدی و صحیح العمل و سابقه به اوضاع کیلان دارد، لازم است او امر اکیله در بقای او صادر شود. (۱۷۸)

[مذاکرات با سفارت انگلیس]

در نتیجه مذاکرات وزارت خارجه، وزیر مختار انگلیس شکایت از اقدامات هیأت اتحاد اسلام و دستگیری قونسول و رئیس بانک معوده و ضمناً آنها را داشته اند که لحن جریب باعث شده که روابط در نین ناریک شود و در خصوص امورات معوقه که در موقع بحران یادداشت داده بودند مجدداً از دربار لندن کسب تکلیف شده است.

وزارت خارجه، شرحی به سفارت انگلیس نوشته و در موضوع ورود فنون جدید به سرحدات ایران، اعتراض و تقاضا نموده است فوراً با مقامات مربوط مذاکره و وسایل عودت آنها فراهم آورد. (۱۷۹)

[ابلاغیه از طرف سفارت انگلیس]

مورخ ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۶

نیوت سنمه به دست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان افتاده که تجلید عملیات عمال خصم در حدود غربی ایران به جامی رسیده که اوضاع نواخره است. ۱۹۱۵ در این مسنکت تجدید باید. بنابراین دولت مشارالیه خود را مجبور دیدند برای حفظ منافع اهم خود بعضی اقدامات نظامی به عمل آورند. این تصمیم را به دولت ایران اطلاع داده و ضمناً این سفارت توضیح نموده است که اقدامات مزبور به هیچ وجه بر ضد استقلال ایران و مصونیت ایران نمی باشد. شناختن استقلال و مصونیت، مزبور یکی از نکات اهم سیاست دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان می باشد و از این تصمیم حالیه همچو بر نخواهد آمد که در دوستی قدیمی انگلستان نسبت به ایران تغییری حاصل شده باشد و دولت انگلیس در میل خود برای ترغیب دوستانه مسائل مختلف معرفه - به طوری که حافظ مصالح مملکتین بوده باشد - مداومت داشته و برای این منظور، پیشهاداتی به دولت علیه ایران نموده است. (۱۷۰)

تلگراف به هیات اسلام

تلگرافی از طرف آقای رئیس الوزرا به هیات اتحاد اسلام در خصوص دستگیری قونسول ورنیس بانک، مخایره و متذکر شدند که این عمل در این موقع مقتضی نبود و باعث خنثی نمودن اقدامات دولت می باشد. لازم است آنها را مستخلص سازند. (۱۳۲)

[سند شماره ۷۷]

[بخشی از نامه سفارت انگلیس در تهران در خصوص توقیف ویس قونسول انگلیس در رشت]

نامه مورخ ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۳۶ ق.، ۲۱ حوت ۱۲۹۶، ۱۲ مارس ۱۹۱۸
 ...از طرف دیگر نخستین در حالت شدت و عثمانیها در نقاط مختلفه غربی آذربایجان وارد شده و جنگیها تقریباً بیابان فیمابین انزلی و بیستخت را قطع و ویس قونسول انگلیس ورنیس شعبه بانک شاهنشاهی را در رشت توقیف کرده اند. در واقع شمال غربی ایران از بحر خزر تا سرحد عثمانی مغشوش و برای عبور و مرور خصم باز است. این اقدامات - که معاینه شمالی را فرا گرفته و روز به روز نیز کسب شدت و وخامت می نماید - پایتخت ایران را دچار مخاطره ساخته است. لهذا اولیای دولت انگلیس برخلاف میل خود در صدد برآمده اند از سرحد عثمانی استعدادهای کافی به شمال غربی ایران اعزام دارند. توسعه عملیات استعداد مزبور متوط به اثرات و نتایج حاصله از این اقدام و فدرش است که اولیای دولت علیه به کار خواهند برد. (۱۳۳)

[سند شماره ۷۳]

[بخشی از پاسخ وزارت امور خارجه ایران، به نامه سفارت انگلیس]

به تاریخ پنجم جمادی الثانی ۱۳۳۶ ق.، ۲۷ حوت ۱۲۹۶، ۱۸ مارس ۱۹۱۸
 ...اولیای دولت علیه امیدوار بودند که پس از رجعت قشون روس - که اول دفعه به ترض بی طرفی ایران میدرت کرده بود - می توانند بی طرفی ایران را محفوظ دارند. ولی نظامیان انگلیس برخلاف مواعید معسرجه قطعه اولیای آن دولت دیر به استقلال و بی طرفی ایران، همان تجاوزات و مداخلات را تعقیب و اینک نیز سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نصیب اعزام قوای جدیدی را به این مملکت اطلاع می دهند.

نظریه اینکه این تجاوزات و تقاضای شناختن قوای مصری به پلیس جنوب - که در واقع فرای خورجی به شمار می آید - تا ختم جنگ، مصائب چندین ساله ایران را تجدید و استقلال و بی طرفی این مملکت را تهدید می نماید، اولیای دولت ایران به این گونه اقدامات قویاً پروتست نموده، توجه اولیای دولت انگلستان را به نتایج وخیمه این تصمیمات جلب و هم چه زودتر احضار قوای انگلیس را می خواهد.

...اگر مسئله واقعاً ویس قونسول انگلیس بانک شاهنشاهی مقیم رشت، اولیای دولت علیه با اظهار تاسف از بروز این واقعه، به این نکته اشرت برده اند که مسئولیت حیفی این اتفاق ناگوار را متوجه نظامیان انگلیس می دانند که در خاک، بی طرف ایران نواب سلیمان میرزا و همراهان او را دستگیر نمودند. (۱۳۳)

[سند شماره ۷۴]

بلشویکیها

وزیر مختار بلشویکها، یک ساعت به عروب مانده روز گذشته مسیو براون وزیر مختار بلشویکها بر حسب وقتی که قبلاً معین شده بود، به وزارتخانه (خارجیه) حاضر و قریب یک ساعت مشغول مذاکرات بودند. از قرار معلوم موضوع مذاکره حرکت دوپست نفر از بلشویکهاست به طرف تهران.

بلشویکیها، ازلی، مجدداً یک عده از ساداتهای بلشویکها وارد شده، جمعی هم به طرف رشت و فروین حرکت نموده اند.



چلالمین نام که از افراد بلشو یک هاست، جمعی از نظامیان روس را دور خود جمع کرده اعلانی نیز منتشر نمود که من فرمانده نظامیان روس در ایران می باشم. (۱۲۳)

[سند شماره ۷۵]

ورود قوای منجیل

یک خبر تلگرافی که از قزوین دوازده روز قبل به مرکز رسیده حاکی است که اخیراً سی صد نفر از قوای جنگلیها وارد منجیل گردیده، مقصدشان معلوم نیست. (۱۲۵)

[سند شماره ۷۶]

مراسله سفارت انگلیس

از قرار اعلانی که رسیده، متعاقب ارسال یادداشت حوابیه که مفاد آن در ابلاغ وزارت امور خارجه در شماره نوزدهم ما مندرج بود - مراسم ای نیز از سفارت انگلیس به وزارت خارجه ارسال شده که استخلاص قوسون خود را در رشت از هیات معظم دولت درخواست نموده اند. (۱۲۶)

[سند شماره ۷۷]

در منجیل

سابقاً خبر ورود یک عده از قوای جنگلیها را به منجیل اطلاع داده، اینک به موجب اطلاع خصوصی عده مزبور، در همان حدود منجیل متوقف و یک عده از آنها اخیراً در بیونگ دو منزلی قزوین وارد و توقف نموده، مقصدشان هنوز معلوم نیست. (۱۲۷)

[سند شماره ۷۸]

قوای اتحاد اسلام

از قزوین، ۲۱ جمادی الاول، ۱۳۰۳ هـ. قوای اتحاد اسلام که رسیده و سابقاً هم عرض شده، سیصد نفر از قوای اتحاد اسلام فعلاً در منجیل توقف دارند و شهرت دارد که چهار صد نفر هم از رشت حرکت کرده قریباً به آنها ملحق خواهند شد. ولی معلوم نیست که به قزوین خواهند آمد یا نه؟ (۱۲۸)

[سند شماره ۷۹]

[اوضاع قزوین]

از حکمت قزوین روز گذشته راپورتی رسیده که واسطه اقداماتی که شده، عملاً سکونت و آرامش برقرار گردیده، و اوضاع جدیدی رخ نداده و از یازده اقدامات شرارت آمیز فعلاً جلوگیری به عمل آمده، شهر منظم است. رئیس نظمیة هنوز تحت معالجه باقی است. ضمناً لزوم اعزام قوای قزوین به منجیل را تقاضا کرده اند. (۱۲۹)



توسعه تسطیح

سابقاً اطلاع داده شده بود که انگلیسها، در خارج شهر قزوین مشغول تسطیح قطعه زمینی برای محل آبرویلان = هواپیمافرو گردیده‌اند. اینک اطلاعات موثق تری - که رسیده - خیر مزبور را تأیید و اشعار می‌دارد که بر وسعت اراضی مزبور در حدود سلطان آباد قزوین افزوده و با نهایت عجله مشغول تسطیح آنجا می‌باشند. از قرار مسوع، تا به حال آبرویلان هم به نقطه مزبور وارد شده و مراجعت کرده است. بعلاوه ورود و خروج اتومبیل و نظامیان مداومت پیدا کرده است. (۱۳۰)

[مراسله سفیر شوروی در تهران با وزارت خارجه]

اداره جلیله وزارت امور خارجه

در این اواخر جمعیت فوق‌العاده‌ای از افراد نظامی روس همه قسم در تهران دیده می‌شود و باز از فراری که مسوع می‌شود، بقیه قشون روس عبارت از قزاقها و صاحب‌منصبها و ژنرالهای آنها در قزوین معطل شده‌اند و گویا در صدد تکمیل نقشه خصوصی هستند. بنابراین به اطلاع آن وزارت جلیله می‌رساند که توقف آن قشون در خاک ایران و نقشه‌ای که آنها در نظر دارند، ایداً به دولت جمهوری روسیه مربوط نیست. بدیهی است افراد قشون مزبور دستور العملی از مراکز دیگری به غیر از مرکز جمهوری روسیه دارند.

بر اوین (۱۳۱)

ثردید شایعات

دو سه روزه اخیر شایعاتی راجع به مصادمه بین قزاقان روسی - که در قزوین باقی مانده‌اند - با قبایلی از طرف جنگلیها در منجیل منتشره گردیده. آنچه در این خصوص از مجاری مستقیم تحقیقات شده، واپورتنی که موبد این شایعه بوده باشد، به ادوات مربوطه واصل نگردیده است. قوای دیگری که از قزوین به طرف منجیل عزیمت کرده باشند، تا به حال از طرف قزوین به رست اعزام نشده‌اند. (۱۳۲)

[عده نظامی در قزوین]

به موجب تحقیقاتی که شده، عده نفرات نظامی انگلیس در قزوین فریب به بانصد نفر می‌باشد که صد نفر از آنها در شهر متوقف و چهار صد نفر در سلطان آباد اردو زده‌اند. لیکن مهمات و لوازم کاملی مندرجاً وارد کرده‌اند و همه روزه اتومبیل از خط همدان و کرمانشاه ایاب و ذهاب می‌نمایند. دو دستگاه آبرویلان به سلطان آباد وارد شده و به طوری که از منابع مربوطه به ایشان در قزوین تراوش کرده، گویا بر عده نفرات مجدداً خواهند افزود. طرز رفتار مامورین ایشان نسبت به سابق تغییر کرده و رویه خشونت آمیزی به نظر می‌آید. در ضمن اظهارات ژنرال قزاقو خیال اقداماتی برای تجاوز به طرف منجیل و خط رشت و اتزلی ابراز گردیده که پس از تکمیل استعداد به آن خطوط اعزام دارند. (۱۳۳)



[سند شماره ۸۴]

حکمران گیلان

انتخاب آقای سردار کل برای حکومت گیلان اخیراً از تصویب هیات دولت گذشته و برپروزی ابلاغ صلور مخابرات رسمی ایسان به شعبه شمال وزارت جنبه داخله واصل گردیده که به فوریت صادر و برای امضا تقدیم دارند. برحسب تأییدی که شده حکم و تنگنات لازم فوراً صادر و به مقام ریاست وزرا و وزارت داخله ارسال داشتند که پس از امضا مخابره شود. (۱۳۴)

[سند شماره ۸۵]

[حکمران گیلان]

از کارگزاری و کفیل حکومتی گیلان پس از وصول مخابرات رسمی دولت راجع به حکمرانی آقای سردار کل تلگرافی به وزارت داخله مخابره و روز گذشته واصل شده است که ابلاغ تلگرافات رابه و جره طبقات مختلفه اهالی ابلاغ و عموماً از این تصمیم هیات معظم دولت در انتخاب حکمران جدید ساگر و ما حسن قبول تقدیر نموده اند. ضمناً تقاضای عموم و نظریات خود را در تسریع حرکت معزی اله متذکر گردیده که بیش از این یک ولایت مهمی بدون حکمران رسمی باقی نمانده و با اعزام ایسان اهالی را مشکر نمایند. (۱۳۵)

[سند شماره ۸۶]

حرکت حکمران گیلان

آقای سردار کل حکمران گیلان که پس از انتخاب و رسمیت از طرف صفوف مختلفه گیلان به وسیله مخابرات علییده تأکید در سرعت عزیمت ایسان به مقامات رسمی می رسیده. وسایل تکمیل مسافرت خود را تهیه نموده و منتظر تکلیف کاتبه بوده اند. پس از استقرار آقای صمصام السطنه قوری اجازه حاصل و پیرشب مغارن غروب با اتومبیل به مرکز حکمرانی خود عزیمت نمودند. (۱۳۶)

[سند شماره ۸۷]

حکمران گیلان

از آقای سردار کل حکمران گیلان یکا نقره تلگراف پس از ورود به مقر حکمرانی به وزارت داخله واصل شده که راجع به ورود و اقدامات خود را در موضوع تسهیل امر ارتقا اشعار داشته و راجع به توسعه و ازدیاد ارتقا و ممانعت از احکام و وسایلی اتخاذ نموده و نتیجه نیکویی گرفته اند. (۱۳۷)

[سند شماره ۸۸]

ورود قشون و مهمات

از قرار اصلاح خصوصی مورخ هشتم برج جاری اجوزاً ایک، عنده سائدادت مسلح که چهل و دو نفر بوده یا کشتی هستی وارد لرنلی شده و توقف کرده اند. مورخ نهم یک عنده از سرای از ارامه با مهمات جنگی کثیر و یک عراده توپ و دو مترالیوز یا کشتی جنگی وارد تنگرگاه





و مرداب شده‌اند. اگر چه از پیاده شدن این عده اخیر به انزلی اطلاع مستقیمی هنوز داده نشده لیکن از قرار مذکور در خیال پیاده شدن و ورود به ایران بوده و اظهار داشته‌اند که عده دیگری هم بعد وارد خواهند شد. بلشویکهای رشت

از قراری که تحقیق شده جندی است که بلشویکهای مقیم رشت گمیته خود را در آنجا متحل کرده و اغلب آنها مراجعت کرده‌اند. فعلاً تاسیساتی از بلشویکها در آن حدود باقی نیست. (۱۳۸)

[مسند شماره ۸۹]

مصادمت در منجیل

قبل از استقرار سانسور مخبریات قزوین اطلاعاتی که رسیده منشر بوده است که پس از حرکت روسهای متوقف در قزوین، که قبلاً به وسیله مذاکرات و قراردادی بین روسای آنان با نمایندگان هیات اتحاد اسلام از منجیل اجازه عبور یافته بودند. دسته ابتدایی در بین رودبار و منجیل توقف کرده و استحکاماتی در آنجا بنامی نمایند. متعاقب آن دسته دیگری از روسها رسیده، به مجرد وصول آن دسته از طرف روسها مبادرت به حمل شده و مصادمه بین آنها و قوای عیات - که در منجیل توقف داشته - شروع گردیده. پس از شروع شدن مصادمه چهارصد نفر نظامیان انگلیس از قزوین فوری حرکت کرده، خود را به منجیل رسانده‌اند. قوای هیات با مشاهده عدم موفقیت خود، مقاومت نکرده و به طرف محللهای خود در جنگل رفته‌اند. از قرار مذکور نظامیان انگلیس از منجیل گذشته و ایروپلانهای آنها - که از قزوین حرکت کرده‌اند - در همان حدود می‌باشند.

مسافرت و مهاجرت

چند روز قبل از حدوث وقایع قزوین و منجیل، به موجب اطلاعاتی که رسیده بوده، کلنل استوکس انگلیسی - که به قزوین مسافرت کرده بود - با اتومبیل به رشت عزیمت نموده و یکی دو روز قبل از تصمیم اعزام قوا، از قزوین، با اتومبیل مراجعت و در قزوین متوقف بوده، دیگر اطلاعی که منی بر حرکت ثانوی ایشان بوده باشد، نرسیده است. (۱۳۹)

[مسند شماره ۹۰]

توقف در انزلی

در شماره دیروز خبر حرکت کلنل استوکس را از قزوین به رشت و مراجعت او را به قزوین اشعار داشت باشیم. اینک اطلاع خصوصی اخیر متعراست که متارالیه مجدداً به طرف رشت عزیمت نموده و فعلاً در انزلی متوقف می‌باشد. ورود به رشت

از قرار یک خبر خصوصی که به وسیله تلگراف اخیر استخراش شده، پس از حدوث وقایع مصادمه در منجیل و پینسرف قوای ایوانب جمعی ژنرال بیچراکوف، عده‌ای از پیش قراولان آنها به طرف گیلان حرکت کرده و وارد رشت گردیده و به صور غیر مستقیم اطلاع رسیده است که چند نفری در آنجا دستگیر شده‌اند.

آرامنه مسلح در انزلی

سאלدات و آرامنه مسلح که چندی قبل با کشتی جنگی و مهمات وارد انزلی شده‌اند. کماکان در آنجا متوقف ورود و اقدامات آنها از قرار اطلاعاتی که رسیده منی بر مقررات اولیای نظامی انگلیس و صاحب‌منصبان روسی - که تابع دستور انگلیسیها هستند - از چندی قبل شروع به اجرای مقصود نموده‌اند - می‌باشد.

و نیز اعزام قوای انگلیس به زنجان و حرکت ژنرال بازاتف به بغداد و مرکزیت دادن طیاره در سلطان آباد قزوین و اعزام متوالی مهمات در اتومبیل جنگی و غیره از کرماتساهاان به همدان و قزوین، تمام آنها زمینه برای اقدامات اخیر بوده و آنچه که عجالتاً مفهرم شده نقطه نظر انگلیسیها عبور از انزلی و وصول به بادکوبه می‌باشد. و با قوای مسکنه سعی می‌کنند که از نیاط خود را از طریق ایران با تقفازیه محفوظ مستقر دارند و به توسط عمال خود قوای مسکنی را از آرامنه و نظامیان روسی استخدام و تجهیز کرده، مترصد اجرای دستور اولیای نظامی می‌باشند. (۱۴۰)

از رشت

یک خبر خصوصی کتبی که از گیلان رسیده - مشعر است که در موقع تصمیم حرکت قوای هیات اتحاد اسلام از رشت اعلامی منتشر ساخته اند که آن شب را احدی حق بیرون آمدن و عبور و مرور را ندارد. کسبه هم باید بعد از غروب به منازل خود بروند. چنانچه کسی در بیرون دیده شود مورد تهدید قرار دهد بود. اهالی هم بدون آنکه از علت و مقصد مستحضر باشند آن شب را بیرون ماندن خود نری کرده. نا آنکه در همان شب کلیه قوای مزبور به طرف کسما و فومن از شهر خارج شدند. از تراری که مذکور شده در موقع حرکت بیشتر اساسیه و مزومات ادارات و خصوصاً اداره نظمی و مالی و با خود حمل کرده و برده اند. مقدار زیاد هم برنج و روغن هم با خود از شهر حمل نموده اند.

در این اواخر صورت تقبسی برای نخل وجه معنی به اسم تجار رشت و انزلی صورت داده و در خیابان نخل آن بوده اند. لیکن حوادث و پیش آمد اجبر احرای آن را به عهده تعیین انداخته است.

اخیراً سه دستگاه آبرو پلان انگلیسی به طرف کسما و فومن طران کرده. هنوز نتیجه عملیات آنها اطلاعی نرسیده است. در مصادمه رودبار تلفات قوای هیات را بالغ بر صد نفر مذکور می دارند که عده ای از آنها هم دستگیر شده اند. (۱۴۱)

صندوق پست

آقای سی ی. نماینده اتحاد اسلام

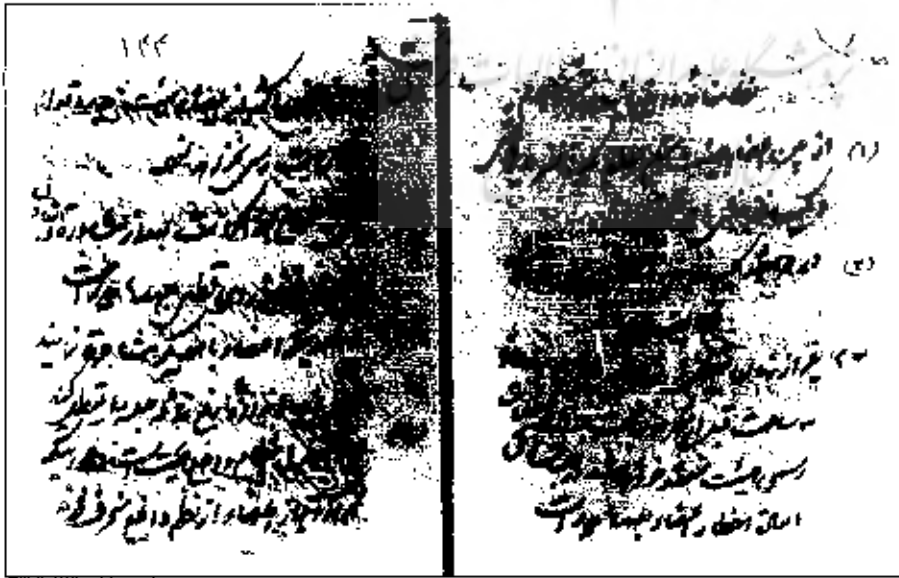
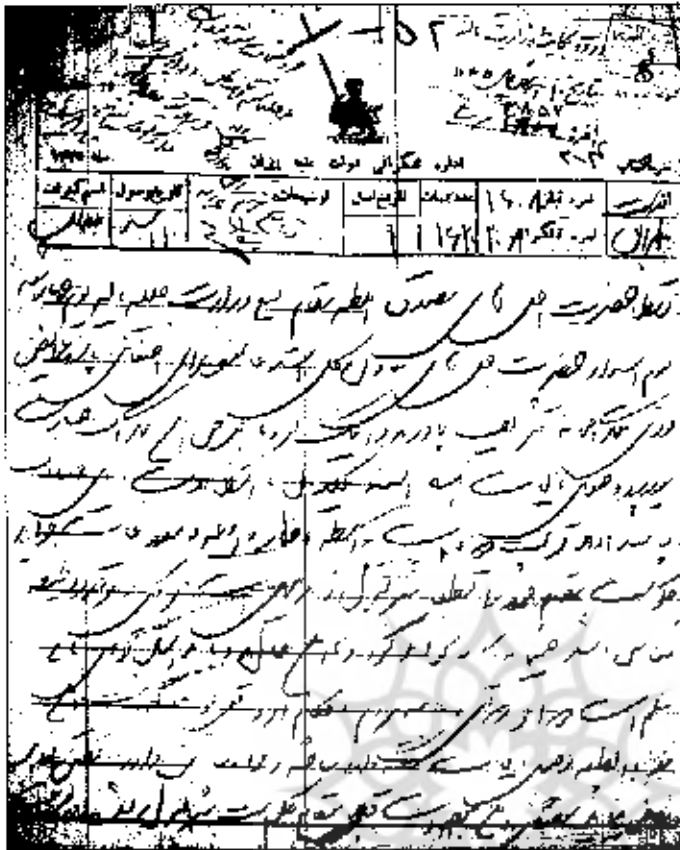
اینکه در جواب ابلاغیه سفارت انگلیس شرح ماوقع را بر حسب آنچه قاصد مخصوصی که از جنگل و از طرف هیات اتحاد اسلام به شما اطلاع داده و می نویسد، ارجیح به آنکه از قوی هیات مزبور (۲۵) و رست راه سوسه بین امامزاده هاسم و رستم یاد را اشغال نموده و بین قوای انگلیسی جدایی افکنده و از مهمت تا چهاردهم [شعبان] جنگ جریان داشته و تلفات انگلیسیها ۱۵۱ مقتول و زیاده بر این مجروح و ۱۹ نفر اسیر و ۱۶۳ انوسین و تلفات جنگیان فقط دو تن مقتول و دو تن مجروح صورت داده اند.

دیده شما خود بخوبی می دانید در مقابل ابلاغیه رسمی یک سفارتخانه، حقیقت هر چه مطابق قول هر کس باشد، اعضای واضح و روشن لازم است و یک روزنامه بر طبق قانون نمی تواند به اعضای رمزی فتنه کند. پس خوب بود اعضای خود را صریح می نوشتند که محل اعتراض بر ما و شما نیوده باشد.

اما اینکه مرقوم داشته اند هیات اتحاد اسلام نیز با انگلیس و سایر دولت نظر دشمنی و عداوت خاصی نداشته و مرامشان فقط حفظ استقلال ایران است. اما نیز این مرام را از هر کس و هر جمعیت که باشد نقض کرده. امیدواریم تمام ایرانیان در نظریه فوق از دولت مسبوحه خود تبعیت و تمکین نمایند. (۱۴۲)

مصادمه اخیر

بر حسب اطلاع خصوصی که به ما رسیده است، اخیراً مصادمات شدیدی بین قوای هیات اتحاد اسلام و انگلیس جریان پیدا کرده و داعیه زدو جورد به شهر میند. اگر چه به واسطه مسدود بودن باب تعجیل اخبار، کاملاً اطلاعانی در دست نیست، لیکن به فراری که اسما می شود بدو تلفات انگلیسیها زیاد بوده و چند دستگاه انومبیل را متصرف نموده، سپس قوای امداد به منجیل رسیده و در نتیجه تصادم اخیر و حملات طیارات یک قسمت از شهر هم دچار احتراق گردیده است. عتاقاً بقید تر دید خبر فوق از امتدرج و منتظریم اطلاعات موثق مستقیماً واصل شود. (۱۴۳)





وزارت جنگ
وزارت عالی

شماره
 تاریخ
 محل

تاریخ
 شماره
 محل

وزارت جنگ
وزارت عالی

تاریخ صدور سند: ۲۲ خرداد ۱۳۰۴

موضوع: *[فهرست اسامی و عناوین در دست راست]*

استحضار آن وزارت عالی را دارم که با توجه به درخواستهای مذکور و با عنایت به مقررات مربوطه، اقدامات لازم جهت تهیه و توزیع اسلحه و تجهیزات مورد نیاز انجام شده است. اسامی و عناوین افراد و دستگاهها که در ذیل این سند درج میگردد، به استحضار شما میرساند.

استاد
وزیر جنگ

NATIONAL ARCHIVES
 اسناد ملی ایران

وزارت جنگ
وزارت عالی

موضوع: *[فهرست اسامی و عناوین در دست راست]*

تاریخ صدور سند: ۲۲ خرداد ۱۳۰۴

استحضار آن وزارت عالی را دارم که با توجه به درخواستهای مذکور و با عنایت به مقررات مربوطه، اقدامات لازم جهت تهیه و توزیع اسلحه و تجهیزات مورد نیاز انجام شده است. اسامی و عناوین افراد و دستگاهها که در ذیل این سند درج میگردد، به استحضار شما میرساند.

استاد
وزیر جنگ